

کتاب رہنمای سفر





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران







سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



۱۰۵۹۲

کتاب رهنمای سفر

در اوان سلطنت علیحضر شاهنشاه

صاحبقران ناصرالدین شاه

پادشاه ایران

بجس ایتام و متوفین میرزا یوسف خان مستشارالدوله

کتابتین حاکم دولت میرزا عبدالرسول منشی تبریزی
ترجمه نموده بتاریخ شهر ذی قعدة ۱۳۰۱ هجری
۱۸۸۳ میلادی در بندر بمبئی
بطبع رسیده



فهرست رهنمای سفر

صفحه	مثنوی ۳۷ فصل است در ضمن شش باب	صفحه
۶۱	باب اول فصل اول در مناسبات	فصل ۱۳ در سفرای درجه اول
۶۵	خارجیه و وزارت امور خارجه	فصل ۱۴ سفرای درجه ثانیه
۶۸	فصل دوم در صفت وظایف و رتبه	فصل ۱۵ سفرای درجه ثالثه
۷۰	فصل سیم در تکمیل وزارت خارجه	فصل ۱۶ مصلحت گذار با
۷۱	باب دوم و فصل چهارم در حق عموم سفر	فصل ۱۷ کومیسر با و نامورین
	فصل پنجم در ارسال سفر	باب ۱۸ تعیین صفت رسمیه و
۷۲	فصل ششم در حقوق و مجبوریت قبول سفر	صورت ارسال نامورین
۷۲	فصل هفتم در باب مختلف دیپلماتیک	فصل ۱۹ در اعتماد نامها
۷۷	فصل هشتم عدد و سفر که مقتول خوانند	فصل ۲۰ در رخصت نامها
۷۹	فصل نهم صورت انتخاب سفر	فصل سیم در تعلیمات سفر
۸۱	فصل دهم انواع مختلف سفارتها	فصل ۲۱ در مخاربات شفره
۸۲	فصل یازدهم در سفارت خفیه	فصل ۲۲ در پاسپورتها و تذکرات
۸۳	باب سیم و فصل ۱۲ در مراتب سفر	باب پنجم در نامورین



صفحه		صفحه	
	فصل ۲۳ در مأمورین ستم		فصل ۳۳ در نفوذ سفير و حکم
۹۳	فصل ۲۴ عيال و فاطمياي سفير	۱۴۳	او بامورين سفارت
	فصل ۲۵ مأمورين غير رسمي		فصل ۳۴ در رعایت سفير
۹۴	معتبت سفير	۱۴۶	نظامات ضابطه محلیه را
۹۵	فصل ۲۶ پناه راه انداختن سفير		فصل ۳۵ معافیت سفير از
۹۹	باب ششم امتیازات دیپلوماتیکها	۱۴۹	رسومات و عوارضات
۹۹	فصل ۲۷ در محفوظیت سفير و مأمورین		فصل ۳۶ در اجرای آیین
۱۰۶	فصل ۲۸ در استقلالیت سفير	۱۵۴	عبادت در سفارت خانهها
۱۰۹	فصل ۲۹ در اعتبار اقامتگاه سفير		فصل ۳۷ در حقوق امتیازات
	فصل سی ام معافیت سفير	۱۶۱	مأمورین دیپلوماتیک
۱۱۸	از حاضر شدن بحدیهای جنایت		
	فصل ۳۱ در معاف بودن		
۱۲۹	سفر از حاضر شدن بحدیهای ملکیه		
۱۳۸	فصل ۳۲ در مأمورین نیمه		



غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۹	۱۰	مستخدم	مستخدم	۴۵	۱۳	مستند	مستند
۲۰	۱۱	مست	صفت	۴۷	۶	مستفر	مستفر
۲۱	۹	مستند	مستند	۵۰	۴	مستوق	مستوق
۲۲	۵	مستیت	مستیت	۵۱	۷	مستاده	مستاده
۲۳	۵	مست	مست	۵۴	۱۱	مستند	مستند
۲۴	۵	مست	مست	۵۴	۳	مست	مست
۲۵	۸	مست	مست	۵۴	۴	مست	مست
۲۸	۷	مست	مست	۵۵	۹	مست	مست
۲۸	۷	مست	مست	۵۶	۳	مست	مست
۲۸	۱۰	مست	مست	۶۱	۱۳	مست	مست
۳۰	۳	مست	مست	۶۸	۴	مست	مست
۳۳	۲	مست	مست	۶۹	۹	مست	مست
۳۴	۳	مست	مست	۷۰	۱۰	مست	مست
۳۶	۲	مست	مست	۷۱	۲	مست	مست
۴۰	۱	مست	مست	۷۱	۹	مست	مست

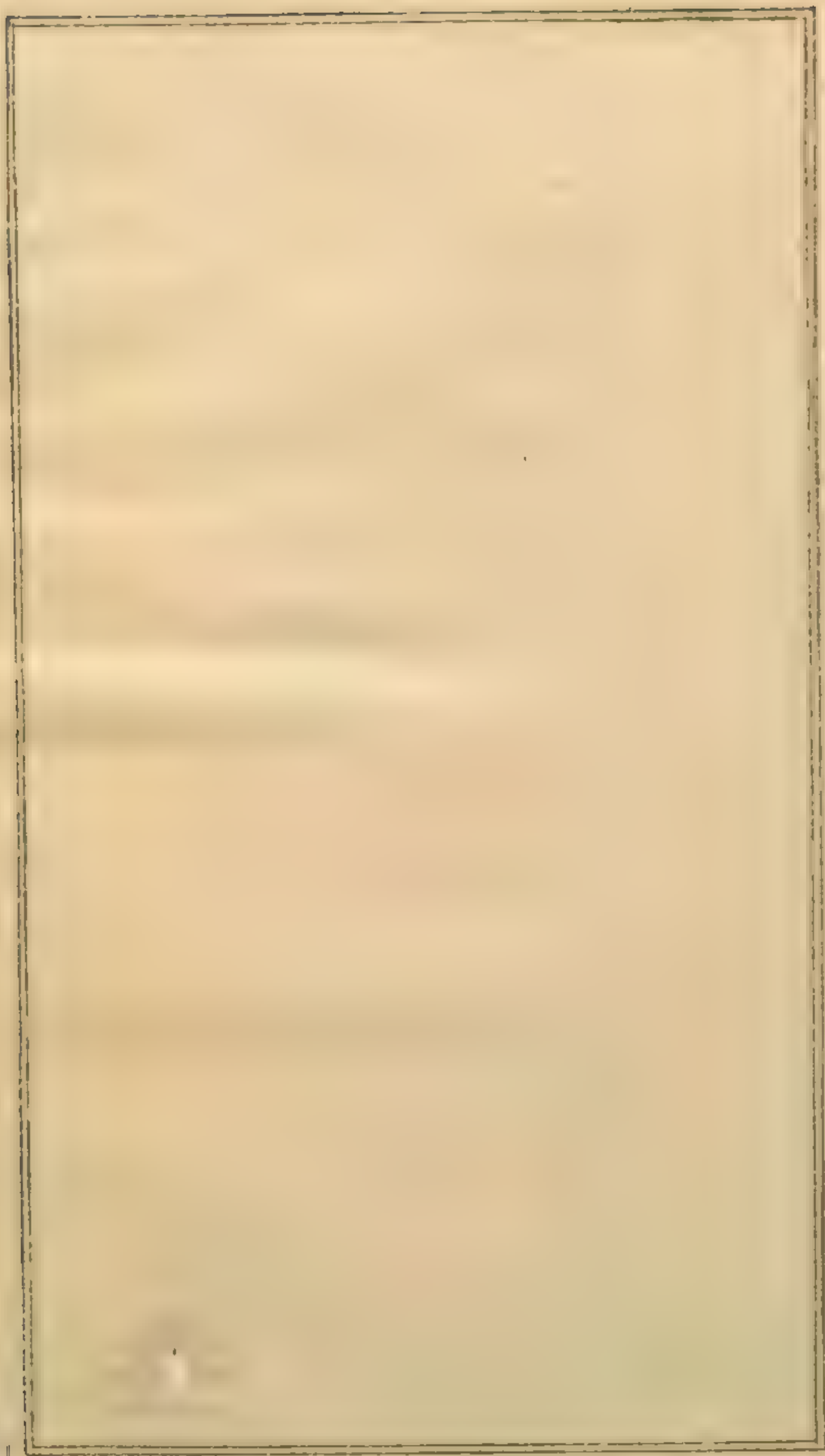
صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷۹	۷	ارسال	ارسال	۹۲	۸	میباشند در	میباشند در
۸۲	۴	دکر	واکر	۹۴	۵	سایه منظر	سایه منظر
۸۲	۱۰	اتا	۹۴	۹	و محال است	و محال است
۸۴	۱	خالیه	تتها	۹۸	۱۱	اگر چه	اگر
۸۷	۴	برور	برور	۹۸	۱۲	نشده است	نشده است
۸۷	۱۰	در آسانی معلومه	در آسانی معلومه	۱۰۰	۳	منتهه	منتهه
۸۷	۷	کردید	کرد	۱۰۰	۱۵	نبوده	نبوده
۸۹	۱	فصل ۲۳	۱۰۰	۶	میرانه	میرانه
۹۰	۱۴	دولتها سرکات	دولتها سرکات	۱۰۲	۴	معافیت	معافیت
۹۱	۱۲	نمایه سرکات	نمایه سرکات	۱۰۳	۱	بسمت	بسمت
۹۲	۱۱	کرده است	میکرده است	۱۰۳	۱۳	در سیمین	در سیمین
۹۲	۱۲	میکنند	میکرد	۱۰۶	۳	محل	محل
۹۲	۹	میدارد	میداشتن	۱۱۱	۲	حقوق ملل	حقوق ملل
۹۲	۷	هستند	بودند	۱۱۵	۳	دور بیرا	دور بیرا



صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۱۵	۴	لورد بارکون	لورد بارکون	۱۲۵	۱۱	ماده	ماده
۱۱۵	۱۲	آن شخص را	آن شخص	۱۲۷	۱۱	اجری شود	اجری نمود
۱۱۵	۱۴	بود	بوده	۱۲۸	۱۰	خصوصیات	خصوصیات
۱۱۶	۱۰	و محل	و محل	۱۳۰	۹	پروسیا	پروسیا
۱۱۷	۱۳	مأمورینی را	مأمورینی اعم	۱۳۰	۹	مباحثه	مباحثه
۱۱۸	۲	سوار دیو است	سوار کرده است	۱۳۱	۱۱	بغوض	بغوض
۱۲۰	۵	از رعیت	از تبعیت	۱۳۳	۱۵	داد	داد
۱۲۰	۷	مبعیت	معبیت	۱۳۴	۱۲	مؤد	میشود
۱۲۰	۱۲	میشد خواه	میشد خواه	۱۳۴	۱۲	استقلالیت	استقلالیت
۱۲۱	۱۰	بشود بعکس اگر چه	اگر چه برعکس و تنقیض	۱۳۹	۱۰	مجازات	مجازات
۱۲۱	۱۳	ولیکن دولت	معهد دولت	۱۴۰	۴	باننانکه	باننانیکه
۱۲۲	۳	در خیلست	در خلست	۱۴۱	۲	تحقق	تحقیق
۱۲۲	۹	در استحصالی	در استحصالی	۱۴۱	۴	معاینه	معاینه
۱۲۳	۵	ثقلیات	ثقلیات	۱۴۱	۱۵	بر کس	بر کس



صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۴۵	۹	اتباع	اتباع	۱۱۱	۱	ظاہر کردہ	ظاہر شد
۱۴۹	۴	بواسطہ	بواسطہ	۱۱۱	۲	واقع کردہ	اتفاق شد
۱۴۹	۱۳	رسوم	رسوم	۱۴۱	۶	دلواینگہ	الکرچہ
۱۵۶	۷	سفیر	سفیر	۱۴۱	۸	لاکن	معہذا
۱۵۷	۹	رہبانانیکہ	رہبانانیکہ				
۱۵۷	۱۳	مدارد	مدارد				
۱۵۹	۶	سفیر	سفیر				
۱۵۹	۱۳	تویر	تویر				
۱۶۰	۱۴	زوجہای	زوجہای				
۱۶۰	۱۵	زوجہای	زوجہای				
۱۶۱	۶	حقیقہ	حقیقہ				
۱۶۲	۱۱	توقیف	توقیف				
۱۶۶	۳	کردہ	کردیدہ				
۱۶۷	۱۴	دادہ شد	دادہ شد				



نسخه سطر غلط صحیح نسخه سطر غلط صحیح

۳	۴	خارج مناسبت	خارجیت	۱۳	۲	بارسال	بارسال
۱۳	۱۴	منفرت	منفرت	۲۵	۶	مصلحتکار	مصلحتکار
۳۳	۳۴	سفارت	سفیر	۳۳	۴	انهارالعنوان	العنوان
۳۲	۳	جمعیت	جمعیت	۴۵	۱۲	مکرر	مکرر
۴۹	۱۱	سفارت	سفارت	۵۹	۱۵	سفیر	سفیر
۶۰	۱	سفر یکبار	سفر یکبار	۷۲	۷	قراچه	قراچه
۹۴	۱	بفارت	بفارت	۱۰۵	۱۱	مالایقه	مالایقه
۱۱۹	۴	جنایاتیکه	جنایاتیکه	۱۱۹	۵	او عا نکرده	او عا نکرده
۱۲۳	۱۰	دخالت	دخالت	۱۳۰	۱۱	ذلیل	ذلیل
۱۳۲	۶	۱۷۷۳	۱۷۷۳	۱۳۲	۹	ورعایت	ورعایت
۱۳۴	۴	از اعتبار	از اعتبار	۱۳۴	۵	بار بار و قمار	بار بار و قمار
۱۳۷	۱۱	دعوی	دعوی	۱۳۷	۱۱	شدن	کردن
۱۳۷	۱۲	شدن	نمودن	۱۴۰	۱۲	مرات	مراتب
۱۶۴	۴	کرده شده	کرده شده				



جلد اول

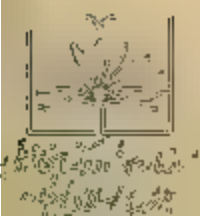
رہنمای سفر

ترجمہ عبد الرسول مٹھی

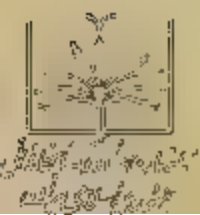
دہلی ۱۳۰۱

دولتها بجهت اینکه بحسن جریان مناسبات موجوده و تبلیغ مطالب دوله
یکدیگر واسطه بنده. به محکم می آید مگر مانورینی را که حاضر صفت سفارت
باشند تعیین و اعرام نمایند و چون اصول و مرآت می را که این مثال
مانورین دیپلماتیکی در نزد دولتها بنده مانور با سخا استند اجرا
نمایند از فروع حقوق دولتی بوده و علم مخصوص موسوم به دیپلماتی
است و از باین علم در فرانسه و انگلیس و آلمان کتب متعدده جمع و تالیف
کرده شده است.

و چون علم دیپلماتی محض تأمین صورت جریان مناسبات خارجیست
که مستلزم منافع ملک و ملت است موضوع شده و جامع اصول
و مراسم دیپلماتیکی است و برای کسانی که در خدمت دولت هستند
نهایت لزوم را دارد و بنام علم دیپلماتیک نام که در خدمات
سفارت دولت آلمان بوده و بنظر تأیید و عملیات این علم
کسب معلومات یافته نموده است و از باین علم آلمانی بعنوان
رهنمای سفر اتریش و تألیف کرده است و ادیب اروپا
شکلیب افندی هم که از ادبای عثمانیست آن را بر زبان ترکی ترجمه



و این بنده میرزا عبد الرسول غفرلہ تبریزی نیز بامروا شایہ خباب
فحامت نصاب آقای میرزا یوسفخان مستشارالدوله در بنگام اقامت
بمبئی در تاریخ شهر ربیع الفارسی ترجمہ نمود امید قوی دارد کہ این
خدمت مختصر من کہ محض محبت دولت و ملت و وطن مقدس مبادرت
بان کرده ام در نظر ایامی امور مطبوع و پسندیده آید
این جلد اول مختصر و لطیف و تکالیف سہراست جلد دوم ان مشتمل
بر دستور العملهای جنرال قونولہا و قونولہا است کہ آن نیز ان شاء
تعالی ترجمہ و چاپ خواهد شد



جلد اول بنهای فرا

مقدمه

علم دیپلوماسی

موضوع علم دیپلوماسی عبارت از اصول و قواعدی است که در حق صورت
جرمان مناسب است و در میان دول مختلفه موجود بوده و یا آنکه ایجاد آن
اقتضا نماید دستور العمل اتخاذ کرده شود و نظم معنای عمومی کلمه دیپلوماسی
عبارت از علم غایتیه مناسبات دولتی است و مغایرت این مناسبات
نسبت به شکل و بهیت دولتهاست و اصول موضوعه و ارات
و قوت و کمیت و درجه تقدیر و بتدلیک در حال و مواقع آنها ظاهر
میشود و بار بباط و اقراق که در میان آنها موجود بوده و نسبت
و نوعات است . چون حالات مذکوره که اساس مناسبات
خارجیه دولتها بوده و به بعضی و قوعات عریده استناد کرده میشود
و استخراج نتیجه آنها باجرائی تحقیقات و مطالعات منوط و مربوط است

بنای علمه مطاعه مجموعه های دیپلوماتیک و تحریرات و معاهدات و لواحق
و تألیفاتیکه در تباریج است در اطلاع بهمرسانیدن باساس مناسبات
دولتها کافی تواند بود . نظر باینکه علم دیپلوماسی کسانیکه دیپلوما
میشوند باید در اکثر احوال محض خبر و احوال نقصان قواعد نظریه از اصحاب
امتحان و تجربه بشوند و در آنجا و تحریراتی که تعاطی میکرد و یا آنکه
بفرای دول خارج فرستاده میشود بعضی اصول و قواعدی است که باید از
کفیل کرده و تقاریر و تحریرات را موافق حال و صلیحت نشاناید
و این از اصول و فروع علم دیپلوماسی است جوایمیکه در امور خارجیه مستخدم
میشوند عداوه برانکه لازم است از اصحاب عقل سلیم باشد باید صفات
آتی را نیز متصف و حاضر شوند . اولاً باید حقوق ملل و حقوق طبیعی
که شامل قواعد صحیح پویشی است کفیل نمایند ثانیاً متعین قواعد
اساسیه خواه در حضر و خواه در سفر حقوق ملل موضوعه را که از روی
عدالت و معاهدات تأسیس کرده شده و دستور العمل مناسبات
واقع دولتهاست بدست بیاورند ثالثاً حقوق دولته دول
اوروپا را که از روی قوانین موضوعه بر دولت تأسیس شده است

بیا موزند را بعا محض اطلاع بحركات و تاملات واقعه دولتها
محاربات و مكالمات و تواریخ معاہدتی که درین عصر حاضر منعقد شده
مقطع باشند خامسا صور مختلفه پوليٹیکیه را که قابل آن باشد
بموقع اجرا گذاشته شود بحصیل کنند سادسا صورت حصول ثروت
ملیه و انقسام آنرا با افراد ملت و بجهت دانستن اہ صرف نمودن
آن علم ثروت ملل را بحصیل نمایند سابعا احوال جغرافیه و ملکہ دولتها
بدانند نامنا اصولی را که در حق مکالمات تنویر مصالحی که میان دولتها
منکون شود و مرعی الاجراست در خاطر داشته باشند تاسعا
راه نوشتن بعضی تعاریف و تحریری را که لأجل المصلح در میان دولتها
تعاضی و رد و بدل میشود بدانند .

بعد از آنکه موضوع علم مذکور عرض شد و علومیکه برای جوانان دیپلومات
لازم است تعداد و بیان کردید اینک شروع بصدد بحث نمایم

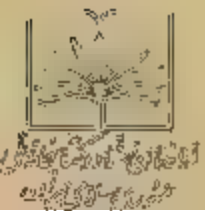
باب اول
فصل اول

در بیان مناسبات خارجیہ و وزارت امور دول خارجی است



از روزیکه در ممالک اروپا اصول پولتیک ظاهر شد و دول
 معظمه در میان خودشان لزوم جریان مناسبات متوالیه را درک
 و حسن نموده اند برای واسطه الت بودن به بیان تبلیغات
 متقابلیه خودشان و برای اینکه بروش پولتیکه بیکه بکرا حاله نظر
 وقت نمایند نزدیک بیکه بیکه اصلا یا موقتا مأمورین تعیین و ارسال
 کرده اند از مصالحه (و استفالیه) با نظرف که بخت و
 منازعه سی ساله که در میان دولتهای اسبوح و المان و اوستریا
 و فرانسه امده و یافته بود ختام داده شده و در تاریخ ۱۲۴۸
 میلادی منتهی گردید و حتی از تاریخ بکزار و شصده عیسوی که
 فاروینال (ریشیلی) به (لوی) سیم از پادشاهان
 فرانسه صدارت داشت تا این زمان ممالک اروپا در زیر
 نفوذ و تأثیرات مأمورین پولتیک که با ستم (دبلمومات)
 معروف هستند مانده است .

بدین قرار در میان کافه دول مناسبات خارجیه رفته رفته رقی
 نموده به شکل و احداث یکت اداره مستقله که مخصوص مناجار

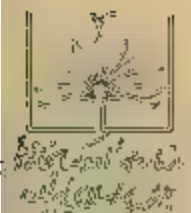


پوستیکه و امور خارجه باشد لزوم دیده شد . باین جهت اجراءات
خارجیه اولاد را و دوپ کاه با هم (مدیر تحریرات امور خارجه)
و کاه به (مذاکرات صدر اعظم یا وزیر اول دولت) معروف
شده پس از آن بعنوان (مناسبات خارجیته) و یا (دایره
وزارت امور خارجه) مستقی و احداث گردید (۲)

فصل دوم

(در بیان صفت و وظایف وزیر امور خارجه است)
چون اجرا و عدم اجرای نیات و تصورات خارجی بر دولت
بسته با صوابت و عدم اصابت مسلك متحد و شخصی است
لذا وزارت امور خارجه بکفایت آن مودوع و مقوض است
و چون مثل اینکه شرف و حیثیت ملت و حقوق و منافع و اساس
آن از مره عقل و کیاست شخص محافظه و وقایه میشود و تصور خطا
بهم که از سرمیزند ملت را و دچار مشکلات عظیمه نماید ناچار

(۲) مخصوصش این است که سابقاً در فرمانستان اسم وزارت
خارجیه مودع به احداث شد



بیان ملاحظه بکنید و از این خصوص است در اینجا مناسب دیده شده
 مثلاً در ملکی که راره امور داخله معمولاً بموجب نظامات موضوعه
 ثابت جریان می یابد اگر حسب اتفاق سهو و خطائی واقع شود چون فقط
 با فراوانی راجع است تعمیر و اصلاح آن با سهل و جوده امکان پذیر است
 و همین قدر کافی تواند شد که بصورت جریان امور و مصالح معنای
 وقت و نظارت کرده شود و در حالات فوق العاده با حزم و
 احتیاط تمام بقوه جبریه مراجعت میشود و احتیاج به ترمیم افکار
 حکومتی خارجی نبوده و ملاحظه حرمت و رعایت از آنها و خوف و
 حذر و این قبیل چیزها باید الزوم نخواهد داشت .

و لکن امور خارجه با امور داخله قیاس کرده نشده طلب و خواست
 نمودن بعض امور و مصالحی را از طرف مقابل که عاید با امور خارجه است
 بطور اصرار موافق حال و مصلحت ندیده بلکه اکثر اوقات مستعد
 و التماس و مکالمه واسطه و وسیله حصول مقصد تواند کرد و در
 امور مسئله است که حکم کلیه به دن نامل و خیال مستلزم تأثیر و انفعالی
 یک ملت بوده و یک مطالعه و تدبیر غیر صایبه حیثیت دولت

و منافع ملت را قریب بخطاط و احتمال تواند کرد
 و چون پولتیک خارجی دولتها متحول و در هم و داعی انواع مواضع
 و مشکلات است معلوم است وظایف شخصی که با اداره این امر
 نامور و عین میشود در چه درجه باید دقیق و مشکل باشد وزیر مشاور
 در صورت ایفا و اجرای وظایف موكوله خود بهیچگونه در تحت
 مسئولیت معینه نبوده و بدیهی است که در تمیز تقسیمات واقع
 بجز محكمه عقیده خود و تصدیق متبوع تفهم خویش و تقویب و قبول
 ارای عمومی ملت بهیچوجه محكم و معیاری نخواهد داشت
 چون هموائ معناد است ختم حرکتی که وزیر امور خارجه در صورت
 اداره و تسلیم مصالح خارجی قبول و اتحاد نماید با فکار مخصوصه
 و تضاد ذاتیه آن مستدلال کرده میشود بناء علیه عزل و نصب
 وزرای امور خارجه دائماً از وقوعات پولتیکه معدوم میگردد
 و اجرای تدابیر لازم و جنبه بسیار مسکلی که مقتضی منافع حقیقیه
 مملکت و احصای نتیجه حسنه ازین مسدک پولتیک است
 داخل در دایره وظایف وزیر امور خارجه میباشد . و وزیر امور



وصول باین مقصود تاریخ قرون حاضره را که اساس موازنه عمومیّه
و علم حقوق ملل است باید تحصیل و مطالعه نماید .

وزیر مزبور باید با مورات آئینه کسب و قوف و اطلاع کند اولاً
با مور تجارت که واسطه حصول تقریب با بین دولتهاست .

ثانیاً بهر قسم اسباب مادیّه ثروت که اساس قوت و کمیت
حکومتهاست ثالثاً بعهود و مفاد لایکه رابطه بین الدول است
رابعاً با فکر و نظریاتیکه محور پولتیک دولت را تدویر مینماید
خامساً بوکلای دولت که این پولتیک را اداره میکنند
و بر غایت دولیه که حکم و جریان پولتیک دولت خود را به
اشکال می اندازد .

وزیر مزبور باید از کافه وقوعاتی که مایه اختلال منافع دولت تواند شد
در اخذ معلومات صحیحه سریعیه اهتمام کرده و تالیلات و افکار دول
خارج را در حق محالک خود بقیص و غوررسی نماید و نظریه بتایج این
تدقیقات محض استحصال اسباب جریان مناسبات خارجیّه که
در حق مملکت خود صورت مفیده داشته باشد باید تالیلات

مذکوره را حساب و تدقیق کند که در چه درجه از قوه تجریر فعل تواند

آورد .

وزیر امور خارجه برای اینکه در اخذ معلومات صحیح و اجرای تصمیمات
خود معاونا و مساعد را داشته باشد باید با امورین حنیفه می را
از ارباب لیاقت و ابلت استخدا م کرده و چون در مناسبات
خارجیه حفظ و وقایه ترف محکمات و منافع عمومیه بخود او مودوع
و توکل گردیده است باید با امورین و ایلمچیانی را که بممالک
خارجیه تعیین و اعزام خواهد نمود بوجه لایق انتخاب کرده و نگارنده
این قسمل و قایع مهمه را با صحاب و قع و درایت و ارباب عقل و
کفایت موقوف دارد و وزیر امور خارجه کسانی را که در خدمات
سفرها مسوق بود و بیچاره بکسبه و ابلت و لیاقت معهود
بنامویرتها بکار بند و چون برای حسن جریان امور و مصالح تنها تعیین
و انتخاب در باب لیاقت حصول غلبه کفایت نخواهد کرد
بلکه باید اینها را در برابر می اراده طریق کرده دستور العملهای کافی
با آنها داده و با آنها بقدر شأن و دولت و کفایت گذران معاش

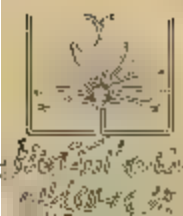
و علاوه بر آنکه باید در مذاکرات و مکالمات با آنها تعلیمات داده
و متعادینا بار سال تحریرات به تشکبات و اجرائات آنها وقت نمایند
نیز لازم است که با آنها در کافه امور که راجع بمنافع مملکت است معلومات
و اطلاعات بدهد و دیگر یک صورت تحریرات مهمه سفرای
خارج را با آنها ارسال نموده و محض اینکه آنها با امور دولت یکپارچه و دولت
مجموعه خودشان واقف بشوند تحریرات عمومیه را که مشعر بحوال
داخلی و خارجی مملکت است با آنها بفرستد سفران نیز این تبلیغات را
اساس سخنان خود کرده و در حق موافقت بحث عمده بلا محدود و شروع میکنند نمود
و در خصوص افکار دول مختلفه بدین واسطه اند معلومات دقیقه کرده
و در بین مکالمات افکار دولت مجموعه خودشان را ترویج میکنند
بدیهی است که ترویج و بیان صورت افکار و مصالحت در حق
احوال و مسائلی که نظر وقت عامه را دعوت و جلب مینماید بواسطه
سفرانی مجموع الکلام در پامی سخنهای زیادت روی پس بجهت درجه موجب
شان بفرست دولت تواند بود الحاصل سفران بر قدر از اداره
وزارت امور خارج اخذ تحریرات و مکاتبات کرده و به پیشینه



که وزارت خارجہ امور امورش نگردہ بشوق و غیرت خود می فرایند
 همچنین اگر احوال عمومیہ پولسیکیہ را مطلع بشوند کیفیت حسن جریان امور
 و اداره آنرا بخوبی تمیز و تفریق تواند کرد .

و از وظایف وزیر امور خارجہ است که با سفرای دول خارجہ سرو
 بہ مکالمات نماید و کلیفات و مستدعیات آنها را استماع و با آنها
 بنام دولت متبوعہ و یا بتوقع محکم خود جواب دادہ و منافع طرفین را
 مباحثہ و تدقیق نماید و الحاصل باید با سفرای دول خارجہ باجرای
 مکالمات مباشرت کردہ و برابطہ خوبی مربوط دارد .

و نیز از وظایف مرجعہ بوزیر امور خارجہ است کہ مصالحہ و عهد
 نامہای اتفاق و تجارت را کہ دائر بہ مصالح عمومیہ بوده و از طرف
 حکمدار صادر و اعلان خواہد شد و مقاولہ نامہایہا کہ دائر بہ
 تحفیظ و تنظیم حدود است و اعلان نامہ ہای جنکت و تحریراتی را
 کہ متضمن سہاب حرب است و تدایر خصومت است امیر حکمدار را کہ
 در حق دولت دیگر حق اشخاص شدہ و جوابہائی را کہ بحریرات رسمیہ
 خارجہ دادہ خواہد شد و تحریرات سائرہ را باید خود بدو رسید و یا



۱۵
تحریر آن نماید و از امور موجوده وزیر خارجه است که اگر اوقات
در بست کام وقوع عقد ازدواج شاه زادگان اجرای مکالمات نمود
و در وقت وقوع تولد است و وفیات در خانه آن حکم داری اگر از
طرف پادشاه نامه مخصوص نوشته شود وزیر خارجه بدو اطلاع
ببیند و اطلاع بدید در اکثر مملکتها می رود با قونسولها در زیر ریاست
وزارت خارجه میباشد و حکم ناموتیت اینها هم از طرف وزارت
منبوره داده میشود اگر چه در بعضی ممالک قونسولها مخصوصاً در زیر
ریاست وزارت بحریه بستند ولیکن تعلیمات و دستور العمل
آنها از طرف وزارت امور خارجه داده میشود.

محرر اوراق و دفاتر دولت بعضاً از وظائف وزیر امور خارجه است
ولیکن علی العموم اوراق و دفاتر در زیر اداره وزارت عدلیه
و داخلیه است اوراق و تحریرات مهمه که دائر بمقاولات
و معاهدات دولتی بوده و کلیه محقرات که مخصوص مکالمات است
و تحریرات مأمورین دیپلماتیکه وزارت امور خارجه که در
ممالک خارجه است و اوراق سوال و جواب سفرا یکدیگر در نزد

دولت قنوعه او هستند باید در پیش وزیر امور خارجه محفوظ و
کنونز باشد.

مرد دولتی با دولت دیگر رسوم و تشریفات مخصوصه دارد مراسم
و اصولیکه در القاب و تغییرات رسمیه و در انشا و تحریر برسم
محتررات خارجه که رعایت نمودن آن واجب است باید
مجموعه ناسدی شده و در خزینه اوراق دولت موجود باشد.
پس از آنکه وزیر خارجه منصوب گردید باید ناموریت خود را
بسفرائیکه در پای تخت دولت قنوعه خود هستند و با لچها و
قونسولهای دولت خود که در نزد دول سائره اقامت دارند
تبلیغ و اشعار کرده و اگر ریاست مجلس انیز حائز باشد درین
اجتماع رؤسای قوانین مجلس با بنائیر باید اطلاع بد و وزیر
مشارالیه پس از آنکه با شخاص لازمه اجرای تبلیغات نمود بلافا
ایچهای دوا خارجه قنضر میاشد و بعد از آن سفرای دوا خارجه
بشخصه بازوید کرده و صحبت گذاران را فقط بر سال کارت ویزیت
بازوید بنماید و سفرای کبار که تائز صفت و تالک هستند

بمان روزیکه باز دید آمده اند و وزیرای مختار و ایلیهای مقتدر را هم
پس از چند روز باز دید میکنند .

وزیر امور خارجه بجهت پذیرائی کسانی که بمذاق است خواهند آمد بجهت
یک یا چند روز مقین میکنند ولیکن در هنگام لزوم و غیر از ایام
و اوقات مقینه تحریر یا شفا باز از ایشان وقت خواسته خواهد
ملاقات میشود .

و برای اینکه وزیر امور خارجه مصالح امور خارجه را بتواند رؤیت
و تسویه نماید استیضاح و قرار اصول مذکوره از لوازم است ولیکن
در وقت خواست ملاقات نمودن بعضی اشخاص که اهمیت دارند
معلوم است که اصول مقین وقت در حق این قبیل اشخاص بزرگ
مرعیی ناچار است و اندک دید وزیر امور خارجه در هنگام وقوع استیضاح
خود با اشخاصی که نصب صورت خود را بملی و اشعار کرده بود
در اراء معدودی که از آنها میشود داشته اظهار تشکر و اطمینان
کرده و استعونی خود را اطلاق میدهد .

(فصل سیم)

(در بیان تشکیلات وزارت امور خارجه است)

مستغنی از بیان است که وزیر امور خارجه شخصه با یفای کلیه وظایف
مشکله جسمیه که موکول بعهده اوست و نقش کافی نموده فقط امور
جاریه را بطور عموم نظارت و وقت تواند کرد و چون وزیر امور
خارجه اکثر اوقات از اعضای هیئت دولت بوده و شخصه تجرید
محتررات و رؤیت مصالح جاریه اختلاس و تحصیل وقت تواند
نمود و اگر کجریات امور و مصالح یومیه نظارت و مسئولان
هیئت عمومیه امور و مصالحی که مانور بمحافظه آن است وقت
و نظارت تواند کرد و لهذا لازم است که تمام امور را اداره نمود
و باجرائی یک نظارت مؤثره انگیزد و اجرائی و امور و تنبیات
خود را بامور تکیه در زیر حمایت خود دارد و محتوای موکول میدهد و
ایم مانورین که در محبت او هستند فشی اقل عمومی و کاتب عمومی
بوده و اگر وزیر امور مانع داشته باشد سفار او پذیرائی کرده
و محتررات را امضا و مصالح جاریه را رؤیت و اوقاتهای تجرید

نظارت و بکارهای تحذیر و وقت کرده و مطابقت نسخ تحریرات
با اصول آنها تصدیق نماید .

و لازم است که منشی اول عمومی در ارتش با اصطلاح دیگر معاون
و یا مستشار امور خارجه احاطه و آشنائی مخصوص بکار بار داشته باشد
و کافه مصالح وزارت امور خارجه را بیکدیگر تطبیق و موافق اصول
پولتیک متخذ و عمومی دولت برآید و بدین طریق تا اموریت
معاون یا مستشار بکافه اقسام وزارت خارجه شامل خواهد گردید
با العکس بدین بابی اطلاعاتی بحریرات تنها بکارهای تجارت و دعوی
نظارت نموده و در معیت اینها نیز رؤسای تحریرات و مأمورین
جزو تشکیلات خواهند گردید .

ترتیب و تنظیم مراتب این سلسله در صورت حسنه و دقت در انتخاب
و تعیین مأمورین بوظایف متنوعه از جمله مواظبت که حسن موافقت
وزارت امور خارجه را داعی دعاوی خواهد گردید و چون غایب احسن برآین
مصالح و امور موافق اقداماتی خواهد شد که از مرکز وزارت امور
خارجه نموده شود و بناء علیه در داخله وجود بعضی از مشاوری که از صاحبان



در اینست و قطعت باشد عدم لغایت سفر را در ممالک خارجه مدار
و کافی تواند گردید و ز بر امور خارجه ملا و در امورین رسمیه محض ^{شستن}
محررات شخصی و تدفین مصالح امور یکاست منتهی اقل که مخصوص بخود
او باشد لازم خواهد داشت .

(باب دوم)

(فصل چهارم)

(در حق عموم سفر است)

مأمورین دیپلوماتیک که از طرف حکمداری بکندار دیگر تعیین شود
و با آنکه بجهت مذاکره مصالح عمومیه بمجلس (کونفرانس) دولیه فرست
نود و حامل اعتماد نامها و خفست نامها بوده و بقاعده حقوق ملل منظم
اعتباراتی باشد که عائد صفت رسمیت است چنانچه بغير اطلاق میشود
معافیات و امتیازات این سفر از مباحث علم حقوق ملل است
اگرچه در این زمان محض اجرای رسم و اصول رسال غیر مأموریت
مخصوصه موقوف است ولیکن از رویکه اصول رسال غیره است
و انهمه آن در نزد دولتها استناد کرده شده است و نظایر و تکلیف



سفر اینکه در نزد حکمدار و یا حکومت معین میشود مخصوصاً وقت به
بقای حسن اتفاق و اتحاد طرفین و حمایت و نصاحب تبعه دولت
قبو عه خود بوده و بیان و اظهار کافه منافع ممتد است که بدولت
خود راجع خواهد گردید ...

(فصل پنجم)

(در بیان ارسال سفیر است)

چون ارسال قبول سفیر بحکم ایران مخصوص است این حقوق را
حکومات مستقله منظر توانند شد و عکس مائیکه نیم مستقل باشند
تا از دول متبوعه خود تحصیل رخصت نمایند بتوانند قبول و یا ارسال
سفیر نمایند اگر چه در ممالک خارجه بعضی کو مپاینها ی حرف و صنایع
مأمور روانه میدارند ولیکن هر قدر درجات و حالات آنها
عالی باشد صفت رسمیه را حائز نگردیده در حق امور و مصالح
خودشان سفیر دولت متبوعه خود که در اینجا است مراجعت نماید
و سفیر فرستادن حکومت متفقه یکدیگر و ممالک خارجه نسبت
بدرجه اتفاق و اتحاد درست که در میان آنها حاصل است

اگرچه دولت و حکومتها بنده در یکت میبست متفق هستند حق و
 صلاحیت آزاد دارند که نزد یکدیگر غیر ارسال نمایند ولیکن بعین و
 اغرام سفر به مالکت خارج عاید بر آن میبست بوده و با اینکه این
 در میان آنها در حکم قاعده عمومیه شده بود از مصالحه (و تفالیه)
 با بنظر چون حکوماتی که بهیت اتفائیة آلمان داخل شده اند
 حائز حقوق سفارت هستند بآید علیه کافه آنها سفیر اغرام و
 ارسال نمایند ..

اگرچه بالفعل میبست متفق آلمان حق و صلاحیت آزاد دارند که
 سفر ارسال و قبول نمایند ولیکن جمعیت عمومیه که (دیت)
 نامیده میشود در مالکت خارج در صورت دائمه سفیر نداشته
 فقط در سال هزار و هشتصد و شصت و چهار از طرف جمعیت
 مذکوره (بیرون دبایست) با موریست فوق العاده مکالمات
 مجلس لندن مأمور و اغرام گردیده است .

در تاریخ هزار و هشتصد و چهل و هشت و یکا میکا پارلمنت آلمان تشکیل و تنظیم میبست
 متفق تثبیت میگرد و شخص اول حکومت امپراطوری حق و فرستادن

سفر از ممالک خارجه غصب و تصرف نمود .

و جمهوریت فلانک قدیم که بنام ایالات مجتمعه مشهور بود حقوق
سفارت مخصوص حکومت مرکزیه بوده فقط ایالات (هولاند)
(سیلاند) بقدیم کردن سفرایه مجلس جمهوریت مظهر اختیار میشدند
او فائیکه جمهوریت اسویچره از اتفاق بعض ایالات مختلفه عبارت
بود بریکت از ایالات به تنهایی حق و صلاحیت فرستادن
سفیر داشت و هیئت متفقہ مذکوره را در ممالک خارجه در صورت
دائمه سفرانه بوده و اگر ارسال سفیری از جانب هیئت مزبوره نبرد
دولتی اقتضا میکرد از طرف ایالات متحده یکت مبعوث یا مبعوثین متعده
تعیین و ارسال میکردید .

حتی در سال یکبار و ششصد میلادی از پادشاهان فرانسه (هنری) چهارم
هیئت سفارتیکه عبارت از سی نفر مرد بود فرستاده شده بود .
مثل این سفرایه دل خارجه که در اسویچره بودند بمجلس عمومی هیئت مذکوره که (دوت)
گفته میشد هم خطاب به بریکت ایالات متحده اعما و نامهای متعدده را
حامل میشد و چون این پنج یکبار و ششصد و پانزده هیئت مذکور صلاح و تنظیم شده و ارسال

بهیئت مرکزیه واکذاشته شد بناء علیه در پاریس و وین با قیامت
واقفین یکتایچی قرار داده شد و با همه اینا ایالات متحده حقوق
عقد و امضای معاهدات را با و دول خارجیه عطف نمود .

موجب اینا مائیکه در تاریخ هزار و هشتصد و چهل و هشت بهیئت
متفقہ را بنامیس و تشکیل نمود کلیتہ ارسال افراد از جانب ایالات
اممو و باطل گردیده و این حق بحکومت مرکزیه واکذاشته
گردید .

بحکم نظامات اساسیہ موضوعه حکومتات مجتمعه جمهوریت
آمریکای بیج یک از حکومتات متفقہ تا از جانب جمهور مشارالیه
موافقت و رعیت نمود می توانند با حکومتات داخله و جمهوریت
و دول خارجه عقد اتقان و معاهدات و معاومات نمایند و چون
عهدنامه حمایت مغایر حقوق استقلالیت نیست حکومتی که
حمایت کرده میشود تا از حقوق ارسال سفیرا انفرادی و اعانت
نمایند حق مذکور را از خود سلب نتواند کرد در باب پنجم و ششم
قسم اول کتابیکه (وائل) نام مؤلف دارد حقوق ملل



نوشته است بوجه آنی مذکور کرده است
 اگر حق و صلاحیت حکومتی در ارسال و قبول سفرا مشکوک شود
 و یا آنکه نظر باحوال پویشیکه در این امر مخدورات و مشکلات
 مشابهه گردد آن حکومت میتواند بعضی مأمورین که صفت رسمیه
 سفارت را حاضر نباشند قبول و ارسال نماید
 (استطرد) و از این قبیل است مصلحتگذار کلیس که در روم
 اقامت دارد با اینکه صفت سفارت را حاضر نیست باز بقضا
 احکام حقوق ملل منظر امتیازات صلیبه خود میگرد
 در محاربه اخیر که در آمریکا در میان جنوبیها و شمالیها واقع گرد
 دولتهای کلیس و فرانسه تبلیغات واقع مأمورینی را که از طرف
 جنوبیها فرستاده شده بودند من غیر رسم قبول نموده . انتی
 ارسال و قبول سفیر فقط مخصوص حکمداران بوده و صورت اجرا
 این وظیفه حکمرانی مربوط با حکام و قوانین و نظامات موضوعه
 اساسیه مملکت است

(استطرد)



حکام و نایب جیمه و سرداران را در دو که در اقطار بعیده واقع
 میشوند حق و صلاحیت آن را دارند که بعضا از طرف دولت
 بتوجه خودشان در ارسال بطی و خاصه در قبول آن و کالت
 نمایند .

مثلا در ایام ماضی ولات مملکت های فلنک و سیلیاتین
 که بدولت اسپانیای تابع بودند و حکام مستمکات دولت بورنکه
 که در آسیا و امریکا اقامت داشتند حقوق قبول ارسال
 سفرا را منظر میشدند قونسول ژنرال های دول معظمه که در ممالک
 و آمریک و مملکتین اقامت دارند با الفعل صفت تأموریت
 پولیسکیه را حاضر هستند . (انتهى)

همچنین از دولتها مجبور نیست که بنزد حکومت و یا دولتی سفیر
 ارسال نمایند مگر اینکه متفاو له نائمه مخصوصی داشته باشد .

چون ارسال قبول سفرا حقوق اصلیه حکومت بوده در حالتیکه
 مسند حکومت از وجود حکمران خالی بماند و یا آنکه شخص حکمدار در حالت
 طفولیت و صباوت باشد و یا در محاربه اسیر شود و یا آنکه مشغول

خارج بستم از پادشاهان انگلیس و در یک چهارم از حکمداران روس
 بقوه عقليه حکمدار ضعیف و خلل ظاهری شده و از اجرای حکومت توقفا
 گفت نفس نماید و این قبیل از قات اجرای حقوق مذکوره بعهده
 مراقبت اهتمام مینماید عاید میشود که زمام اختیار امور را در دست
 داشته باشند جمهوریست قدیم آلمان که مسند حکومت از
 وجه پادشاه خالی بود سفیر ارسال قبول کرده است .
 اگر حکمدار در سن طفولیت بوده و یا آنکه بهیئت و کالت در حالت
 ضعیفیت باشد باز محمود و سندات و اغما و نامها و محکرات
 سازه که عائد به حقوق حکمرانی است بنام حکمدار این امضا و اعلان
 کرده میشود .

حکمدار در مدت نزول و خلع از مسند حکومت و یا سادت در
 اشائی مجاری نمیتواند بغير قبول و ارسال نمای مثل اینکه حکمدار بمشروط
 که از مقام حکومت خود منفک شود قاعده از حقوق ارسال و
 قبول سفیر ساقط نیست حکمداری هم که بالقوه بمسند حکمداری تعود
 نماید این صلاحیت را اجرا تواند نمود و این امر با مثال عده

خود در توارخ از حالات محققه و ثبته است .

بین حته است که قبول کردن دولتی سفیر دولت آخر را بسفارت
ثابت میکند که از طرف دولت که سفیر بجانب او فرستاده شده است

بالحکومت شناخته گردیده است .

آیا نیز حکومتی که در مملکتی بالقوه متشکل میشود سفیر فرستاده شده و

سفرای آنرا قبول کرده و آنچنان حکومت را میتوان شناخت

و با حکمدار سابق آن که مشروع شمرده میشود حکمدار سابق در مناسبات

دولتیه مداومت توان نمود و یا اینکه بحیثیت ازین دوستی را

بهمدگر ترجیح نداده با حکومتی که بالقوه تأسیس یافته و با حکومت

مشروع قطع مناسبات لازم است در حق این خصوصیات

لازم است که بر دولتی قرار مقلنی اتخاذ و قبول نماید و لکن هیچ

دولت سفیر حکمدار مخلوع را با سفیر حکومتی که در اجرای حقوق حکومت

قائم مقام و آن حکمدار است در عنوان و سمت رسمیه برابر یکسان

نمیتواند شناخت حرکتی که عکس این امر باشد باعث حدوث

مشکلات عظیمه و سنگینات محققه میگردد .

(استظراء)

در سال هزار و شصت و شصت و یک که دولت انگلیس دولت ایتالیا
تصدیق کرد (لورد راسل) که الوقت وزیر امور خارجه دولت انگلیس
بود به است که از دولت ناپولی که آنوقت در لندن اقامت داشت
در بیستم شباط بنویسد که بعد از آن موتی لیه اجمعت و کالت یلدر
مستقل نخواهد ساخت (انتهی) شما صحن دولتی صفت و حقوق
ملکت داری دولتی موجب اعتنا مع مناسبات دولتی میگردد.

(استطراو)

مثلاً در سال یک هزار و شصت و شصت و یکت که سفرای دولتها
(باویرا) و (رومنی) و (مکلبورن) که در فرانکفورت اجلاس
داشتند از شناساندن دولت ایتالی آشکار نموده تبلیغات و
(قوت بارال) بفرموده دولت مشا الیه را قبول کردند
(کنست گاور) وزیر امور خارجه دولت ایتالی هم قولنامه
دول مشا الیه را که در ایتالیا بودند شناساند و اسناد
اجرای ناموریت آنها را که حامل بودند از مشا الیه هم صادر نمود

(انتهی)

در حالتی که بقا و محافظت مناسب است دوله لازم کرده شود
بعضی وسایط متنوعه مراجعت میشود .

(استطراذ)

هنگام اجرای رسم تاجگذاری گلیوم پادشاه پروس که دولت
مربوره هنوز دولت ایتالیا را تصدیق نکرده بود جنرال
دلاروقه از جانب دولت ایتالیا به تهنیت تاجگذاری
مانور کرد و بدین ترتیب قرار داده شد که پادشاه پروس او را
مثل سفیر شخص و بکتور امانتل قبول نماید (

(قوت بارال) که از طرف پادشاه ساردین به صفت
سفارت بفرانقفورت فرستاده شد اگر چه دولت ایتالیا
سه حکومت آلمان تصدیق نمود و معاهده امثاریه سال ۱۸۶۵
در فرانقفورت اقامت داشت .

هنگامیکه بیرلین سفیر تعیین میشد چون رئیس (دست) آلمان
اعتماد نامهای سفیر را که از طرف ایتالیا فرستاده میشد

قبول میگرداند و بجای (قوت باران) زبور سفیر دیگر معین نشده
در صورت وقوع صلحت گذاری معین گردیده و معرفت گشت
مشاوره بحکومت تقدیم کرده شد .

فصل ششم

در بیان حقوق و مجبوریت قبول سفر است

چنانکه در فصل پنجم ذکر شد هر یک از دول مستقله حق چیست
قبول سفر از خارج را دارد و اگر آنکه عدم قبول سفیر را به دولت آخر لغو
نماید همین قدر اگر چنانچه دولتی که مندا چیست قبول سفر را دارد تا آنجا
معااهده نامرستند نشود نمی تواند که سفیر قبول نماید و مجبور نیست که
موفقاً اقامت سفری دولت دیگر در مملکت خود حضرت به

(استطراد)

ازین قبیل است با وجود سفیر و بشن دو انهای روس و پروس در
رومانا حال طرف یابی محلی قبول کرده اند .

در سال ۱۸۵۴ میلادی میسو (سور) که از طرف حکومت مجتمعه
آمریکت به (مادرید) بای تخت دولت اسپانیا سفیر معین شده بود



به اقامت چند روزه او در یاری از طرف دولت فرانسه خدمت
داره نشده حتی تا عدم توقف خود را در عرض راه تعهد نکرد و عبور
از فرانسه از آن و خدمت ندادند . (انتهی)

چون تعیین و ارسال المچپهای معین الیوم در یک صورت قویست
کرده است با اینکه حکم داری که او را فرستاده است تصدیق کرده
باز میتوان نشدن غیر از جانب دولتیکه بر نزد او فرستاده شد
منوط به دو بیان بهمانی موجه است

(استطاد)

چون استطاع و بتوان تبلیغات و اقمه سفر از مقتضیات اصول و
دولت است اگر دولتی در بتوان کردن غیر می در داخل مملکت خود
محدورات قوی مشابه نماید در این هنگام برای این قسم سفیر در
محدود محلی تعیین کرده و محض تبلیغات به کلیف است و اقمه آن را نوری
بزرگ و تعیین و اعزام می نمایند

در فصل شصت و پنجم باب چهارم کتاب حقوق ملل و انظار می توان این
قسم نوشته شده است . (انتهی)

اگر دولتی در قبول امورین دیپلماتیک دولتی دیگر موافقت نماید
 میتواند که بعضی شرایط و قیود مشروط دارد همچنین همه دولتی بجهت اصلیه
 خودشان را در نزد حکمدار خودشان بصفت سفارت شناخته
 ولیکن بشرط تبعیت بقوانین و نظامات مملکت قبول آنها را بعنوان
 مصلحت گذاری از اصوائ قواعده متحده معدود داشته اند .

(استطاد)

در شهر (فرانکفورت) که مرکز حکومت متحده آلمان بوده و اکنون
 منفسح است به مجلس کبیر آنجا از ابالی همان شهر سفير تعيين و ايسال گردد
 مجلس مزبور عدم قبول آن سفير را بيان و اعلان نمود .
 ولیکن در حق کسانی که بجا ناکت خارج غریمت نموده و در اینجا بیدیل
 تابعیت کرده و بجزکت ابالی اصلیه آن مملکت در آینه قاعده مزبور
 جاری نخواهد کرد و بدینچنانکه مقبول شدن دو سفير که عن اصل فرانسه بوده
 از دولت فرانسه مشهود گردیده است .

یکی از اینها سفير دولت روس (قونت پوزودی بورغو) و
 دیگری وزیر مختار دولت باویرا (قونت دو بری) نام است



اکثر حکومت صغیره المان در (وین) از اهالی اوستریا ایلمچی دارند
 تا سال هزار و شصت و پنجاه و پنج مستر انگلیس از طرف شهرهای
 (فولفون) و (السه اینق) در لندن مصلحت گذار بود و
 مسلم است که انجمن ایلمچی حکومت دیگر در هر خصوصی که باموریت
 او عاید نیست بقانون مملکت خود تابع خواهد گردید. (انتهی)
 رتبه سفیری که از طرف دولتی ارسال شده است باعث عدم
 قبول آن از طرف دولت مرسول علیه تواند شد چون از
 لوازم است که هر دولت مستقل بعدم مداخله دولت دیگر در
 امور داخلیه آن غمتنا و دقت نماید لهذا هیچ دولت مجبور نیست
 سفرای پاپ را که عاثر امتیازات و حقوق مذموبیه بوده و محل اجرا
 استقلالیت و حامل تعلیماتیکه متضرر نظامات مملکت باشد
 قبول نماید.

(استطراذ)

چون جناب پاپ لفرال دینمارق و حکمدار اینک در مذموب دست
 بودند صفت اولادیت داده و در ادعای نریت روحانیه بجا

سفرای پاپ مشارالیه در نزد حکمدار اینکه در مذہب پرستان بودند
 مقبول نگردید مگر در مقامی که با مقتضای احکام قوانین موضوعه کلیسای
 مناسبات با خباب پاپ ممنوع بود و تازیح یک هزار و هشتصد و چهل و
 میلادی موجب قرار پارلمنت انگلیس این ممنوعیت لغو و ابطال شد
 ولیکن اصول اینکه نباید از مرزهای این اعدی بصفت سفارت مقبول کرد
 ابقا کردید و در فرانسه از سفرای پاپ نامهاییکه بموجب معاهده نامه
 مذموبه رخصت کامله آنها محذوم معین شده است در اول امر مطالبه
 میشود (انتهی)

غیر از این فیود و شروط چون مخصوص لشخص سفیر نیز بعضی فیود و شروط است
 یک دولت سفیر دولت دیگر که از روی حسن مناسبات بوده است
 مقتدر است که با عنذار فقدان آن فیود قبول نمایند چنانکه یک ایلمچی که
 نامور در نزد دولتی است محض برای منظریت او بحکومت دیگری که
 لازم صفت رسمیت است باید از باب حیثیت و اعتبار بشود
 بناء علیه اگر حکمداری در حق سفیری اظهار نفرت نماید اصرار کردن
 در قبول آن خطا و ناپسندیده است و اگر برای بعضی حالات مخصوصه

در قبول انچنان سفیر اجبار کرده شود چون این مرد حق اند دولت اجبار
یکت تصدیق معنوی است معلوم است که انچنان با موری در نزد
دولت منظر حرمت در رعایت نشده و بحسن ایفای امور موکول خود
مقتدر نخواهد گردید .

اگر چه برای بعض حالات ضرورتیه سفیر قبول میشود ولیکن این
موافقت و قبول ضرورتی الوقوع است علاوه بر آنکه بحسن جریان و
تمشیت امور و مصالح جاریه مضر خواهد گردید و بشان حکمداری هم
که از طرف او و کالت دارد میگوید .

حرمت در رعایت دولتی در حق دولت دیگر که مناسبات داده
با او دارد حکم و تأثیر آنرا نخواهد داشت که فرستادن سفیر را
نزد او برائی و انتخاب اند دولت اعمال نماید ولیکن محض برای
آنکه در آتی محذوری واقع نشود سفیر را که معین شده است بدولت
مرسول الیه میتواند ایمان و بیان نماید و این فقره از عادات جاریه
شده است اند دولت نیز تعیین همین سفیر و انتخاب دیگر را میتواند
بیان و آرزو نماید و دولتی بهم که نزد او سفیر فرستاده میشود میتواند

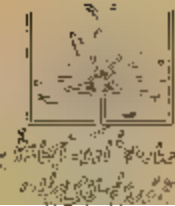
انتخاب دیگر را مرجع داشته و ابتداءً بیان و اظهار دارد و تبلیغ
و بیان تعیین سفیری نیز دولتی که فرستاده میشود بهیچوجه مراسم و اصول
(استعداد)

در ایام ماضی در میان دولتهای اوستریا و اسپانیا و پرتگیز و روم
و خصوص قبول سفرای پاپ رسم مخصوصی بوده مثلاً پاپ هر وقت
که بدول مشارالیهم سفیر فرستاده اسم شخص را در قطعه کاغذی نوشته
و ارسال میکرد حکمدار یک سفیر نیز او فرستاده میشد از این سه شخص
و خواه خود را انتخاب و قبول نمید . (انتهی)

حکمداران در خصوص تعیین سفرا نامدار را مد اخله مینمایند .
بعضی اوقات سفیری که عزل شده و یا صلحت گذار موقتی سفیری را
که تازه معین شده است بدولتی که در نزد او مقیم خواهد بود معرفی
میکند .

و بعضاً هم وزیر امور خارجه سفیر را که فرستاده خواهد شد سفیر یک
نزد اوست اظهار و بیان مینماید .

در حق سفیر یک معین خواهد شد از طرف دولتی که نزد او فرستاده



میشود بیان بعض مطالبات محض برای اینکه بشان دولتی که میفرستند
نقصانی وارد نیاید شفا باند اگره میشود .

(استطراد)

اگرچه کاذب دول سفیر را که میفرستد قبول عدم قبول او را از دولتی که
نزد او میفرستد استخراج نمایند ولیکن درین باب دولت انگلیس
مستثنا بوده در صورت عدم قبول سفیر که میفرستد بیان ایضاح
جبات آن را از دولت مرسول الیه مطالبه نماید و اگر از طرف دولت
مرسول الیه در حق آن سفیر چیزی گفته شود که عدم وثوق و اطمینان
دولت انگلیس قبول کرده اظهار بعض اسباب و دلایل قوی را که مستند
بحرکات سابقه آن سفیر باشد ادعا نموده و سفیر معین نموناید و امور
سفارت را موقتاً بمعرفت سرکاتب اداره میکند .

در تاریخ یکم اردیبهشت صدوسی و دو ابراهیم پسر طور روس سفیر انگلیس
(لورد استرادلورت کانینگ) را قبول کرده در پطر بورغ سفارت
انگلیس خلع نموده در سال ۱۸۳۵ که (لورد پالمستون) از وزارت
خارجه نقضال نموده و بجای آن (دکت ولینگتون) منصوب معین

اربد آنوقت به بطر بورخ سفیر فرستاده شد . (انتهی)
 اگر دولتی که سفیر فرستاده اختلالات واقع در دولت مرسول الیه را
 معذرت نماید آن دولت حق و صلاحیت آن را دارد که عدم قبول آن
 ایچی را به صفت سفارت با تصریح بیان نماید اگر چه رد و عدم
 قبول مبتنی با سبب ممتنع بولتیکت بوده ولیکن بی مآل خواهد
 بود زیرا که اجرای نخستین تدبیر بحث قطع مناسبات دولتی میشود .
 (استطرد)

در سال هزار و هشتصد و پنجاه و هشت میلادی سفیری که از طرف دولت
 انگلیس شهر (استونلوم) پای تحت دولت اسوج فرستاده شد
 مقبول نشده مجبور بمعاودت گردید هم چنین در سال ۱۷۹۲ قرال
 ساردینیا سفیر فرانسه سیور سیمونوئل را قبول نکرد در سال ۱۱۲
 قرال ساردینیا بارون (دونارتنس) سفیر پروسیا را با قهقهه از آنکه
 زوجه آن دختر کلینفرا ل فرانسی است قبول نکرد .

در سال ۱۸۴۷ قرال (پاپوز) (قونت و ستفالین) سفیر
 پروسیا را بعد از بیان اینکه از سبب قاتولیکت است و نموده است

(انتی)

فصل هفتم

در بیان درجات مختلفه مأمورین دیپلماتیکه است (اگرچه اکثر اوقات درجه که سفير بايد حاضر آن شود برآمی و اختیار دولتی که او را میفرستد منوط است ولیکن چون درجات مختلفه سفر بموجب مراسم و تشریفات دیپلماتیکه است که بین الدوله مراعات کرده میشود و این رسوم و تشریفات متفاوت بوده و بحسب اینکه هر دولت در حق بر سفيری که قبول نماید در اجرای مراسم و امتیازات آن مختار است بعضی اوقات رای و اختیار دولتی در تعیین درجه سفيری که ارسال نماید محدود و معین است .

حق فرستادن سفيری که بار علی العموم مخصوص تاجداران و حکمداران است که حقوق و تشریفات پادشاهی را حاضر است و بجا میرکیرد و به پاپ که صفت حکمداری جهانی داشته باشد اختصاص دارد .

(استطاد)

دولتی که مالک تشریفات پادشاهی است بدولتهای دیگر حاضران

تشریفات هستند تقدم بنمایید جمهوریهایی اند یک وجوه سفرای کبار
مستاد فی زمانه بزرگترین جمهوریتها که ممالک متحدہ آمریکا
وزیر مختار با امور نمایند . (انتی)

دولتی که حاضر رسوم و تشریفات پادشاهی باشد از طرف جمابیر
صغیره و حکومتها یکساله ایوم نیم استقلالیت دارند سفرای کبار قبول
نمی نمایند .

(استطاد)

در زمان (لویی فلیپ) قرال فرانسه الحیهای مقیم و مصلحت گذاران
والیهای بزرگ قبول شده و اگر از طرف آنها وزیر مختار فرستاد
میشد مقبول نمی افتاد . (انتی)

در حالتی که یک دولت سفیر کبر دولتی را قبول نکرده و در آن باب اعتراض
نمایند خود آن دولت در فرستادن سفیر کبر نیز آن دولتیکه
سفیر کبر او را قبول ننماید احترام و دوری میکند .

باقضای قاعده مقابلہ بالمثل حکمدار یکدیگر درجه معلومہ سفیر
قبول نمایند نیز آن دولتیکه سفیر منفرستد باز از همان درجه

الملحی باید مأمور کند .

بجمله مذاکره بعض مصالح مخصوصه و برای ایفای یکت مأموریت بزرگ
رتبه سفیر ترفع میشود یعنی یکت مصلحت گذارد یکت الملحی مقیم رتبه
وزیر مختاری اعطا میگردد .

(فصل ششم)

(در بیان مقدار سفرائی است که مقبول خواهند گردید)

خواه هر که امکن مأموریت مخصوصه داشته باشد و خواه همه بجمله
مذاکره یکت مطلب مأمور شوند هر دولت حق و صلاحیت آنرا
دارد که بزر و دولت دیگر سفرای متعدده تعیین و ارسال دارد این
حق و صلاحیت که بقاعده و اصول متمنع الاغراض است و مکالمه
مجلس مصالحه و یا در بعض مکالمات مهمه دولیه و سایر احوال استثنائی
مجرى میشود سفرائی مزبوره کاذبه صاحب یکدرجه و یا مراتب مختلفه
توانند شد .

(استظهار)

سفرای مزبوره در حالتیکه از یکدرجه باشند از ظروف دولتی که مأمور

هستند و رقی آنها اصول شرفیات در یکد رجّه متساویه مجری میشود در
 ایام قدیمه در آلمان محض انتخاب و توج شخص که میخواست بسند
 حکمرانی صعود نماید از طرف تخمین به جمعیت عموم انتحابیه سه
 یا چهار نفر سفیر فرستاده میشد و همه اینها در (وین) منظر حق
 متساویه میشدند در کونکره (وین) دولتهای فرانسه و این
 و دولتهای پرتگیز و روس سه و دولتهای اوستریا و پروسیا و نفر
 سفیر محض داشتند در سال ۱۸۵۶ مجلس مکالمه که در پاریس منعقد
 گردید از طرف هر دولتی دو نفر سفیر محض معین گردیده بود (استی
 بحال مکالمه دول مغظمه اکثر اوقات وزرای امور خارجه را سفیر
 محض اول و سفرائی را که در نزد دولتی که محل اجتماع مجالس مکالمه است
 بصفت سفیر محض دوم تعیین و اغوام مینمایند و چون نظارت
 یکی از مخصین بصورت جریان مذاکرات و مکالمات از لوازم است
 و بایفای تخمین و طیفه مهمه بخبر روز را امور خارجه الیق و سراد
 پیدا نتواند شد بناء علیه قاعده و اصولیکه مذکور گردید الحق موافق
 عقل و حکمت خواهد بود .

(استطرد)

(دکفور) نام میگوید (که بمکالمه مجلس مصالحه که در تاریخ ۱۶۴۸ میلادی در شهر (مونستر) پروسیا منعقد گردید از طرف حکومت جمعه فلنک قدیم هشت ایلی فرستاده شده بود لیکن بنیدغم که اینها مصالح نامور و خود را در حسن صورت ایفانمودند یا خیر چون دو نفر از این ایلیها مقدما چند دفعه مذاکرات و مکالمات نامور شده بودند بخوانستند که بر قعای دیگر خود تقدم و برتری نمایند) و اوایل تحصیلاتی که در مراسم عظیمه ازدواج و توج حکمداران جنو داشته شد سفرای متعدد فرستاده میشد و لیکن این اوقات با سال بک غیر اتفاقا کرده میشود.

مثل اینکه بعضی دولتها از قبول سفرا و متعدده که از درجه اولی هستند امتناع میکردند بعضی دولتها هم بالعکس و بعد سفرای مرسومه اصرار نموده اند.

و چون معلوم است که اگر از جانب دولتی برای اموریت دانه سفرای متعدد فرستاده شود در میان آنها رقابت محاسبت

حاصل شده و بحسن انقیاد امور مانور خودشان مضر خواهد کرد دید
لذا برای تخمین اموریت ارسال سفارای متعدد ذمار الوقوع است

(استطرد)

در زمان ماضی جمهوریت وندیکت برای تبریکت نمود یک
امپراطور ویا یک قراال بسند حکومت دو نفر سفیر ستاده
بجناب پاپ چهارالچی هم فرستاده است حکومت متحد
فلمنک قدیم صعود قراالهای اکلین بسند حکومت بواسطه
سه نفرالچی تبریک و تمینت نموده است در سال ۱۷۴۱ میلادی
دولت فرانسه در رسم توج امپراطور آلمان که (کارلوس هفتم)
بود سفرای متعدده را که از طرف یک حکمدار منتخب فرستاده شده
بود بخواسنه است قبول نماید ولیکن بعد برای اینکه یک دفعه بوده و
کرر نخواهد داشت آنها را پذیرفته است .

در ازمنه سابقه یا بها که بسند حکومت روحانی متکمن میشدند
برای عرض مطاوعت نمودن حکمداران را که در آیین قبولیک
بودند مطالبه ارسال سفیر و در این باب اصرار میکردند .

چنانکه امثال عدیده آن مضبوط در صحایف وزارتخ است برای
 ترخیص نیز سفرهای متعدد فرستاده میشود در سال ۱۸۵۸ میلادی
 از طرف جمهوریت جنوه به (لونی) چهاردهم فرال فرانس
 و در ۱۷۰۹ بجهت تحقیقی که در لندن برای سفیر دولت روس
 واقع شده بملاحظه اعطای ترخیص لازم از طرف دولت انگلیس
 (موسقو) سفر امانور وارسال گردید .

اگرچه حال سفرهای متعدده باموریت دائمه فرستاده نمیشود
 ولیکن دولتهای روس و پروس نیز و همه بکریم سفیر عسکری و هم
 پولیسکی امانور و اعزام مینمایند . (انتهی)

اگر دولتی بخواهد در مملکتی در حق یک ماده مخصوصه حق معلومات
 نماید در معیت سفیری که خواهد فرستاد بکنفرانسه و بایک
 معاون تعیین نماید که اینها مستقیماً با دولت متبوعه خودشان
 مخابره مینمایند .

(استعداد)

مثل اینکه دولتهای اوستریا و فرانسه در برلین که مقر حکومت

پروسیا است از آتشه های عسکری مأمور دارند دولت پروس
 هم در پاریس و وین مأمور های عسکری دارد دولت روس برای
 امور مصالح تجارت در برلین یکت مأمور مخصوص دارد .

(انتی)

چنانکه اکثر اوقات یکت سفیر نیز چند دولت مأمور میشود اکثری
 از حکمداران هم مشترکاً در نزد یکد دولت سفیر دارند .

(استظاد)

در آلمان سفیر بودن یکت شخص بنام یکد دولت در نزد دولتهای
 متعدد کثیر الوقوع است ایچپهای (بلجیک) و (اسوچ)
 و (در متیرغ) و (باد) و حکومت سائره که در برلین اقامت
 دارند در نزد دولت (سافونیای) نیز بصفت سفارت
 مأمور هستند بر حسب قرارى که در هیجدهم آغوست سال ۱۸۵۶
 داده شد بفرای حکومت متحده جمهوریت امریکت علاو
 بران مأموریت هرگاه سفارت یکد دولت دیگر نیز داده شود
 سفر برای آن مأموریت نصف معاش میگیرند .

چون از طرف جمهوری (بونیوس اریس) که در امریکای جنوبی
 واقع است به ولتنامی فرانسه و انگلیس یک سفیر معین شده
 بود بناء علیه دولت انگلیس نخواست چنین سفیر را که بدو دولت
 معین شده است قبول نماید در این باب ارايه مشکلات
 نمود در (اورد) کا بنفع گفت که جدا گانه سفیر خواستن برای
 دولت انگلیس از رسوم تشریفات و فرط مراعات نیست
 و گیر پس زان دولت انگلیس در آن خصوص یقاع مشکلات نکرده
 از طرف حکومت عیدیه آمریکای بلندن و پاریس تنها یک
 سفیر فرستاده شده است مثل اینکه از طرف یک دولت
 بجانب دول چند یک سفیر فرستاده میشود چه حکومت
 هم متحد آبه نزد بعض دولتهای توانمند یک سفیر فرستاد
 مثل آنکه خواه در برلین خواه در وین (برونزویک) (ناسو)
 و (تورنج) و (السهائیک) حکومت صغیره المان یک
 سفیر دارند . (انتهی)
 (فصل پنجم)

(در بیان صورت انتخاب سفراست)

مقدم از هر چه لازم است سفیری که تعیین میشود باید از کسانی
باشد که تواند و خایف سفارت را ایفا نماید و در بهر حاجت
و دیانت و ثروت و سامان و این قبیل احوال مخصوصه و خصوصیه
تعیین بفرمان حکم و تأثیر داشته که چه اینها از قبیل جزئیات است
ولیکن از اسبابی است که مستلزم حصول موفقیت بر و ناکامی
موکوله است .

مثل اینکه پاپ تا حال مجری داشته است بعضی حکمداران را
در آئین قولیک هستند فقط از کسانی سفرا انتخاب تعیین
نمایند که در آئین مزبور باشند بر عکس این جمهوریت قدیم
و نه یک اصلاً مأموریت سفارت بگروه را باین توجیه و تحول
مگروه است (و یکفور) نام مؤلف گفته است کسانی که از
اولاد و احفاد محروم هستند بدان جهت ممکن است که وطن خود را
بالتبع میل و محبت نخواهند داشت و کسانی که ارتباط کلیسا با
دارند از اتباع یک دولت خارجی معدوم میشوند (

بمانا عدم تعیین سفیر به ترتیب قدیم و نزدیک از گروه پادشاه
 یعنی بدین سبب است .

سفارت مأمور شدن بعضی از زنها و توارنج و بدو شده است
 فقط در حال حاضر بدقت و اخلاق کمتر و وقوع این سبیل مآوّه
 استثنایه مشکوک و غیر محتمل الوقوع است .

(استظراء)

جلی از زنها مأموریت سفارت را ایفا نموده اند .
 خانکه والد و انسوای اقل از قرالهای فرانسه و شش بزرگ
 فلنک قدیم بصفت سفیرای مدخض عهدنامه (قامبری)

را که معروف به (مصالحه نسائی) است عقد و امضا نموده است

در عهد حکومت شاه لکن دوم از قرالهای انگلیس و روس

(اورلیان) در میان " لهائی فرانسه و انگلیس عقد و امضا

عهدنامه موفق شده اند که از نتیجه عقد این عهدنامه دولت

فلنک از اتفاق دولت انگلیس مجبور شده است .

حقیقه اینکه سفیر تعیین شده است فقط من و که در شمال زکیران

نام شخص بوده مشارالیهما در سال ۱۲۶۴ از طرف (لوی)
 چهاردهم قرال فرانسه بطرف (ولادسلاو) چهارم پادشاه
 (له) فرستاده شده است .

(فصل دهم)

(در انواع مختلفه سفارت ها است)

سفارتهای عبارت از سه قسم است سفارت عادی و سفارت
 فوق العاده و سفارت خفیه .

اگر چه این سفارتهای فقط بیک و یا بچند شخص موقوف میشود
 ولیکن از روز اتخاذ اصول ارسال تعیین سفیرای مقتیم باین طرف
 تعیین یک سفیر در حکم اصول معناده در آمده است .
 در حالتی که مدت اعتماد نامتناهی نباشد و یا رخصت نامها
 الغا و ابطال و یا سفیر به مجبوریست و یا با اختیار و یا بجهت وقوع
 وفات حکمدار بکه او را فرستاده است انقضای باید
 مأموریههای این سفارت معطل یا منقضی خواهد بود .

(استطراذ)

چون مأموریت یک سفر بوقوع وفات حکمدار یک مأمور بنزد
او است مفسوخ میشود لازم است بحکمدار یک قاعد مسند حکومت
شده است از تازه اعتمادا معا تقدیم نماید .

(فصل یازدهم در بیان سفارت خفیه)

ویده شده است بعضی اشخاص که دارای اقلیت هستند
در حالتی که عاری از صفت رسمیه باشند بخدمت
سفارت خفیه تعیین میگردد و برخی از آنها که بصفت
رسمیه سفارت خفیه مأمور میشوند بکسب کام ارقام برای
تسهیل حصول امور مأموره خودشان بابرار و اظهار صفت
رسمیه خود مآذون میباشد و همچنین بموجب الامثال است اگر
بلاخطه بعضی جهات قبول کردن دولتی سفیر ارشاد و علنا موا
مصلحت نباشد دولتی که سفیر میفرستد عاری از صفت رسمیه
بفرستد و دولت مرسول الیه نیز او را قبول نماید .

(استطراد)

در عهد حکومت (لوی) چهاردهم پانزدهم از خاندانهای فرانس

و در آشنای محاربه امریکت و مخصوصاً در سنوات اولیه جمهوریت
فرانسه امثال عدیده و اصول بار الذکر مشهود و مرئی گردیده است

(انتهی)

سفر اتم از اینکه صفت رسمیه را عارض و یا آنکه از انجمن صفت
عاری باشند و دولتهاییکه نزد آنها مانور هستند بعضی آنیکه از مائیت
حقیقیه آنها کسب اطلاع نموند باید در حق آنها ابراز تأثر و محبت
و حمایت نموده فقط سفرابه بهیچوجه در اقدامی اجرای مراسم
و تشریفات نخواهند گردید.

(باب سیم)

(در بیان مراتب سفر است)

(فصل دوازدهم در بحث صورت ظهور صنوف مختلفه سفر است)
در ازمنه عتیقه و اعصار وسطی مثل آنیکه بر دولت و حکومتی بنام
مصلحت گذار مکتوب ایلچی داشتند و مانیان که در داعیه
جهانگیری بودند و نه امپراطورهای المان لزوم ارسال تعیین
ایلچیان معتمد را درک و تعیین کرده و آنوقت فرقی مابین

کبریا و الی مقیم نمیکند استند لیکن بعد مصالحه (و تنهایی)

دولتها در قبیلین الی پهای مقیم نزد یکدیگر میباشد نمودن از این
هم چنین و اقامه سفیر دائمی و بهم ترتیب عسا کر قسطنطنیه علی العموم ممول بخا

کراید و سایر مصروف عدیده منقسم شده چنانکه سفیرای کبار در نزد

دولتها شکیلا قامت دارند و کیل مطلق متوج مقیم خودشان بوده و

الیحیان مرخص و وزیر مختار با و الیحیان مقیم نیز تنها صفت و کالت حکومتی

که ملنوب با و هستند حاضر کرد و بدینیک بعد از آنکه با مورین دیپلماتیکه

بصرف مخلصه منقسم کرد و بدینیک سمیت اسمیت آنها قدر حشمت

و مناسب آن بعضی مراهم و تشریفات معین شد .

لیکن با اقتضای این ترتیب تقدم سفر انیک از درجه اول مستوفی سفیر

درجه دوم و مسا بقست سفیر کبریا جمهوریت قدیم و ند یک وزیر مختار

دولت آلمان لازم آمده و تقدم و تفوق سفر انیک از یک درجه هستند

همد یکر باید موقوف باختلاف مراتب حکمداران آنها و اسنت

و حال انیکه تعیین مراتب حکمداران از موا و مشکل بوده و قایع نامها

عصر مقدم و بیحد هم اکثر اوقات نتایج و حیمه رانج شده و محلول

منازعات بعضی رسوم و تشریفات است .
 حتی اوقتها مثل اینکه سفرای کبار اسپانیا تقدم سفرای فرانسه بر خود
 بقوان بموارمی نمودند سفرای حکمدار اینکه امپراطورهای قدیم آلمان آنها را
 کرده بودند مدعی آن شدند که سفرای جمعی کبیره و سایر حکومت تقدم
 و برتری جویند بالاخره بموجب نصنامه که در مجلس کلمات وین از طرف
 بهشت دولت که امضاکننده عهدنامه پاریس بودند که در سی ام
 ماه مایس سال ۱۸۱۵ منعقد گردیده بود منازعات مذکوره باخر رسیده
 چنانکه از درجات دولتها اینکه متوع سفر بودند صرف نظر کرده شده
 حال و تنویه مسئله تقدم و تاخر سفر بصورت آخر الزام گردیده اصناف
 سفر معین و بالنسبه بقدمت سفرای بر صنف یعنی نظر بتاریخ اعما و
 نامهای آنها تقدمشان بیکدیگر مقرر شد لکن درین باب بطور مستثنا
 تقدم سفرای پاپ بکافه سفرای دیگر از اصول متخذ است .
 (اطمینان نیست که دائر درجات افراد مجلس مذکور تنظیم شد)
 بجهت رفع و ازاله شکوات و محاذیر یکدیگر برای تقدم سفر یکدیگر که کثیر التوقع
 و تکرار وقوع آن نیز محتمل بود مرخصتهای دولتها بیکدیگر امضاکننده مصالحه

نامه پاریس بودند بخصوصاً تائیه قرار داده و تکلیف قبول اتخاذ
این نظامنامه را بسفرای دول از لوازم شمرده اند .

ماده اول سفر اربعه قسم منقسم شده اولاً سفرای کبار و سفرای پاپ
ثانیاً ایلیچهای مقیم و وزیر مختار بانیکه برزد حکمداران معین میشوند ثالثاً
مصلحتکارانیکه نزد وزیر امور خارجه مأمور میگردند .

ماده دوم تنها وزرای کبار و ایلیچهای پاپ بالذات صفت
و کالت متوجع مفتخسم خودشان را حاضر میگردند

ماده سیم سفرانیکه باموریت فوق العاده ارسال میشوند بسیار سفر که در این
صفت هستند هیچ وجه حق تفوق و مزیت نخواهند داشت .

ماده چهارم هر صنف سفرانست تباریج تبلیغ و بیان موصیلت
بمحل ماموریت خودشان بیکدیگر تقدم خواهند جست این نظامنامه
احد اصول جدیده در حق سفرای پاپ تواند گردید .

ماده پنجم در خصوص قبول هر صنف سفرایر دولت یک اصول
و قاعده علیحدّه اتخاذ خواهد کرد .

ماده ششم فرابت ضرریه که در میان خاندانهای حاکمان

مثل آنکه موجب تقدم سفرای آنها بیکدیگر نتواند شد ماده بای اتحاد و
اتفاق هم که در میان دولتها رابطه پذیراست در این باب ابد تاثیر
نخواهد داشت .

ماده هفتم ترتیب وضع مضامی سفرامعاوله و عهدنامه هاییکه در میان این چند
دولت عقد و تنظیم شده و قاعده مناسوبه را قبول و اتحاد کرده اند بکشیدن
قرعه معین خواهد شد .

این نظامنامه مضبوطه اجتماع مرخصتهای هشت دولت که عهدنامه پاریس را
امضا کرده بودند و آن مضبوطه در تاریخ ۱۹ امارت سال ۱۸۱۵ نوشته شده
بود مندرج گردید بر این نظامنامه یلچیهایی مرخص دولتهای اوستریا و
اسپانیا و انگلیس و پرتگیز و پروسیا و روسیه و اسوج امضا کنند شد
در اجتماع روز بیست و یکم تشرین ثانی سال ۱۸۱۸ در مجلس مکالمه که در فرانسه
در شهر (اگس لا شاپل) از مرخصتهای دول ختمه منعقد شده بود
قرارنامه آتی که در آن مجلس مقرر گردید ضمیمه نظامنامه مزبوره معدود میشود
و مجلسی که برای نظامنامه ترتیب درجات سفرادرون منعقد گردید و در
حق بعضی خصوصیات تصریحی نشده و ممکن بود که در آتی مستلزم بعض

مباحثات و منازعات بشود و محض رفع آن مقرر گردید که در میان المچیا و
 در نزد دول حمیه مشارالیه اقامت دارد و وزیر مختار با و مصلحت گذار
 از حیثیت رتبه و مقام صنف متوسطی تعیین شود این قرار نامه از طرف
 نهضت های ولتهای روس و انگلیس و فرانسه و اوستریای محضی گردید
 اگر این قرار نامه اساس اتخاذ بشود الیوم سفر اربعه صنف منقسم است
 اول سفرای کبیر و سفرای پاپ دوم وزیر مختار با و المچیا می
 مخض سیم سفرای مقیم چهارم مصلحت گذار ها .

چون کاتودول بن حکام انمننا و صراحت قبول کرده اند سفیر که تیز و دولتی میاید
 امنیت ولتهای که متوج آن سفر هستند اعتنا کرده فقط تاریخ مأموریت
 ندارد که درجه قدمت آنها باشد تحقیق نمایند درین صورت سفیر که بعد از همه
 معین شده است پنین را زبده واقع میشود . و چون دولتهای م تاریخ مأموریت
 سفر را که معین کرده اند سند اتخاذ نمایند اگر سفرای دولتهای بی نام ۴

مثلاً دولت یونان بنور دولت روس شناخته و المچی برود و دربار
 و المچی یونان رود و در المچی رهس اعتراف نامه خود را تقدیم وزارت خارجه
 فرانسه کرده است معتمد دولت روس مسامت میکند المچی یونان را المچی و در مقدم با

که رسماً دولت متوجه اورا نمی شناسند و از حیثیت مأموریت
قدیم باشد در مقامات رسمیه مساعدت نمایند که بر سفرای خود
مقدم باشند

علاوه

اگرچه در سال ۱۸۴۶ میلادی (قوت ستر بازی) که از
طرف دولت اوستریا بشهر (لابای) که یابی تحت دولت
فلمنک است سفر ارسال شده بود تقدم ایلمنی حکومت (ناسو)
اور مقامات رسمیه خود که قبل از ارسال قبول شده بود قویاً
ایراد و اعتراض نمود و لیکن قزاق فلمنک سفیر حکومت (ناسو)
بصفت وزیر مختاری قبول کرده و چون حاضر بودن بکافه امتیازات
مخصوصه بصفت مذکوره تصدیق نمود و اعتراض کردن باین
امتیازات هم در حق دولت فلمنک مکیوح عدم مراعات بود
ناچار تعریضات واقعیه موعی الیه قبول پذیرفته نشد پیش
از آنکه جمهوریتها اینکه در امر پکت هستند از طرف دولت اسپانیا
تصدیق کرده بشوند در میان سفرای اینها و سفیر دولت اسپانیا

که در نزد و اساتذّه بودند در مسئله تقدّم سفر انیکه بیکر گفتگو
 شده است در زمانیکه دولتهای اسپانیا و پورتیکه از طرف دول
 شمالیه تصدیق نشده بود در میان المجهیامی مقیم اسپانیا و پورتیکه
 و دول شمالیه که در نزد دول اساتذّه مقیم بودند و الحال در میان
 سفر امی ایتالی و سفر امی دولتی که هنوز دولت مشاریه را
 تصدیق نکرده اند بالذّفات در خصوص تقدّم بیکه بیکر مذکره
 شده .

بناسبت وفات یکت حکمدار و یا بتدانیست حکومت
 سفر انیکه در اموریت بستند مجدداً در تقدیم اعتماد نامه های
 آنها بچه صورت باید این ماده تقدّم جریان نماید یا تبارنج
 تقدیم اعتماد نامه های قدیم و یا تبارنج تقدیم اعتماد نامه های جدید
 باید عهتبار نمود چون این قبیل حالات در نظامنامه سالف
 الذّکر مذکره و تصریح نشده بود این مسئله تقدّم در میان سفر و
 داده گردید .

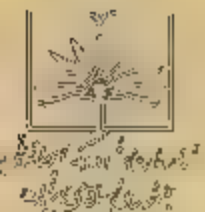
در وفات (فردریق) چهارم از فرمایشی پرس ماده تقدّم

بین سفر اقرار داده شده .

ولیکن در فرانسه بعد از احتلائی که در سال ۱۸۴۸ میلادی ظهور
کرد و بعد از وقوعه سال ۱۸۵۲ سفرائیکه در پاریس بودند نسبت به
تواریخ اعتماد و نامهای خودشان بسلکت مراتب داخل شدند .
باقضای احکام نظامنامه سالف الذکر چون ایلمچیهایی مرخص فوق
العاده با سفرای عادی غیر از اساس ثنورییشان فرقی ندارند
بفرائیکه از درجه اولی باشند حق تقدم نخواهند داشت ببار
این اگر چه در حق ایلمچیهای مرخص فوق العاده احترامات مخصوصه
اجرا کرده میشود و تقدم اینها از طرف سفرای دول سائر هفت
و بهر اهی میسر شود ولیکن قبول تقدم از قبیل یک نوع
رعایت بوده و موجب استحقاق و صلاحیت تقدم آنها
نخواهد گردید بلکه از طرف سائر سفرای مظهر مکنون رعایت
و مساعدت میشوند .

(فضل سیزدهم)

(در بیان سفرای درجه اولی است)



سفرای درجه اول لطیفانی هستند که دارای صفت کالت هستند
 مثل سفرای کبار و سفرای روم . اینها سوای اینکه منظم و مسموم
 و تشریفاتی که در حق حکمداران لازم الاجرای است نباشند در
 مواقع رسمیه هم بعد از وزیر امور خارجه می ایستند معتمدان و
 وکیل حکمداران که متوجع مخم آنهاست محسوب میشوند .
 سببه اینکه فی الاصل سفرای درجه اول بالذات مستقیماً با حکمداران
 مکالمه محسوب و قیاس میشوند اما تیار است آنها منی همین سبب
 میباشد شخصی که دارای این مراتب است بواسطه سبب حقائق و
 درجات و ثون و اعما و بنا بر این شدن با جرائم فائده باید تحصیل
 و مرتبت کند .

فقط امروز سفرای درجه اول علی العموم مانند سفرای درجه دوم
 با وزیر امور خارجه مکالمه میکنند حتی در سلطنت متقله حین
 ملاقات سفرای کبار با حکمدار بحیث حاضر بودن وزیر امور
 خارجه ناموریت سفرای کبار را در مکالمه بلا واسطه با حکمداران صوری
 باید داشت . در توبه امور امتیازاتیکه سفرای کبار حائزان هستند عبارت است از

که در وقت بخوابند نتوانند به حضور حاکم از آن رفت چنانکه این
 سفسطه بگوید و آن اینکه بهیچ طریق اخبار و اشعار نمای حق و صلاحت
 از او دارد که بشخصه عبارت حکمداری رفته و بلا واسطه با او ملاقات
 و مکالمه نماید .

(استطراد)

چون در دوام و دوایر حکومت امور و مصالح بظانست جریان
 بنماید محض تسریع کار بالازم است که سفرای کبار به و آن جهت
 نیز دایم بروند همین قدر که حکومت روم امتداد سفرای کبار
 تحدید کرده فقط از دولتهای دستریافته و اسپانیای
 پرتگیز که در مذنب قولیکت هستند بار سال سفرای کبار مسافرت
 نموده است سفرای فرانسه در روم عبارت از فار دینا لهابو
 از بخره اطا فیکه جمعیت روحانیه در اینجا جمع کرده است مازون
 هستند با کسانی که در داخل مجلس میباشند مکالمه نمایند .

(انتهی)

سفر اینکه در درجه ثابته و ثالته هستند محض دخول حضور حکمداران



باید از وزیر امور خارجه تحریر استیذان نماید .
 سایر امتیازات سفرای درجه اولی عبارت از بعضی مرهم و تشریفات
 بوده در بعضی احوال تشریفات مذکوره بحسب پولتیکت و از
 اهمیتت تواند شد بحکم نظامنامه سالف الذکر چون حق تقدم سفر
 پاپ بفرای سائره اتفاق گردیده است اگر اینها بعد از سایرین
 بهم آمده است باز بکافه سفر اتقدم مینمایند .

(استظرا)

حکومت روم از فوائد حکومت روحانیه و جسمانیه استفاده
 کرده بفرایکه بمالکت خارجه تعیین و ارسال مینماید بم صفت
 روحانیه و بم صفت پولتیکیه داده و بتزئید قدر و اعتبار
 اینها صرف مقدرت کرده و محض وصول بان مقصد این پیش
 سفار اینرود دولتهائی که از این قولیکت هستند ارسال نموده
 و احکامیکه باینها میدهد کلیه منغایر اعماد و اعمالی میباشد
 که سفرای دول سائره حامل آن هستند .

(انتهی)

سفرای درجه اولانی بپای سفرای هستند که (الغالازده) و (نوش)
 و (الغا) گفته میشوند و همچنین (الغا) گفته میشود از قار وینا لها انتجا
 کرده شده فقط بمالکات قولیکت که ریاست روحانیت
 بپای رسیدن کرده اند و فرستاده میشوند و همچنین (نوش)
 گفته میشوند از سفرای کبار معمولی بوده نیز در دولت ناموس کردند
 و همچنین (الغا) گفته میشوند از سفرای فوق العاده بوده و بامو
 مخصوص معین میکردند .

(فصل چهاردهم)

(در بیان سفرای درجه ثانیه است)

بنی بر آنکه در سال ۱۵۰۰ میلادی و علی الخصوص در سال ۱۶۰۰
 دولتهای اروپا و مرتبت سفرای کبار را درجه اولی الصال
 چون شرفیات و مراسم فوق العاده و محال بدیده و احتشام آنها
 باعث مصارف کلّیه میشد بحال مستلزم آن گردید که بعضی المچیان
 که مادیون آنها هستند تعیین و ارسال نمایند چون این المچیان صفت
 و کالت متبوع منقح خود را حاضر نیستند اجرای مراسم و شرفیات

فوق العاده در حق آنها اقتضا کرده فقط باینها صفت ایلمچی
مقیم اعضا گردید .

بعد باد و لتهای اوستریا و فراسنه ایلمچیهای مقیم از ایلمچیهای
مختص فوق العاده تفریق کرده و هر یک از آنها قدر و اعتبار
مخصوص داده شد و دول سارزه هم بجرکات و آثار آنها قضا
و تبعیت نمودند . (مثال) که از مؤلفین علم اداره دولست
میگوید (صفت ایلمچی مقیم شروع بندی نمود و سرائیکه باین صفت
معین میشوند عنوان وزیر مختاری را گرفتند علی التدریج بر
سفرای درجه ثانیة بعض مراسم و تشریفات مخصوصه وضع
و تأسیس گردید این مراسم و تشریفات در اوایل حال معین
نگریده از صد سال باینطرف مقرر شد)

چون معدود شدن ایلمچیهای مقیم و وزیر مختار با که بنزد حکمران
تعیین و از سال میشوند از سفرای درجه ثانیة در نظامنامه سالف
الذکر دین مصرح است همچنین سرائیکه بالذات حائز صفت
وکالت حکمدار متبوع منقح خود بوده و بنزد حکمران نامورستند

کلیه از سفرای درجه ثانیه معدود میشوند .

و چون در سال هزار و هشتصد و بیجده میلادی مخصوصاً نظامنامه
ترقیب و تنظیم و احوال و مواقع ایلمچیهای مقیم تعیین شده است
وزیر مختار با و ایلمچیهای مرتضی و وزیر مختارهای پاپ از درجه
ثانیه معدود میگردند .

تعداد دولت فرانسه وزیر مختار بانی را که مقام آنها غیر معین است
قبول نمایند (استناد)

وزیر مختارهای پاپ از سفرای درجه ثانیه بوده مثل (نونس)
نمیخواهند سفرای دول سائره تقدم نمایند اگر چه در سال ۱۸۴۹
میلادی سفير پاپ که در نزد دولت فلانک بود میخواست که
(سر و نوئل) ایلمچی کلیس که پیش قدم سفرای سائره بود تقدم
نماید ولیکن ایلمچی مومی الیه مقدمت کرد و بجهت اینکه اولاً
قاعده استثنائیه که در نظامنامه (وین) مندرج است
تعداد حق سفرای کبار پاپ جاری شده و ثانیاً چون قاعده استثنائیه
سالف الذکر حقوق تقدم سفرای کبار پاپ را که خاصه قدیم

خائرنه بودند تصدیق و تائیدی نمودند بنا علیه لورد (پالمستون)
این حرکت ایلچی مزبور را تحسین و تصویب نمود .

(فصل پانزدهم)

(در بیان سفرای درجه ثانیه است)

در اوایل عنوان ایلچی مقیم بکافه سفرائیکه از درجه ثانیه بودند شامل
بوده بعد بامنی برائیکه ایلچیهای رفیع مراتب خودشان ابد درجه
مرتفعه طلب استدعا نمودند بنا علیه پاپ و جمهوریت بدیم
و ندیکت و سایر حکومتها استدعای ایلچیان قبول و درجات
وزیر مختار بار ارفع نمودند و علی التدریج عنوان ایلچی کری مقیم از
نظر اعتبار افتاد منی باین سبب است که در نظامنامه (وین)
ایلچیهای مقیم عبارت سفرائیکه نزد حکمداران مأمور میشوند و سائر
بسیک درجه ثانیه سفر او خال گردیده و وقوع مباحثات غیر
مرضیه که در حق ایلچیهای مقیم محتمل بود در نسخام تنظیم نظامنامه
مذکوره بجا طر نیاید و اگر چه در قرارنامه که در سال ۱۸۱۸ مندرج
گردید کربز کاهی شده و گرنه سفرائیکه برای تئیب تنظیم نظامنامه

مذکوره در (دین) مجتمع نموده بودند بنا بر عادت ثنائیه که از صد
سال با این طرف که در حق درجات المجهیه درجه ثانیه و برین
بود واقف بودند در قرار یک در (اکس لا شاپل) داده شد یعنی
در قرار نامه که بنظم نامه (دین) منضم گردید سفرای درجه ثالثه
احداث شد (غارچیا) نام مؤلف گفته است که (برای احداث
سفرای درجه ثالثه الیوم لازم است که المجهیه منضم را به بصف
سفارت بل نظر مصلحت گذاری باید دید)

در واقع اگر چه درجات المجهیه منضم متوسط است ولی تقاضا
نظام نامه که صفت بنا بر تصریح کرده است آنها مصلحت گذار
بنوده بلکه صفت المجهیه را عاظمی باشند قرار نامه که در
سال ۱۸۱۸ نوشته شد اصول و قواعد بر آنکه در نظام نامه سال ۱۸۱۵

میلادی در (دین) تنظیم شده و تصریح با آنها گشته است لغو
و ابطال نموده بل تنظیم و تقسیم نمود

دولتهای فرانسه و انگلیس المجهیه منضم را سال مکرره المجهیه
فوق العاده تعیین نمایند

(فصل شانزدهم)

(در بیان مصلحت گذارهاست)

مصلحت گذار اینکه مخصوصاً به مأموریت دائمی تعیین شوند
از طرف دولت خود بوزیر امور خارجه دولتی که بزرگوار مأمور شود
تقدیم بقطع تحریرات با یقین مأموریت خود مباشرت نمایند و لهذا
انگلیس و فرانسه مصلحت گذار نداشته فقط در جاهایی که مجمع مصالح
پولتیک و تجارت است بکثرت اول دارند در حالی که
سفری از محل مأموریت خود انفصال باید و معین کردن بکثرت
مصلحت گذار اصالتاً یا موقتاً در جای خود اقتضا کند آن مصلحت گذار
باید بوزیر امور خارجه تقدیم نماید

مصلحت گذار اینکه از درجه اول باشند به مصلحت گذاران قوی
تقدیم نمایند

در نظامنامه (دین) مقصود از عبارت (مأمورین دیپلماتیک)
که بزرگوار امور خارجه مأمور میشوند (مصلحت گذاران درجه
اولی است)

مصلحت گذار موقتی هم که بجای سفیر تعیین شود به مصلحت گذاری
که بمقام وزیر مختار تعیین شده است تقدیر نماید .

(فصل هفتم)

(در بیان کومیسر با و مانورین است)

کومیسر بانکه بمالکات خارجه مانور میشوند با صفت کومیسری
به هیچیک از امتیازات مخصوصه سفرا مظهر نشده فقط چنانکه
گاهی در حق کومیسر بانکه برای تحدید حدود و یا تنویر امور
حسابیه تعیین میگردد مجبوری شده باینکه با صفت سفیر توجه
نموانند شد در هر صورت تعیین صفت رسمینه کومیسر بانکه بحکومت
که آنها را میفرستد .

مانورینی که برای تنویر بعضی مصالح مخصوصه تعیین میشوند و مانورینی
از تبعه خارجه بود . و بعضا صفت و کالت و استشاری سفارت
و یا عنوان اثرانی را نیز میشوند از اعضای هیئت سفرا معدوم
نشده و نمیتوانند مدعی نایبیت هیچگونه رسوم و تشریفات اعتبار
و معافیات دیپلماتیک شوند و اگر از تبعه صلیه دولتی که بنزد



او فرستاده شده است بشود باز بخواهد دولت معدود و در حق
 آنها بهمان قرار معمول قرار می‌شود و بهین امانت در دست ایشان
 مأمورین اعتماد نامه نشده فقط توصیه نامه داده میشود .

(باب رابع)

در بیان بعضی صفت رتبه و صورت ارسال مأمورین دیپلماتیک است

(فصل بیستم)

(در حق اعتماد نامه است)

سفرای کبار صفت و کالت خود را که از طرف متوج مخم خودشان
 دارند مثل سفرای سائره بقدیم اعتماد نامه های خودشان بدوئی
 مأمور با و بسته اثبات نمایند بهین لحاظ نامه را که از طرف
 دولت متوجه سفر می‌خطاب بکند آن دیگر که سفر مأمور بنزد او است
 نوشته شده است اعتماد نامه اطلاق میشود و اگر چه این اعتماد نامه با
 نوعا مشابهت خاصیت نامه است چون تنها حاوی صفت مأموریت
 سفر است مأموریت او در اجرای مکالمه مآوده جداگانه بهیچ وجه
 حاوی خصیت و مآودیت نخواهد گردید .

و صورت تحریر اعتمادنامهها نسبت بدرجات حکمران مرسل
و مرسل الیه است .

(استطراد)

سفرای بزرگ و کوچکت پاپ در مقام اعتمادنامه و رخصت
نامه نامهائی را که (رین) گفته میشود حایل میباشد مصلحت گذار با
هم فقط خطاب بوزیر امور خارجه دولتی که مأمور باقامت در
رژا و هستند اعتمادنامهها خواهند داشت .

مقدّمات و فرانسۀ اعتمادنامهها بسفرائیکه نیز در دول خارجه متعین میگردد
داده میشود از طرف حکمداری و یا هیئت و کلا و یا وکیل اقل
نوشته میشود . (انہی)

بک سفر که نیز دولتی مأمور میشود در اقل امر بقطعه صورت
صحیحۀ اعتمادنامه را که حامل آنست بوزیر امور خارجه آن دولت
ارسال کرده و اگر موافق اصول مملکت باشد نسخۀ اصلیه
آن را علناً یا خفیانہ در مہکام غزبت حضور حکمداری بحکمدار
تقدیم نماید مذاکرہ این مسئلہ کہ آیا سفیری نیز در حکمدار



صغیر نامور بشود و کیل سلطنت حکمدار مزبور صلاحیت قبول
 اعتماد نامهای و را دارد بانه در سال ۱۸۴۱ میلادی از طرف دولت
 اسپانیایان آمد در همان اوقات ایزابل ملکه اسپانیا
 در حالت عبادت بود و کیل سلطنت او (دوقه دلا ویکتوار)
 در این اوقات بود که (ماری کریستین) والدۀ ملکه صغیر یعنی
 وکیل سلطنت سابق صغیر را نیز خود قبول کرده منجم باید بکنم و
 حال آنکه ماری کریستین با عازم بودن بعنوان قرالچه در آشنای
 و کالتش حق و صلاحیت خود را به پذیرای سفر استوارست و بفرمود
 در عهد عبادت لوی نهم از سلاطین فرانسه (دک وادلیان)
 وکیل او اعتماد نامهارا در خارج اخضر با پادشاه صغیر قبول کرده منجم
 صورت تبعیت وکیل مشارالیه را با اصول و عادات قدیم بدو
 اسپانیایان و اخطار کرده بود .
 از آنجا که سفر او کلامی دول متوجه خودشان هستند در حالتی که
 بعیت اداره دولت اساساً قیدل شود و یا موکلین آنها
 که حکمداران هستند وفات یابند و یا ترک سبب حکومت نمایند

و یا حکمدار اینکه مأمور نباشد او هستند رکن حیات نمایند حکم اعتماد
نامه و رخصت نامه های که عامل آن هستند منقذ خواهد گردید فقط
در اکر اوقات انقطاع سفیر از مأموریت خود که نتیجه حالات مذکوره
است امتداد نیافته اگر تجدید صفت مأموریت آن مأمول باشد در حق
او کما فی السابق رفتار یک با او میگردند مجری باقی خواهد بود .

(استطراد)

پای در صورت و صفت حکمران جسمانی با بیچاپک از رؤسا
جما هیر فرقی نداشته در حال تبدل و مثل آنکه رخصت نامه های
سفرای پای تجدید نمیشود و در وفات او نیز سند پای خالی نمیداند
و در حین وفات پای از طرف حکمداران سائره اجرای مراسم
نم و سوگواری نمی شود (انتهی)

در حالتی که رتبه سفیری تبدیل شود اعتماد نامه های را که عامل آن
بود حکم و اعتباری نمیداند و تجدید آنها لازم میباشد .
سفیر همچنین که در تجدید صفت رسمیه خود اعتماد نامه که متقاضی آن
تبدل صفت است گرفت بجهت اری که در نزد او اقامت دارد

تقدیم کرده و در حضور حکمدار بر وجه معنادار و لفظی نمایند و غیر از این هیچ
 رسم و تشریفات مجری نمیشود اگر از طرف دولتی یک یا چند
 سفیر متحد الماتب فرستاده شود یک اعتمادنامه کافی تواند
 بود ولیکن سفیر که نیز چند دولت مأمور است چند قطعه اعتماد
 نامه داده میشود .

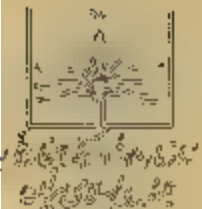
جواب نوشتن با اعتمادنامه مآدر الوقوع است همین قدر که حکمدار
 از سفیر که نیز او فرستاده شده است خوشدوست و محض ابرار
 حرمت و رعایت در حق اعتمادنامه را جواب نوشته و مخطوطت
 خود را از آن سفیر باین و اظهار میدارد چون معصود از اعتمادنامه بیا
 مأموریت سفیر است بناء علیه قبول آن اعتمادنامه در مقام جواب
 آن قائم است بعضا سفر غیر از اعتمادنامه از جانب حکمدار
 متوجع خود و یا از طرف وکیل آن بعضی اعضای خاندان حکمدار
 که مأمور نیز دوست و یا مأمورینی که از اصحاب نفوذ آن
 دولتست و حتی با مأمورین محلیه نیز بعضی توصیه ها را حاصل میشود
 (فصل نوزدهم)

(در بیان خصت نامها است)

اگر سفیری در نزد یک دولت دیگر یا مورقوئی یک ماده مخصوصه
مثل عقد مصالحه نامه و اتفاق و سائره بشود موافق اصول عامل
یک خصت نامه و بقطعه تعلیمات میشود .

(استطراد)

این خصت نامها اگر در اثر یک ماده معلوم باشد خصت نامه
مخصوص و اگر شامل هر نوع امور و خصوصیات و حوادثی امر باشد شری سفیر
به کلمات بشود و خصت نامه عمومی گفته میشود اگر خصت نامه مذکور
خصوصی بشود خصتی که داده شده است محدود بوده و اگر خصت
نامه عمومی باشد خصت غیر محدود گفته میشود اگر یک
سفیر به مکالمه چند دولت یا مور شود باید اسامی آن دولتها در خصت
نامهای که عامل آنهاست تصریح و بیان کرده شود (انتهى)
اگر چه اعما و نامهای سفرائیکه به اموریت دائم تعیین میشوند
در مقام خصت نامه است ولیکن اگر یک ماده جداگانه و مکالمه
مخصوصه یا مور شوند غیر از اعما و نامها بدست آنها خصت نامه



داده میشود

سفرائیکه بمجلس مکالمات دولتی و یا بیک جمعیت عمومی
فرستاده میشوند اعتماد نامها لازم نداشته فقط محض اثبات ناموت
از طرف دولت منوع خودشان بیک رخصت نامه مخصوص داده
میشود سفر اہم صورت صحیحہ این رخصت نامہا را یا در بین خودشان مبادله
و یا آنکہ بر حسب اجاب رئیس مجلس اعطا نمایند .

(استناد)

در این باب مستثنای بوده سفرای دول خارجی کہ در (فرانقفورت)
نیز و بیست متفقہ المان فرستاده میشود بجهة تقدیم جمعیت عمومی
بیست مشارالہا ہر کہ ام بقطعه اعتماد نامہ را حاصل میشود چنانکہ
قدیمادر شہر (راسیون) در حق جمعیت عمومی حکومت
امپراطوری المان کہ (ریت) بعبیر میشود بحری میگردید .
رخصت نامہائیکہ در بین سفرای رخصت مبادله میشود ہم در ضبط
مجلس کہ دفعہ اول منعقد میشود و ہم در عند نامہائیکہ امضا
خواہند کرد مذکور میگردد .

در ازمنه ماضیه بیکت سفیر برای مکالمه با کافه دول بیکت
 نامه عمومی داده میشد اکنون این اصول لغو و از میان برداشته
 شده است اعلیحضرت پادشاه انگلیس در مکالمات مصالحه
 (او ترخت) برای گفتگو کردن با سفیرای کافه دول که در آن
 مجلس حاضر بودند بیکت سفارت خود که در شهر لاهای پای
 تخت دولت فلانک اقامت داشت بیکت بیکت خست نامه
 عمومی از سال کرده است . (انتهی)

(فضل بیستم)

(در بیان تعلیماتی است که بسفر داده میشود)
 چنانکه مذکور شد تعلیماتی که بسفر داده میشود حدود و خست
 ما عمارا معین بنمایند همیشه خست ما عمارا بدولتها نیکه با او
 مکالمه خواهد شد تقدیم میشود و تعلیمات محض انیکه دستور العمل
 باشد در نزد سفیر محفوظ بماند .

استعداد

چون این تعلیمات در صور مختلفه است تعیین و تحدید مال آنها

در این محل غیر ممکن است و لیکن همین قدر میتوانیم تصریح و بیان
کنیم که در تعلیمات بهر مسلكی که سفیر در هر نوع مکالمات استخاذ باید
تشریح کرده میشود و در ایشان و حیثیت مأمورین دولتی که نزد
آن مأمور میشود و سفرهای خارجه که در اینجا اقامت دارند اطلاعات
داده میشود و در خصوص مسلك پوليטיك متحد و درجه مناسب
و ستانه و کارهایی که در حالت عطلالت مانده و مؤخر استوی

شده است خلاصه در حق ایفای همه وظایف مأموره سفیر
محض این که راههای حرکات او بشود بطور مختصار تعلیمات
داده میشود . (انتهی)

مجبور کردن یک سفیر بآراء تعلیماتی که از جانب دولت خود
گرفته است مغایر احکام حقوق ملل است یک سفیر محض این که
اطلاعات واقعه او در نزد دولتی که بطرف آن مأمور است
مقبول و معتبر شود نشان دادن اعتمادها و خصایصهایی که
صفت مأموریت او را اشعار میکند کافی بوده هیچ وجه محتاج بآراء
و آراء تعلیمات نیست .

(استظهار)

در اینجا شرح و بیان بعضی ملاحظات مناسب دیده شد
چنانکه اگر سینه‌ی از جانب دولت متوجه خود در حق یک مسئله تعلیمات
قطعی بکشد و بگویند در آن مسئله بدولتی که بزرگوار امور است بنویسد
تکلیف اخلاقی میشود (البته تمام) در این چنین مکتوب مسئله
که مطلوب قطعی است آشکارا بیان گردیده و جواب دادن بآن سرعاً
قطعیاً مطالبه میشود اگر بفرمی تکلیفی کرده شود که اساساً باین کار
دولت متوجه خود باشد محض اینکه برای سببزدان از دولت
خنداس وقت نماید بشرط مراجعت آن تکلیف را قبول نمکینه
اگر تکلیفی واقعتاً شود که با نفعی بعضی حالات ضروری و بعد مسأله
حاکم باید از فوراً رد یا قبول نماید باین شرط متقبل میشود
که اگر در ثانی از جانب دولت خود تصدیق کرده شود رد
و یا قبول آن حکم و تأثیر داشته باشد (انتهی)

تعلیماتیکه بفرزاده میشود یا عمومی است و یا خصوصی و یا
خاص و یا علمی است یا تحریریه است و یا شفاهی در آثای جریان

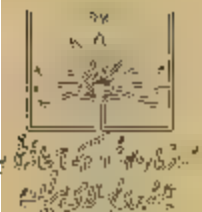
یک مکالمه دائره احکام آن یا توسیع و یا حصر بجهت بد میشود .
سفیر که از طرف دولت متوجه خود حامل تعلیمات خفته باشد تا از
دولت خود امر صریح نگیرد نمیتواند تعلیمات خود را نشان دهد
و اگر تعلیمات علنی داشته باشد محض حسن تمشیت و جریان
امور مأموره او بر حسب اقتضای آراءه کردن تعلیمات بر آئی
خود سفیر محمول و منوط است .

(فصل بیست و یکم)

{ در بیان جریان مخابرات است بواسطه شفره }
{ یعنی رمز که عبارت از رقم و حروف است }
اما چون قطع نبودن به یکس به مخا برای یک دولتها با مأمورین خود
در ممالک خارجه دارند با اقتضای منافع مخصوصه آنهاست
لهذا خواه او امر و تعلیمات که از طرف وزارت امور خارجه
بسفرا فرستاده میشود و خواه تخریفات و لواجیح که از طرف
وزارت خارجه مرسول میگردد بواسطه رقم و با حروف بطور
رمز نوشته میشود بجهت آن در نزد وزیر امور خارجه و سفیری که

که در خارج است یکی برای تحریر محتررات بواسطه رقم و حروف
و یکی هم برای حل آن تسبیل محتررات و جدول که مفتاح گفته
میشود موجود است اکثر مؤلفین که از علم دیپلوماسی بحث
نمایند در خصوص تحریر محتررات با رقم و حروف در مؤلفات
خوشان یک فصل و یا چند باب منحصر داشته اند نظریه بترغیب
آنها که در این باب کرده اند انچنان که آن برده میشود که از افشای
سرمی خوف و حذر نموده اند و چون اصول و قاعده که دولتها در
خصوص سفیره اتخاذ کرده اند مختلف است اگر در اینجا از کتابها
و اوراق این خصوص است نمونه درج و بیان بشود بحقایق این فن
بطور سزاوار کسب استحضار خواهد کرد و بدینا علیه از تفصیلات
بی لزوم و از بیان نمونه باینکه بعبایه است صرف نظر نموده
فقط به بیان بعضی اصول و قواعدیکه در محتررات سفرا و وزرا می
خارج استعمال میشود مبادرت میگرد.

به بیان حروف بجاتیه یعنی بذکر اشکال مستعمله در غیر معانی صلیه
آنها گاهی با اشارات مخصوصه و علاوّه ارقام عادی و گاهی هم



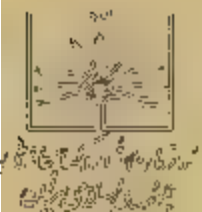
باجرای اصولیکه (قفس) گفته شده و گاهی هم تحریر را تمام خالی
اکتفا کرده میشود

(استطراد)

اگر تحریر اینک موافق اصول شمره که (قفس) گفته میشود نگاه کرده
شود انچه ان استنباط میشود که عبارات مندرجه عبارت از
بعض کلمات در هم و بمعنی است ولیکن بطوری ترتیب شده است
که کسیکه با و فرستاده شده است بهتاجی که در دست دارد
از کلمات مزبوره معنای صحیح و نام استخراج نماید .

این (قفس) در شکل یک قفس معنای لوح البیت که از
مقوا ساخته شده است موافق علامات مخصوصه آن تحریر است
بر روی او گذاشته شود عبارتیکه شامل معانی صحیح است از میان آن
قفس دیده و خوانده شده و عبارتیکه زاید و اقلیل حیوایات است
در زیر آن قفس مانده و دیده نمیشود ولیکن کسیکه مفتاح در دست
ندارد و قیتیکه این تحریرات را به بند عبارات صحیح را از غیر صحیح
فرق و تمیز نمیتواند بدو بحال مقصود آن مطلع نمیتواند بشود

و کسیکه تحریرات را میفرستند قفس را روی کاغذ گذاشته میان
آن قفس مقصود خود را مینویسد و بعد از آن قفس را برداشته میان
عبارات منقطع بعضی عبارات بمعنی مینویسد بآل این قسم تحریرات
احدی مطلع نمیشود اصول شفره که بحروف و اشارات مخصوصه
ترتیب کرده میشود علاوه بر اینکه موجب اضاعه وقت است
کسانی که در کار بدخلیت دارند آن قسم تحریرات را با اینکه در
دست مفتاحی نه داشته باشند بتوانند حل نموده بآل آن
آگاه شوند خیلی دیده شده است که بعضی از مدققین وقت نموده
و بسایق و سباق کلام کاغذ کرده کیفیت مندرجات آنرا نظر بقرین
حال خیال کرده و تحریرات شفره را حل نموده است اگر چه اجرا
اصول قفس هم موجب اضاعه وقت بوده و نهاده در تحریرات
مختصره استعمال میشود در هر حال این اصول قفس بقاعده که بواسطه
حروف و اشارات نوشته میشود ترجیح تمام دارد ولیکن
نوشته شدن محررات بواسطه ارقام بهر یک از این دو
اصول مذکوره مرجح بوده و سبب رجحانیت آن این است که



اقلال بواسطه ارفام هر قدر عبارات که خواسته شود ترکیب
میشود و ثانیاً خواه در ترتیب و ترکیب آن و خواه در حل آن
سرعت و سهولت تامه دیده شده است .

برای حفظ مکتومیت خفایای دیپلماتیکه طریق اسلم و ادنی
اخراج و راه انداختن پوسته مخصوصه است با اینکه اجرای
آن محتاج بمصارف کلیه است باز هر یک از کافه دول معظنه
برای ارسال تحریرات پوسته های مخصوص دارند و دولتهای دیگر
نخواهند محل مصارف کلیه ارسال پوسته بشوند تحریرات
خود را بقوطیه های که از چلی کلفت ساخته شده و روی آن مشتمع
گرفته شده است میگذارند و بتوسط پوسته های معنادار ارسال
میدارند قوطیه های مذکور را دو مفتاح میباشد یکی در نزد وزیر
امور خارجه و دیگری در نزد ایچی محفوظ است .

(فصل بیست و دوم)

(در بیان بسا پورته ها و تذکره های امنیت است)

ماترین و غابراین که بسا پورت آنها از جنب حکومت

داده شده است در زیر حمایت مانورین ملکه و عسکری بوده
 از محلی بمحل آخر میروانند بازادی آمد و شد نمایند قضااتی قاعده
 متحده عمومیّه حاکمه است که در یکم صلح کسانیکه بسیار است
 داشته و منظمه بدو در حق آنها میرود موافق نظام هر دولت بر
 از ممالک خود بدون مانع مساعده نمایند و واضح است در حق
 سفر اینکه بنا موریت سیاحت میکنند بوجه مزبور رفت
 خواهند کردید .

(استطراد)

در کتاب دعاوی مشهوره حقوق ملل نام که میوه مارتنس تألیف
 کرده بنویسد که در اثنای معلومه که مدتی برای وراثت اسپانیا
 امتداد یافت (بل ایل) از راه شلمی فرانسه با صولیکه
 در این باب مجری بود یعنی بقاعده دشمن تذکره مرور رعایت
 کرده از شهر (فرانقفورت) که در اینجا سفارت فوق العاده
 مقیم بود بصفت سفر فرانسه بدولت پروس تعیین کردید هنگام
 بطرف (برلین) غریمت میمود وقت مرور از شهر البیرو

که از ممالک با نوره بود و الی آن شر که از طرف قرال کلیس
 در اینجا گذاشته شده بود و مشارالیه را توقیف و از ممالک کلیس
 بشهر (و نیز در) فرستاد و از طرف دولت فرانسه محل
 بودن این امر با حکام حقوق ملل ادعا کرده نشد (انتهی)
 در اشای محاربه برای اینکه سفر اجمال امنیت بمحل مأموریت خودشان
 غرمت نمایند عماده بر اینکه از دولت متبوعه خودشان سپا پوت
 خواهند گرفت از دول محارب که از ممالک آنها مرور خواهند
 کرد باید یک تذکره امنیت تحصیل نمایند .

در هر کس هم محارب به سردارهای اردو و در حین حمله حمله
 بزرگ می توانند تذکره امنیت اعطا نمایند .

سردارهای اردو و ضابطان عسکریه محض ملاحظه و خامست
 احوال و لزوم مخبرات و کالاته از طرف حکومت متبوعه
 خودشان می توانند بوجه مسطور تذکره امنیت بدهند و الا
 اصلاً درین خصوص به هیچگونه حق و عملاحتت ندارند .

(باب پنجم)

(در بیان مأمورین سفارت است)

مأمورین سفارت نسبت بدرجه سفیر زیاد و خواه کم باشد بدو
صنف منقسم هستند مأمورین درجه اولی سفشار سفارت و سرکاتب
و انشه ها و مأمورین شانس لریه یعنی قریه خانه و مأمور روحانی است
سفر و اینها از طرف حکمدار متبوع خودشان معین میشوند برای
اینکه از مأمورین رسمیه هستند با امتیازات و پلویانیکه نایل
میشوند مأمورین صنف دوم که مخصوص شخص سفیر هستند
سرکاتب و خدایم سفارت و صیقل هستند که اینها از مأمورین
رسمیه سفارت شمرده میشوند بطور مذکور مأمورین رسمیه سفارت
فقط عبارت از صنف اولی است و چون این اوقات در
کافه ممالک مستعمره وقت و اعتنا نمایند که مأمورین سفارت
از اصحاب لیانت و استعداد بشوند باین پیشل مأموریتها
چون اینکه از ارباب معلومات هستند انتخاب و معین میشوند
بعضی دولتها به ممالک خارجه سفارت های خودشان بدون
امتحان انشه با معین کرده و معاش میدهند انشه ها و سرکاتب



که موظف هستند در هر جا نسبت بدرجات خودشان متجان
 کرده شده و معین میگردند مثل اینکه آتشه باید حقوق
 مل و تاریخ اعصار اخیر و علمهای ثروت ملل را تحصیل کرده
 و از السنه خارج لا اقل یکی را کلم کنند سرکاتبان نیز باید بالطبع
 زیاده بر این از اصحاب معلومات وسیعه باشند غیر از این متجان
 باید آتشه ها و سرکاتبان را قول امر در یکی از اطاقتهای تحریر و آرا
 خارج به سمت تحریری استخدام شوند .

نظاماتی که در این خصوص است بالطبع مثل القابیکه مخصوص
 براتب و درجات است اختلاف دارد تا حال سفارتهای
 انگلیس فقط سرکاتبان داشته و اکنون باشد باینکه دارای
 معاش هستند عنوان و لقب سرکاتبی داده میشود .
 مثل اینکه سفارتهای فرانسه سه صنف سرکاتب دارند بمن
 دولتها نیز نسبت باهمیت معاملات پولتیکیه سه صنف
 سرکاتب دارند بعضی دولتها سرکاتب اولی سفارت خود را
 عنوان مستشار بزرگ و یا مستشار کوچک سفارت را میدهند

طی مراتب کردن مأمورین سفارت موافق قاعده تسلسل میشود چنانکه
 آتشه بای موقوف از آتشه بای غیر موقوف و سرکاتبها از آتشه
 موقوف و ایچیهایی کوچک از سرکاتبهای اول انتخاب میشوند
 و گاهی از وزرای قدیمه و امرای عسکریه و از اعضای پارلمنت
 که از صاحبان اہلیت و لیاقت باشند بصفت سفیر
 نصب و معین میشوند .

اگر سفیری را واقعه رود و از جانب دولت متوجه خود سفر
 علیحدہ معین نشود سرکاتب خود را میتواند بصفت مصلحت
 گذاری بوزیر امور خارجه آن دولت که در نزد او اقامت
 دارد تقدیم نماید .

در ایام ماضی اگر یکی از سفرای دولت تخلص میخواست محل مأموریت
 خود را موقتاً ترک نماید بمرکاتب اول سفارت صفت و
 مأموریت وزیر مختاری مرخص را میداد اکنون چند سال
 که آن عادت را ترک کرده است سرکاتبهای بزرگ و
 کوچک سفارتها در مقام عینیت سفیری که

در معیت اوست داخل مجالس مکالمات شده و صلاحیت
 اوزاد دارند که تحریرات و مکتوبات امضا شده را ارسال نمایند
 همین قدر و لوا اینکه گاهی توقفاً مصلحت گذار هم معین شوند
 نمیتوانند بحقوق قائم مقام بودن سفیر داخل گردند .

(استطراد)

مسفرای حکومت‌های مختلفه آلمان از شهر فرانکفورت در نزد
 عمومیته که (دیت) نامیده میشد در وقت غیبت
 خود و یا در خصوصات دیگر سرکاتب سفارت را قائم مقام
 خود کرده و ظالیف سفیر را اوجرا میگردانی که بر کزد داخل مجلس جمعیته
 (دیت) میشد و سفیر غایب بجهت رأی دادن در
 مجلس (دیت) یکی از مسفرای دیگر را وکیل میکرد .

(انتی)

سرکاتب و آتشه بای بزرگ و کوچک سفارت را میورستند
 که تبلیغات سفیر را که در معیت اوست بوزیر امور خارجه

دولتی که مأمور بنزد او هستند و سفرهای سائر برسانند و اوراق
سفارت و دفاتر آنرا محافظه و تحریراتی را که از روی ضرب باید
نوشته شود بنویسند و حل نمایند و مسوده نوشته‌های را که بکومت
محلّه و سفرهای سائر نوشته خواهد شد بنویسند و نوشتن صورت
مجلس و تصدیق کردن سند است و تحریر تذکرها و متولّدین
و عموم تبعه و تصدیق اوراق مذکوره و پسا پورتهای نیز داخل در
وظایف و مأموریت آنهاست .

اگر در معیت سفارت مأمورهای شانسلیه باشد خصوصاً
آخره که داخل در وظایف سرکاتب نوشته‌های مأمور
شانسلیه بوده و این مأمورین درجه ثانیه که حاضر صفت رسمیّه
هستند از هر کدام درجه باشند مجبورند که عموماً سفیر را که در
معیت او هستند معاونت نمایند .

(فصل سبت و چهارم)

(در بیان عیال و متعلّقین سفیر است)

ایها و عیال سفیر از امتیازاتی که خود او حاضر است حصّه مندند

ولیکن چون اینها رسماً بصفات منسوب نمیشوند منظر اختیار بود
 آنها از حقوق شخصیت آنها نشده محض روابط قوتیه قرابت سفیر
 حاضر اختیار است در حق آنها نیز شامل گردیده و این امر بحکم
 عادات جاریه درآمده است .

چون کسانی که قرابت بسفیر دارند در زیر سایه منظر اختیارات
 میشوند متعلقات سفیر که در زیر حکم و نفوذ او نباشد بر قدر قرابت
 آنها نزدیکتر باشد با اختیارات دیپلماتیکه نائل میشوند .
 مراسم و تشریفاتیکه در حق زوجات سفرا در بعضی حکم غنیمت
 برای حکمداری و محال رسمیه باید محرمی شود و در بابی که دارای
 مراسم دیپلماتیکه است شرح و بیان خواهد شد .

(فصل بیست و پنجم)

(در بیان مأمورین غیر رسمیه است که در محبت سفیر میباشند)
 سرکاتب و مأمورین سازه که مخصوص بشخص سفیر و هیئت سفارت
 بطبیعیند داشته و تابع اقامت گاه سفیر هستند با اختیارات
 دیپلماتیکه نائل نمیشوند . ولیکن چون انوار صفت

رسمیه سفیر کافه استخاصی که در معیت او بستند منعکس است
حکومت محلیه در اجرامی معالایکه بضرر منوین سفارتست باید
از حرمت و رعایتی که لازم است قصور و خود داری ننماید .

(استطراد)

سفر ابعدا و وصول بمحل مأموریت خودشان باید اسامی کسانی
که در معیت اوست در دفتر می نوشته و بوزارت خارجه
ارسال دارد و تبه لاتی را نیز که در مدت مأموریت او واقع
میشود بیان و اخطار نماید و مطالبه اظهار وزارت خارجه این
دو فقره را بحکم عادات جاریه در آمده است .

(فصل سبت ششم)

(در بیان پوسنه است)

اگر چه مکاتبات و محقرات دولتها با سفر او مأمورینی که در
ممالک خارجه دارند که بواسطه پوسنه بای عادی رد و بدل
میشود بموجب فاعده حقوق ملل از طرق نقص و خلل مصون و
محروس میباشد ولیکن چون در بعض حالات مستقیماً و سرعاً

ایصال تحریر است از مستقیم است از دفع مخصوصه آنها است
بنام علیه پوستهای مخصوص بر راه می اندازند .

(استطراد)

در وقت صلح و مسالمت لشکر مانورین پوست تجاوز کرده نشده
و چون معاینه تحریر است مذکوره و ضبط آنها در مملکت درجه ممنوع است
بر گونه معاملات جبریه که واقع شود اعم از اینکه در مملکت دولتی
باشد که سیفر در اجازت اقامت داشته و مانور پوست باجای می
و اعم از اینکه در شهرهای دیگر دولتی باشد که پوست از اجازت
گذشت مغایر حکام حقوق ملل است (انتی)

بعضی سفر برای عدم موافقت دولتها یکدیگر در نزد او اقامت
دارند از حقوق راه انداختن پوست محروم میمانند مثلا
در سال ۱۸۰۰ میلادی (سر یارل و تیگورست) سیفر دولت
انگلیس که در پتر بورغ اقامت داشت محض راه انداختن پوست
از دولت روس بیجا پورت خواست و دولت روس داد
ناچار تحریرات خود را بفرستادن با پوستهای مفاد می مجبور

کردید و هر قدر در این باب به دولت متوجه خود شکایت کردی مقرر
 مقرر می نگردید

همین قدر اگر سفیری در ضرر دولت حکمداری که در اینجا زدا و
 معین است تشکیل جمعیت فساد نماید و یا آنکه به تشکیل آن
 نماید که محل آسایش و امنیت مملکت و دولت باشد و احکام خود
 ملل اخلال کند محض ظاهر شدن از باب فساد و رفع این قبیل
 حالات و خیمه امتیازات مذکوره سفر قطعا مانع نتواند شد که
 مکاتبات سفر ضبط نشود زیرا دولتی سفیر را که صاحب امتیاز
 باشد قبول نماید محل نتواند شد که محض استناد و استظهار و امتیاز
 و موافقات باعث حدوث مفاسد و اخلال شود خواه
 دولتی باشد و خواه شخصی همینکه بقای وجود خود را در تنگدستی
 اینکه نتایج و خیمه آن بغیر راجع شود محض محافظت شخص خود حق
 از ادا دارد که با اتخاذ تدابیر مفرطه قیام و اقدام نماید
 و برای اینکه پوست از طرق خلل مصون و محفوظ باشد مأمور
 پوست باید و اما علامت فارقه را حاصل بوده و مخصوصا در

در دست او بسا پورت منظمی باشد که مأموریت او را اشعار
مکمل نماید .

اگر دولتها محض شریع و تسهیل سیر و حرکت پوستها اصول معیار
کردن بسیار او را در سرحدات لغو و ابطال نموده اند بعضی
از مأمورین پوست که این قسم منظم تر ساخته شده اند این بساطت را
در صورت غیر واقعی استعمال میکنند و واضح است در حالتی که بشیاء
ممنوعه فعل نمایند در چه درجه تقبیح کرده شده و از نتایج مؤلفه و ختم
که از این عمل منبج میسر میشود خودشان سوال خواهند کرد و
ولیکن معافیت مذکوره دائماً جاری نشده تنها پانزده مهربانی
مهور است نه انظاراً معاینه میشوند .

اگر چه در اشائی محاربه در خصوص آمد و شد نمودن پوستهای
دشمن و یا تفقیقین او در حال امنیت مفاد له بسته نشده است
وول محارب در ضبط و توقیف تحریرات و پوستهای مذکور
خود را محقق میدانند بهمین جهت است که در مکالمه اول که دائر
بصلح واقع میشود از همه چیز مقدم باسحصال بابت تأمین و

و آزادی آمد و شد بوسیله ساعت میشود .

در حالتی که بجهت اعلیٰ تحریر است اشخاص مخصوصه بهم مأمورین پوست
استخدام نشود بجای آنها سرکاتب سفارت و اتشه با و اگر سفیر
از امرای عسکریه باشد از ضابطان عسکریه مثل ماور و این امر مستخدم
میشود و بعضاً در صورت دامنه کسانی که در خدمت دولت
بنوده و لیکن شایسته و ثوق و اقلیت هستند بیکار مأمور میشوند
و این قلیل اشخاص که از خارج در خدمات پوست استخدام میشوند
امانت آنها در سپاه پورتشان مقید میگردد .

مأمورین وزارت امور خارجه هم بفرمای دولت بطوعه خودشان
که در محالک خارجه هستند گاهی تحریرات برده و بصفت مأمورین
پوست معین و ارسال میشوند .

(باب ششم)

(در بیان حقوق و امتیازات مأمورین دیپلوماتیک است)

(فصل بیست و هفتم)

در بیان محفوظیت مأمورین دیپلوماتیک است از هر گونه تجاوزات

و حرمت و رعایتی که در حق آنها باید مرعی الا اجرا بشود و محض اینکه
 مأمورین دیپلوماتیک و ظایفی را که محول بعهد ذانها است ^{منیت} با
 تأتمه ایضا نمایند علی العموم بعضی امتیازات مقبوله و شحه را حائز
 میباشند یکی از این امتیازات معتدنها بهای عدم تجاوز است
 چون مأمورین دیپلوماتیک بشخصه مقدس و پاکت بستند هرگونه
 افعال و معاملاتی که از آنها سر میزند اخلال این امتیاز نماید صفت
 رسمینه آنها را یکنوع حقارت شمرده میشود و چون سفیر باقیامی ^{بف} ظاهر
 حتمه از قلیل ختام دادن بمصائب ناگوار عرب و حفظ نمودن
 صلح و مسالمت که در میان دو دولت جاری است مأمور
 میباشد منظون است کسانی که از انقطاع رابطه اتفاق دولت
 دیار و ام محاربات و خصامات مستفید میشوند سفیر ابدف
 و نشانه تیر حیل و وسایس خود خواهند نمود علاوه بر این در
 هر مملکت که سفر اقمیم هستند بعضی اشخاص و مأمورین بزرگ
 بهم میرسند که آنها را یعنی (سفرا را) سعی و تلاش کنند
 بر ضد حکومت محلیه حساب نموده و در حق آنها با بغض

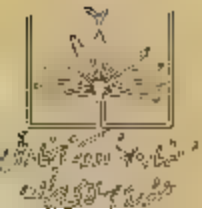
و حصومت میورزند

چون این قبیل تحقیرات و تجاوزات در حق سفر اعیان و اموال است
برای منع وقوع این قسم حالات نالایقه لازم است که سفر
بحکم حقوق ملل که قانون جمیع دولتهاست مصون و محفوظ باشد
هم چنین اقامتگاه و خدام و اشیاء سفر اعیان بوده
و این از قواعد کلیه حقوق ملل موضوعه اروپا و دیگر دینهاست
همچنین قاعده محفوظ بودن سفر از تجاوزات مستلزم آن است
که از متابعت بقوانین موضوعه مملکتی که در اینجا است معاف
باشند

این معافیت یعنی بیگانه لرزم قوی است چنانکه اگر سفیری
بیگانه جزئی در تحت تابعیت حکمداری که در مملکت او
باشد نمیتواند امور ناموره خود را بقدر حیثیت و آزادی و امنیت
انفا نماید بدان لحاظ باید از تبعیت احکام موضوعه و قوانین
مملکتی که در اینجا است دارد معاف گرد و ولی اینقدر است
که اگر سفیر شخصی قدر حیثیت خود را فراموش کرده قصبه حقارت

کردن و دیدن آنرا از نظر خود و در نماید و بواسطه بعضی تعذبات
 و سختی‌هاست آنسایش عمومی را اخلال و ابالی و نامور بن استخفیه نمود
 و با اتمام فسادات مبادرت نماید الی حدی که بارگاہ جناب
 صفت رسمیه خود را لکه دار نماید بطوریکه مذکور کردید متعاقبت
 که سفیر با و نایل شده است موجب عدم مجازات او نشده
 بالعکس از طرف دولت متبوعه خود منظر مجازات خواهد کرد
 حکم داری که این چنین بغیری در نزد او بوده و در حق او سوءظن
 داشته باشد بر حسب وقت و حال تواند تدابیر مقتضیه
 امنیت را اتخاذ نماید مثلاً با آن تمهیل بطی کلیه مناسبات
 و مجازات را قطع نمایند و برای قطع مناسبات او با خارج
 بتوانند که اطراف سفارتخانه را بقوه عسکریه محصور و احاطه
 نموده و حتی از محالکت خود طرد و ابعاد کند و اگر سفیر مقاومت
 نماید حکم داری حق آنرا دارد که با استعمال قوه جبریه او را در ملکیت
 خود اخراج نماید و چون سفیر علی ملاء بوضع و حرکت خصمانه مبادرت
 کرده و خود سبب اجرای معاللات جبریه در محل خود شده است

و مغایر وظیفه خود که عائد بهمت رسمیه است حرکت ننموده و درین
 حرکت محرمانه محفت رسمیه و اعتبارانی را که مانع آن است خود
 ازاله کرده است مظهر این قسم مجازات شدن و لازم و جائز است
 حتی سفر ادر این قبیل حالات توقیف بهم شده اند چنانکه برنس
 (روسلا مار) بجهت مدخلیت و در بابت اتفاق خفی که قریب
 (البرونی) نام وکیل اول اسپانیا تکمیل کرده بود متهم شده
 و در سال ۱۸۰۸ میلادی در هنگام استیلای (فیلانده)
 میسو (والوپاتوس) سفیر روس که در (استقولوم) اقامت
 داشت توقیف گردیدند و لیکن چون بحسب حقوق توقیف
 سفر جائز نیست توقیف سفر ادر حالات مذکوره باقتضای
 حقوق ملل تجاوز کردن بحد فو حقیه محسوب میشود
 اگر چه شناخته شدن سفیر بصفت رسمیه که حاضر است و بظهور
 او بحقوق کامل موقوف بقدیم اعتماد نامه درسمی شدن
 آن است ولیکن از اصول و قاعده متحدیه جمیع دولتهاست از
 برای بمالکت حکمداری که مانور بنزد او بوده و حکمدار بنزد او



آن اطلاع دارد قدم گذاشته تا از آن ممالک غنیمت نماید باید
 عدم تجاوز بحقوق را که مخصوص بصفات سیمیه دوست باشد
 بنی بر اینکه این قاعده عدم تجاوز بکافه احوال و حرکات غیر مخصوص
 بعالمی که داخل در دایره وظایف تأموری است مستعمل دارد
 هنگام صلح و آسایش بامر حکومت باز نمودن تحریرات صنیعه دولتی
 و مخصوصاً محرراتی را که بسفر ارسال نمایند اخلال کردن
 حقوق ملل است

(استطاد)

باز نمودن این قسم تحریرات خفیه سقّه ماکبیر الوقوع بود و لهذا
 برای اینکه تحریرات باز کرده و بمال آنها کسب اطلاع نمایند
 باسم (اطلاق تاریک) ادواتی تشکیل کرده و از لوازم مشرق
 و لیکن فی بومنا هذا سراسر مکتب زیاده و کمبود و محفوظ است
 و علی الخصوص در کافه ممالک که باصول مشروطه اداره میشود
 محافظت و مکتومیت مکتب موجب قانون و نظام
 تأمین کرده شده است و علاوه بر آن تحریرات مخصوصه

افراد ناس هم کسب تزايد و ترقی نموده است و چون کسب
اطلاع کردن بمندرجات مکاتیب محبوبت و اشکال همبرسیا
مانوال است که غنفریب اطافهای ناریک کلته لغو و محابو

(انتهی)

چون محفوظیت حال سفر در یکفایده مطلقه است و لوازمیکه
در میان دولتی با دولت سفیریکه در نزد او اقامت دارد
برودت حاصل شده و یا آنکه قطع مناسبات کرده و باجرامی مختص
مباشرت بشود باز شخص سفیر از تجاورات و معاملات غیر
لایقه حفظ و وقایه بنمایند

(استطراذ)

حتی مقالات نا لایقه را که روزنامه های غیر رسمی در حق سفیری
مینویسند باید تصحیح کرده شود :

و اگر دولتی از سفیری سکایت نماید باید اول بالتصراح بخود او
بیان کیفیت نماید و اگر اهمیت مآده لزوم داشته باشد
کیفیت را بدولتی که سفیر را فرستاده است اشعار نماید

اگر سفیری بتالیف کتب اشتغال نماید صفت رسمیه او از
تقریباتیکه در حق سایر موالفین جاریست نمیتواند او را حفظ و قایم
نماید حتی تقریباتیکه زیاده و ترازیمه محل ناموس و اعتبار است
و لو اینکه مضر صفت رسمی سفیر نباشد بنظر تحفیرات عادی و گاه
کرده میشود اگر سفیری در جمعیت سافل و او باشد بوده و در اینجا
حقارت به بیند مشکل است که در مقام ادعای رضیه برآید .
(انتهی)

مانورهاییکه از طرف دولتی بصفت نیم رسمی قبول کرده میشوند و لو
اینکه حکومتی که او را فرستاده است شناخته نشود و باین سبب
ماقیازات سائره سفرا حق مذاشته باشند باز امتیاز عدم تجاوز
حائز خواهند گردید .

(فصل بیست و هشتم)

(در بیان سه تنهالیت سفر است)

چنانکه پیش از این مذکور گردید محروس بودن شخص سفیر از هر گونه
تجاوزات با مقتضای قاعده حقوق دولتی بصفت رسمیه آن

بغیر مخصوص بوده مثل اینکه استقلالیت مطلقه او قاعده و نه اولاً
 نتیجه مصونیت حالت مذکوره او است استقلالیتش بهم نتیجه استقلالیت
 دولت متبوعه او است که آن دولت حاکم بر آن استقلالیت میباشد
 بغیر محض تکمیل محافظت این استقلالیت با وفای به حریت معنوی از دادن
 استقلالیت خود تحت تأثیر هرگونه حالات جهانی بش لازم است
 معنی از حکمداری که زدا و معقیم است هیچگونه مأموریت و باهر اسم
 و صورت که باشد خواه علناً و خواه خفیاناً و تلغیفه و مرسوم قبول نکرده و
 التماس و خواهشی نباید بکند و حتی با قضاای شرف مأمورین صداقت
 و خلوصی که بدولت متبوعه خود دارد از این تسلیل چیز با دوری کردن
 از واجبات و تمهید او است .

(استطراذ)

اقامت سفیری در یک دولت و ملازمت ائمه آن بحکمدار
 آن مملکت و مناسبات دوستانه اش با مأمورین و انمای آن مملکت
 بعضی اوقات مستلزم نگه داشتن پاره فایده ایست غیر مسامحه میکرد و همین
 ملاحظه برای منع وقوع محاذیر می که از اقامت طولی به سفیره

حاصل نتواند شد باقتضای وقت و حال تبدیل سفر لازم میآید

(انتهی)

سفیر بدون امر و اجازه بتوابع مخم خود از دولتی که در نزد او مقیم است
و یا از سایر دول خارج رتبه و نشان و عطیه و احسان هیچ
عنوان نمیتواند قبول کند .

(استناد)

این قاعده مختص بانورین دیپلماتیک نبوده بلکه در حق جمیع تبعه که
در ممالک خارج مقیم اند جاری میباشد چنانکه بر کس در هر حال و در
باشد از دولت متبوعه خود استیذان نکند نمیتواند از دولت دیگر

نشان یا عنوان و عطیه و احسان قبول کند (انتهی)

و اگر با استثنای سفیری که در نزد دولتی اقامت دارد از تبعه اصلیه
او بوده و دولتی که او را فرستاده راضی گردد که سفیرش همان جهت
قبول اعتبار کرده شود در این صورت سفیر مذکور در کافه خصوصیات
که بانوریت رسمیه او عاید باشد تابع قوانین آن دولت
میشود که از تبعه اصلیه اوست . ولیکن این سفیر اگر

چه از تبعه دولتی است که مأمور بنزد اوست و لیکن هر مدت که
 در نزد آن دولت سفارت اقامت دارد استقلال بت و کافه
 معافیات و امتیازات را که عده بصفت رسمیه اوست حاضر
 میشود مگر اینکه دولتی که این سفیر در اقامت بنزد او مأموریت
 دارد شرط صحیح و مخرج کرده باشد که آن سفیر را مطلقاً از
 تبعه خود معذور دارد.

فصل بیست و نهم

{ در قواعد اینک اقامتگاه سفیر مثل مملکت دولت
 { متوعه خود باید اعتبار کرده شود

الملک و اقامتگاههای مأمورین دیپلماتیک مثل مملکت دول
 متوعه آنها معذور گردیده، و کافه امتیازات و معافیات که سفرا
 حاضر آن هستند داخل درین خصوص است همین است که بحکم این
 قاعده سفیری هر قدر که در محالک خارجه است مثل آن معذور میشود
 که در مملکت متوعه مخفی خود اقامت دارد.

و بدین جهت در حق حقوق تصرفیه و امور ذاتیه خود که بمعاوله



وارث و یا بصیّت با انتقال نمایه تابع نظامات و قوانین
مملکت و وطن خود میشود . و اگر اولاد می هم از او در مملکت
خارجه تولد نمایند مثل آن محسوب میشود که در مملکت خود زاده
شده است .

سفیر بمحکمه های مملکتی که در آن مقیم است جلب و احضار نشده و اقامه
و عواکرده و حبس و توقیف نمیکرد و برای قروضی که پیش از
مانوریت و یا بعد از آن کرده است اموال و اشیاء آن حتما
قطعا ضبط و تصرف نمیشود باین امتیازات زوجة سفیر و مانور
سفارت نیز شامل هستند .

باقاگاه سفیر در زیر یکت عافیت کامل بوده مثل شخص خود که خارج
از مملکت خود معدوم میگردد و ضابطان محلی نمیتوانند با قاقاگاه
آن داخل شوند .

(استطراد)

در پاریس برای سوئیس قصدی که در حق مسو (دو بالش) که از
آتشه بای سفارت روس بود واقع گردید در بین دولتهای

فرانسه و روس مباحثه غریبه ظاهر کردید چنانکه فقره
 مزبور در سفارتخانه روس واقع گردید که بقاعده حقوق ملل
 در همانک روس واقع شده است اگر چه تسلیم شدن این جنس
 روس را که نجابت متهم بود دولت روس از دولت فرانسه طلب
 نمود ولیکن وزیر امور خارجه فرانسه اظهار داشت که این جانی
 از جانب سفارت روس به پنجه قانون دولت فرانسه داده
 شده است و بایه حکم و قرار محکمه های فرانسه که در این باب داده
 خواهد شد انتظار کرده شود آخر الامر دولت روس قصد قبول
 کرد که دولت فرانسه حق و صلاحیت آزاد دارد که این امر در
 محاکم آن قطع و فصل شود و محاکم فرانسه نیز محض ابراز یک
 احترام مخصوصی شاهد ملی را که از مأمورین سفارت روس طلب
 و احضار کرده مخصوصاً مأمورین ارسال کرده و شهادت آنها را
 استماع نمودند . (انتی)

ر بایاب شدن سفر از قوانین و نظامات محلیه برای حسن ابقا
 و نظایف مأموره خودشان مؤتسس مبنای مفسر است که از



از ماستقداریت کلمه آنها از حکومت محلیه مترتب گردیده است
برای عدم وقوع حرکات و اطواری که مانورین کوچک که سبب
اخلال امتیازات سفرا تواند شد و برای اینکه حسن اتفاق که درین
دولت جاری است خلل پذیر نشود باید از طرف دولتها تمام
وقت و اعتنا کرده شود زیرا که در دولتی از طرف مانورین خود
بعضی حرکات واقع شود که اخلال امتیازات سفرا را نماید بعملاً
اینکه آن دولت میخواهد بدین وسیله با سراسر دنیای خارجی
مصلحت باشد بر طرف شدن سوداها و یکبارگی از این حال حاصل خواهد شد
قدری به شکل خواهد رسید و لکن آنکه آن دولت در این حرکات
واقعه مقصود می نداشته و عدم بدخلیت خود را در این قبیل کارها
اعطای ایضا حات لازم به بیان و آشکار نماید .

کیفیت تعیین و ارسال سفیر از طرف دولت متبوعه خود و قبول
سنة آن از طرف دولتی که نیردا و فرستاده میشود در مقام
یکت مفادله نامه ضمنی است که دایره تبعیت آن سفیر حکومت
دولتی که منسوب است در میان دولتیین منعقد میگردد .

در خصوص معاف بودن محلهای یعنی خانه‌ها که در حوالی اطراف مکتب
 کا به سینه هستند و لو اینکه نشان و (ارمنه) را که مخصوص حکمداران
 سفیر است بیاورند و خود را از اتباع بقوانین مملکت معاف و از ادبانه
 چون این عادت آشکارا داخل در استعمالات غیر حسنه است و در آنها
 گذشته در اکثر ممالک جاری بود و لیکن این اوقات عموماً لغو و
 باطل گردیده است .

(استطراد)

معافیت مذکوره در رسم تئوج امپراطور آلمان در روم و مادریه
 و ونڈیکت و رانقوزت جاری بود . (انتهى)

(استطراد)

اکنون هم در روم و مسافرتخانه‌های بعضی دولتها مثل فرانسه اسپانیا
 کیمنوع امتیازات محله را عازر بوده برای بودن نشان حمایت
 در روی درب خانه‌ها ارمنه بای ملتی تعلیق کرده شده است .
 و رسال ۱۵۹ میلادی سفرای فرانسه که در جنوه اقامت داشتند
 حاضر این حقوق بودند که خصت میدادند با مأمورین پولیس از پیش



سفارتخانه‌ها مرور و عبور نمایند علاوه اینکه این حقوق شایسته رتبه
 و استهزا بود در حق حکومتی هم که با جرای آن موافقت میکرد و مینوع
 خفارت شمرده میشد اینها را تذکوره در اسپانیا در اوایل
 عصر مذهب لغو و ابطال گردید . . . انتهى

اگر چه معاف بودن سفارتخانه که مخصوص باقی تمامگاه بیست
 نتیجه قاعده دولتی است که آن سفارت از مملکت دولتی که متوجه
 باوست محسوب میشود و لیکن اگر سفرا و ایره معافیت مذکوره
 توسیع نموده شخصی اعم از خارجی و داخلی که برای دفاع جنایت و یا جرم
 و قبحی که از طرف حکومت تعقیب میشود به سفارتخانه قبول نماید و بعد
 کردن تا آنکه درجه که جریان احکام قوانین و نظامات مملکت را بطول
 میباشد آنست که استقلالیت دولتها را اخلال نماید .

اگر التی نمودن یک متهم به سفارتخانه دولت خارجه تحقق نماید علاوه
 بر اینکه حکومت اطراف آن سفارتخانه را احاطه نموده و مانع فرار
 متهم میشود اگر موافق اصول و نظام متهم را از بیفر مطالبه نموده و بیفر
 تسلیم آن ممانعت کند در حال متواند که از خانه متهم را

جبراً نیز اخراج نماید .

(استظراء)

در تاریخ ۱۲۲۹ میلادی در اسپانیادک رو بر سرانام باقی
 لورد و بازگشتون سفیر انگلیس ملحق شد چون اگر او را جبراً از سفارتخانه
 نمیکرفتند اصول موستبر برای جرایم مناسبات و عمارات
 فیما بین حکمداران اخلال میکرد و بدین براینه امتیازات سفارتخانه
 در حمایت به توجه طرفین متدراجاً عمومت بهمرسانیده نشد کسان
 میکرد که اموال و عساکر و خفا یا واسع را در دولت در پدا واره و
 کمان آنها بوده و در امور محوله بحد خطا و قصور میکردند و حاکم
 مذکوره بکافه دول در آنها درجه حضرت داشت بناء علی ذلک
 از طرف مجلس (قسطنطنیه) مقرر شد که دک رو بر سر
 مذکور جبراً از سفارت خانه گرفته شود .

(انتهی)

آراد افکار صاحبان قلم که در این باب دارند متغایر یکدیگر بود
 بعضی از آنها اگر چه مدعی بن بستند که برای فرار نکردن ملحق

حکومت حق و صلاحیت از اداره که اطراف سفارت را به
 محافظین احاطه نماید و لیکن حق و صلاحیت حکومت را با خارج کردن
 مأمور از سفارتخانه بقوه چهره تعرض کرده و گفته اند که حکومت
 اسناد مأمور را باید بواسطه و معرفت وزارت خارجه از سفیر
 بخوابد و اگر سفیر مخالفت نماید آنوقت از حکمداری که متوجه مخفی
 اوست مطالبه نماید و بعضی از مؤلفین از باب فلم نیز ادعا کرده اند
 که مجرم استقیماً مجالس دعاوی از سفیر مطالبه نماید و اگر سفیر جواب
 ندهد بد مجالس دعاوی نازون هستند که سفارت استخری و جستجو
 کرده و مأمور باید دست بیاورند و لیکن باید از معاملات تالیقه
 که عائد بشخص سفیر و مأمورین دستخیزین بوده و مختل مراعاتی باشد که
 بحقوق و شخص آنها ضرر رساند مجامعت و دوری نمایند .
 بعقیده عاجزانه ما اگر احتیاط وجود مأمور در سفارتخانه محقق نشود
 در تأخیر دست آوردن آن وقوع مخاطره ملحوظ شود آنوقت جستجو
 سفارتخانه موافق احتیاط میشود و چون اعتبارات سفیر شخص او را
 از ارتکاب او باین قبیل استیلاست سلب نمیشود میباید اداره

پولیس با رعایت کردن حقوق تصرفیه سفیر میتواند که در داخل سفارت
اجرای تحریقات کرده و شخص جانی را بدست بیاورد و اگر چه پس از آنکه
بشبه قوتیه حاصل شد که سفیر امتیازاتی را که مخصوص مأموران خود او است
بدستمال کرده است و آنوقت از خود او ایضا حاکم خواسته
شده و بحکومت آن سفیر عرض شکایت کرده میشود ولیکن باز داخل
شدن سفارت خانه بطور جبر و عنف جائز نیست و همچنین اگر در
مقام در سفارتخانه محقق شده و از فرار کردنش بجم نشود اطراف
سفارتخانه احاطه کرده شده و بیرون رفتن سفیر از آنجا به خود او
اخطار و بیان کرده میشود و حتی بسرحدات هم میشود ایصال کرد
ولی باید رهن سفارتخانه نمیتوان داخل شد .

مثل اینکه سفیری نمیتواند ششامی را که از طرف محکمه های مملکت بجنایت
مستقم هستند معاودت در فرار او نماید و یا آنکه در او خالی
ممنوعه مملکت بطریق حیل و حذعه همراهی کند مدخلیت مأمورینی را
که در محبت او هستند باین قبیل جزایا نمیتواند تجویز نماید .

(استطرد)

اگر چه در روما (مارکی دو فونتونه) سیفر فرانسه شقیبا و منقها می ناپول
 نیز خود قبول نموده و آنها را بکال سکهای خود سوار و میخواست که از
 شهر بیرون برود و لیکن بکسکها می پردن آمدن عاقلان از شهر محافظین
 پاپ آنها را توقیف و اشقیبای مذکور را بحبس القامود سیفر شارلی
 در این خصوص شدت تمام گنجایت و در نصاحب اصحاب فساد
 جرات خود پاپ اظهار داشت که من حق و صلاحیت از ارام
 که به صفت حکمداری اهل فساد و در هر جایی که باشند اخذ و توقیف
 نمایم و امتیازات سفر آنها را بشمول مزار که اختیار تصاحب
 و حمایت نماید و لیکن بجهت اینها در ایام ماضی در روما سفر
 ناکند و حق و صلاحیت از او داشتند که البته کنند با محافظت
 نمایند و لیکن این صلاحیت در سال ۱۸۱۵ لغو و باطل گردید.

(فصل سیام)

{ در خصوص معاف بودن مأمورین دیپلماتیک
 از حاضر شدن به محکم جنایت
 برای آنکه مأمورین دیپلماتیک از تابع شدن به محکم موضوعه

مملکتی که در آن بستند معاف میباشند برای جرم و جنایتی بجا کم ممکن
 که در آن اقامت دارند چهارمی توانستند کردید باین قاعده دولتی
 که الیوم یقیناً او متخذ عموم دول است در ایام گذشته پیرا و اعراض
 رده پیشه رؤیت و رسیدگی کردن بحیرم و جنایات که سفر بالذات
 مرتسب آن میشوند در محاکم محلیه از طرف هیچ دولتی ادعا نگردیده
 و حتی در سال ۱۷۶۳ میلادی حاکم (بهش قاسل) اگر چه نسبت
 بنمای سفر دولت فحنات مان یوان را اختلاس نموده است
 و در توقیف نمود ولیکن چون این امر مغایر احکام حقوق ملل بود
 حالاً مرتبه نسبه دادان درین خصوص مجبور گردید و آنرا در خصوص
 عدم رعایت معافات و امتیازات نامورین دیپلماتیک
 که حاضران بستند و مجازات کردن آنها به قصاص اعدام فقط
 یک واقعه مشهوره مضبوط صحایف تواریخ است .

(استناد)

در سال ۱۷۵۳ میلادی (دون پائالیون) برادر سفیر ورنکیه
 که در آن اقامت داشت و از نامورین رعیت سفیر بود

در بوس اندان کینفر کلیس را مستعداً بقتل رسانید و بخانه برادرش
آتی نمود آنوقت (فرمولیل) نام شخص مشهور که بعنوان حاکم
در کلیس برای حکومت میکرد و ترتیب جزای این جنایت فجیع را
تصمیم کرده و دعوی را بحکم متعینان حال نمود و به قید (دون پائالیون سا)
بودن خود را نامورین سفارت خارجه و معاشرت خویش اربعیت
اینها این محکمت ادعی نمود اما اعتماد نامه خود را نتوانست تقدیم
نماید و بهم حجتی اینکه بودن او را نامورین محبت برادرش بکار
سدش بایزات دیپلماتیکی دلیل کافی نمی توانست بشود
بقتل و اعدام او محکم گردید.

حتی رئیس محکمه مزبوره گفته بود که اگر (دون پائالیون سا)
و او اینکه صفت سفارت خود را هم اثبات میکرد و باز برای
محاکمه بی کم محکمتی که منسوب بآو بود فرستاده میشد خواه
سفر او خواه نامورین محبت او چون ایازات دیپلماتیکی را
نازل هستند (لایج) نام که از مؤلفین مشهور آلمان است
این معامله که مغایر احکام حقوق ملل است نتیج نموده است. (انتهی)

برای جنایاتی که در ضرر دولتی واقع شود در حق معافیت محاکمه
 شدن سفر او در محاکمه محلیه اعتراض واقع گردیده است چنانکه
 (روس) نام سفیر کبیر (ماری استوارت) از پادشاهان
 (اسفوجیا) در ضرر (الیزابت) از پادشاهان انگلیس
 با یغایر حمله و فساد متهم گردیده (نوردبورگت) که وقت
 صدر اعظم دولت انگلیس بود مدعی شد اگر سفیری در نزد حمله
 مصدر حرکتی بشود که شان و شوکت آن حمله را اطفال نماید
 امتیازات ویلو ماتیکیه سفیر که حازر است در این باب
 حکم و تأثیری نداشته و برای این حرکت که از او سرزده است
 باید منظر مجازات بشود بالعکس اگر چه سفیر نه کور از امتیازات
 ویلو ماتیکیه خود که بصفت او عائد است گفتگو نموده و مدعی
 گردیده که امتیازات ویلو ماتیکی حقاً اطفال نشده بلکه بالقوه
 مضحک و مختل میشود ولیکن دولت انگلیس سفیر مزبور را مدتی در
 مجلس نگاها داشته پس از طی دعوات تحت الحفظ از سرحدات
 طرد و اعزاج نمود

در سال ۱۷۱۷ - ۱۷۱۸ میلادی دولت انگلیس (کنت جلاپورج
سفیر اسوج را که در لندن اقامت داشت بخیال اینکه در
جیل و سانسبی که در ضرر خاندان بانورا واقع گردیده خلیت
داشت تحریرات او را توقیف نموده و از تحریرات مذکوره
دلائل مثبتی یک اتفاق خفی را که عائد بمنافع خاندان (سنوات)
بود کشف و استخراج کرده و سفیر مذکور را توقیف و اوراق او را
صادر نمود و توقیف (بارون غورتر) سفیر دولت
(اسوج) را که در (لایهای) اقامت داشته و متوسل
این اتفاق خفی بود از دولت (فرانسه) مطالبه و استحقاق
نمود و در مقابل این پادشاه (اسوج) (شارل) دوام
نیز سفیر کوچک انگلیس را که در (استقوالوم) اقامت داشت
توقیف نمود همین قدر که بحسن نیت و وساطت صدر اعظم
دولت فرانسه این سه سفیر از محبس خلاصی یافتند
اگرچه (لورد مایبون) توقیف شدن (بارون غورتر) را
بصحت کرده ولیکن گفته است بملاحظه اینکه اگر سفیری در سر حکومتی که

که در نزد او اقامت دارد و ایتلاف نماید بموجب احکام حقوق
ملل از حیاتی که حق منضمیت آزاد دارد ساقط گردیده و آن حکومت
حق و صلاحیت ندارد که در باره او موافق اقتضای منافع خود حرکت
نماید پس درین صورت توقیف شدن جلاخورغ موافق قاعده
حقانیت بوده است .

اگر یکت سفیر در حالت و حرکتی باشد که مغایر احکام حقوق ملل شود
لازم نمی آید حکومتی که آن سفیر در نزد او اقامت دارد و مقابل
بالملل نموده و مخالف قواعد حقوق ملل صادر حرکتی بشود سوء
استعمال سفیر اعتباراتی را که حائز آنها است و جرم و جنایتی
که از او در حق دولتی که در نزد او معتمد است بر قدر و حالت
داشته باشد نمیتوان سفیر مزبور را عاری از صفات دیپلماتیکی
مشابه نمود و چون در مجازات این قبیل سفر اقط بگرد و
اخراج آنها از محالکت اکتفا کرده میشود بنا بر علیه توقیف سفرانکه
مستهم میشوند بهیچوجه مجاز و معقول نخواهد گردید آرای (لورد مانلو)
(فیلومور) نام اشخاص فوق الذکر را سایر ارباب قانون

انگلیس بکلی حرج و رد نموده اند

چنانکه در حق قضیه (سندوزه) سفیر دولت اسپانیا که بری
 خلع نمودن (الیزبت) از پادشاهان انگلیس در ماده ادنمال
 عساکر خارج بنجاک انگلیس بجاییت اتفاق متهم گردید از
 (الیرقیوس رنلیلس) که از مشاهیر ابل قانون بود سوال شد
 در جواب انهار نمود (سفیری) لوانیکه در حق بکومنی که در نزد او
 میقیم است در حالت ایقاع فساد توقیف کرده بشود و او را به
 جرای اعدام مجازات نکرده محض اینکه موافق دلخواه متوجع او
 تا دیب بشود بطرف دولت او باید اعاده و ارسال گردد
 بدین وجه به پرون آمدن (سندوزه) از اخلایست و رفتن
 به مملکت خود امر داده شد و مأمور مخصوصی ارسال اسپانیا
 گردید که از ادسکایت کند

همچنین در زمان (جاک) از پادشاهان انگلیس (سر روبرت فون)
 سوال کرده شده که در ظهورین قتل موآد بچه وجه باید حرکت کرد
 و او در جواب انهار داشته که چون سفیر وکیل ملکه از متوجع خود شن

باقتضای حقوق ملل از حاضر شدن بحاکم محلیه معاف نموده و لازم است
که حرکات و افعال سفیر را مثل آنکه از حکم ارباب متبوع او سرزده است
محدود داشت

این رای و افکار خواه در ممالک انگلیس و خواه در جاهای دیگر محتمل
قبول و اعتراف گردیده است محفوظ بودن حقوق و امتیازات
مأمورین دیپلوماتیک بدرجه قومی و آزاد است که یکت سفیر بجهت
عدم تعلقی که بحاکم خیایات دارد حق و صلاحیت آن را ندارد که
معافیت خود را که حائز آن است با اختیار خود ترک نماید
و چون این معافیت متنی ب حفظ منفعت شخص سفیر نبوده بلکه برای
منافع ملت و حکم اری که تابع اوست وضع و تأسیس شده است
لذا هیچ مانع و ممانعتی در محاکمه شدن مأمورین دیپلوماتیک در
محاکم خیایات بشان و متوکل ملت و حکومتی که متبوع اوست
نقض و اخلال نمواند کرد

اگرچنانچه سفیری مأموریت خود را ترک کرده و از امتیازات
خود فراعست حاصل نماید امتیازات دیپلوماتیک او باطل است

زایل میشود

(استطاد)

و چون در سال ۱۷۴۳ میلادی (قوت دپلیو) سفیر فرانسه
 مفیم کوپیناک (براهمنای غیرت جالبیه خود برای معاونت
 کردن شهر (دائریق) مأموریت خود را ترک نمود بنا
 علیه از کافه حقوق و اینست اینکه عاید بصفت سفیر و محروم گردید
 مسو (دفاسان) نام شخص از باین خصوص مطالعه مقرون بحقاقت
 بیان نموده باین طور اگر چه بلاخصت ترک کردن سفیری محل
 مأموریت خود را و بنده این عاومه صلح و صلاح برره جنک و جدال
 بطا بر مکنوع حرکت غمورانه معدوم میشود ولیکن چون بالذات
 مبنای فضل و نه افعای و طایف مأموریت است بنا علیه
 این قسم حرکت سفیر الحق شایان قبیح است

(مارکی دموئی) سفیر فرانسه نیز در این قسم بی مبالا
 نموده و قلعه بای (دائریق) بالارفته و عساک را بخا فرمان روا
 نموده است ولیکن در ضبط و استیلائی آن شهر غیر ضرور مانند

اسیر حبس و توقیف گردید

چون در سال ۱۷۰۳ میلادی اسلحه‌سازی که در خدمات عسکریه
دولتهای فرانسه و اسپانیا بودند گرفته شد بناء علیه تأجل الاتقان
معاملات ظالمانه که (وکیلور آند) والی (ساووا) در حق
سفیر فرانسه اجر می نمود در دعای مشهوره کتاب موسوم به حقوق
ملل مندرج گردیده است . (انتهی)

چون شخص غیر از حاضر شدن بجا که محلیه معاف است در دعای
سازره به صفت گواه نمیتواند بجا که محلیه احضار و دعوت کرده
شود فقط تحریر میتوان اخذ معلومات و اطلاعات از سفیر
کرد و اگر خود داری بنماید نمیتوان در حق او به هیچوجه مصالحه
جبریه اجر می شود

(استطرد)

در سال ۱۸۵۵ میلادی در شهر واشینگتون که مقر حکومت
جمهوریتهای مجموعه امریکت بود در حضور سیو (دبوا) سفیر
فلنک قتل واقع شد، و اگر چه برای رویت و محاکمه این

و عوا شهادت سفیر مزبور مقضی شد ولیکن چون موافق اصول
 معناده محکمه حق و صلاحیت آنرا نداشت که مشارالیه را مستقیماً
 مانند گواه طلب و احضار نماید بنا بر علیه وکیل دعاوی مشارالیه
 بواسطه وزارت امور خارجه دعوت نمود سفیر مزبور اینضا
 حقوقی که خارج آن بود این دعوت را رد کرده و اظهار داشت که
 اگر از طرف دولت متبوعه خود اذن داده شود بعد از یاد قسم
 میشود است خود را در آن باب اظهار و بیان خواهد کرد و اگر
 چه از طرف دولت متبوعه او استحصال اذن و رضت کردید
 معتمد سفیر مزبور در این ماده مواجهه عدم امکان استتقاق
 و مانع نشدن خود را با اصول و رسم معناده در این خصوصیات معناده
 اکتفا نمود وکیل اقبال دعاوی هم عدم وثوق و اعتماد با اظهارات
 او را درین خصوص اشتهار نموده و شهادت او را قبول ننمود. (انتهی)
 مسئله اینکه یکت سفیر در دعوای جنایت مدعی میتواند بشود یا نه بموقع
 مباحثه گذاشته شده است (و اتل) نام مؤلف مشهور گفته است
 که میتواند سفیر درین باب مدعی بشود بلکه میتواند که بجهت تحصیل

رضیه کلیف را به متوع منقح خود احاله نماید
 سفیری در ماده جنایتی نمیتواند بدون رضای متوع منقح خود مدعی
 بشود ولیکن اگر در آن باب استحصال خصت نماید ممکن است
 که برای محاکمه جانی و اجرای احکام قوانین موضوعه توسط وزیر امور
 خارجه کیفیت را به محکمه میتواند بیان نماید همچنین
 اگر سفیر و لو اینکه موافق اصول استحصال خصت نماید و برای
 ادعای جنایت و یا اینکه احضار مدعی علیه مستقما صلاحیت
 داشته باشد باز این قسم حرکت سفیر را در او دیده شده است.

(فصل سی و یکم)

{ در بیان معاف بودن مانورین دیپلماتیک
 از حاضر شدن بمحاکم ملکیه است }

از قاعده مسلم است که در حق هیچ دیپلمات در محاکم ملکی
 که در اینجا اقامت دارد از برای حقوق مدینه هیچ وجه افتاده
 دعوا نمیشود کردید فقط تنها امتیاز است و حدیثی است که
 از مقتضیات امور مترتب میگردد و رایجا به بیان آن درج میشود

استفلا لیتی که سفر حاضران هستند آنها به شخص آنها عائد نه بوده بلکه
 بکافه اشیاالی که مقتضای ایفای وظایف مأموره آنها هستند
 شمول دارد (و اتل) نام مؤلف میگوید بلاحظه صفت رسمیتی
 که سفر حاضرانست کافه اشیا مخصوصه که بجز سفر و منزل او
 عائد است استفلا لیتی که سفر نازل آنست داخل بوده حکومت
 و اداره مملکتی که سفر در آنجا قیامت دارد به هیچ وجه حکم
 و تأثیری بآنها نخواهد داشت .

(استطراد)

در میان حکومتهای پروس و آمریکا مباحثه که شایسته
 وقت است در کتاب (ویطون) نام مؤلف که بعنوان
 حقوق دوله تألیف کرده مندرج است اینک بوجه ذیل
 بیان میشود

سفر حکومت مجتمعه آمریکا در برلین قیامت داشت
 مالک آن خان در حین نقضای مدت اجاره ضبط کردن اثاث است
 سفر را در مقابل تضمینات ضرر یکبار و آورده بوده است

ادعا نموده و چون باقتضای قوانین موضوعه پروسا مالک خانه
 در ادعای این قسم مدعیات حق و صلاحیت داشت اگر چه دولت
 پروسا مقرر داشته بود که حائز بودن مانورین دیپلومایک
 بمعانیات حاضر نشدن در محاکم محلیه ابداً باین امر مشمول ندارد
 ولیکن حکومت امریکت مدعی آن بود که اگر تعرضی بر معافیت اموال
 و اشیا و سفیر که مخصوص شخص اوست بشود رفته رفته محروم و باز
 ماندن سفیر از امتیازات و معافیات سائره اسهل خواهد بود لهذا
 قوانین محلیه نمیتواند امتیازات و معافیات سفیر را حصر و تحدید
 نماید و این ادعای او مقرون بقاعده و صواب یافته شد .
 بموجب احکام قوانین دولت پروسا اشیا و موجوده مستاجر
 برای موجد بغرض کینوع رهن بوده اگر از طرف مستاجر در تادیه
 وجه اجاره کینوع قصوری دیده شود صاحب ملک حق دارد
 که اموال و اشیا و مستاجر را ضبط نماید اینقدر هست که اگر شخص
 مستاجر از سفر ای دول خارج بوده و در مقابل قروضات خود
 اشیا و موجوده خود را در یک صورت صریحه رهن نکند دارد

و از معافیتی که حائز آن است دست نکشد حکم و تأثیری برای
آن رهن باقی نخواهد ماند . (انتهی)

از این قرار حکومت محلیه اشیا و منقوله سفیر را نمیتواند ضبط
و خود او را توقیف کرد و یا اینکه تذکره مرورند به .

(استطراد)

در سال ۱۷۷۳ میلادی میسو (دیغلیون) وزیر امور خارجه

فرانسه ب سفیر حکومت (هس) تذکره مرورنداده و ارباب

طلب ضبط اموال اشیا آن مآذون شده اند .

اگر چه همه حال حرمت و رعایت صفت رسمیه سفیر منقضیست

معذا حکمداری که سفیر در نزد او باقامت نامور است بی

اینکه وظایف ناموره سفیر را همه مزه حق و صلاحیت

آن را دارد و که سفیر اقبل از آنکه قروضات خود را بداد از

رفتن باز داشته و در آن باب اجرای معاملات محالست

معمول دارد و دولت فرانسه در سال ۱۷۷۲ بموم سفر انیک

در نزد خود اقامت داشت این فقره را ملاحظه نمائید

و در کتاب فلاسان نام مؤلف موسوم به (امور دیپلماتیک فرانسه)

این فقره مندرج است .

در قرارنامه که در پنجم میسان سال ۱۸۱۳ از محکمه امپراطوری صادر
گردیده تصریح است در مملکتی که سیفر اقامت دارد در مقابل
فروضاتیکه پیش از ناموریت یا بعد از آن عقد نموده اموال
اشیاء سیفر ضبط نمیشود .

در سال ۱۷ میلادی بجهت اینکه سیفر روس که در انگلستان اقامت
داشت من غیر حق توقیف گردید برای همین ماده بوجه مزبور
ذیل بکت قاعده مخصوصی نشر و اعلان کرده شد .

جس و توقیف سیفر گیر و یا سفرای سازه و خدام آنها که از طرف
یک دولت خارج و یا حکمداری معین شده و از جانب پادشاه
انگلیس و یا وراثت آن قبول شود ضبط کردن اموال منقول و
غیر منقول آنها کان کم مکن انگاشته خواهد گردید .

(یعنی حق ضبط و تصرف ندارند) (انتی)

اگر سیفری در اداد دیون خود اعتناع نماید از باب طلب متوجه

که بواسطه وزارت امور خارجه بگوست متوجه او و یا بجمعه های
ملکشان مراجعت نمایند

(استظهار)

چون امتیاز یکت سفیر عبارت از اعتبار است مثل اینکه در مملکت
متبوع خود اقامت دارد و بنا بر رفتار شود لهذا کافه وسائط حقوقه
که در حق او در مملکت و اقامتگاه او مجری میشود از طرف دولتی
که در نزد او اقامت دارد و بموقع اجرا گذاشته شدنش
بیج مانعی نیست . (انتهى)

اگر دعوت کردن سفیری بمجا که لازم شود باید درین خصوص
طوری حرکت کرد که شخص غائبی بمجا که حضار و دعوت میشود
سفیر عباده اینکه در یک موقع میقیم است که خارج ان مملکت
حساب شود استقلالیت را نیز حارست بناء علیه جاریست
که مستقیماً بواسطه محصل حکومت یا فرستادن مجضرا و را حصاً
کرد و چون این معافیت برای محافظت وقع و ثبیت
سفیرانیس کرده شده و در موادی که عاید بصفت شمرده است

جاری می‌شود لهذا در حق اموال اشیا اینکه مناسبتی بصفت
رسمیه او نداشته و شخص او عايد است احکام حقوق ملل در حق
آنها شامل نخواهد بود .

بغیر از سفارتخانه کافه اموال منقول و غیر منقوله سفیر در مملکتی که
اقامت دارد و بخود او عايد است قطعاً مناسبتی بصفت
رسمیه او نداشته و تابع قوانین مملکت می‌گردد .

(استطراد)

(و ا تل) نام مؤلف می‌گوید اگر حکمداری از ظهور عواقب
و نتایج تابعیت اموال منقول و غیر منقوله سفیر خود بقوانین محلیه
مملکتی که سفیر او در اینجا اقامت دارد احراز کند می‌تواند که سفیر
علیهده تعیین و مأمور نماید . (انتهی)

اگر سفیری تجارت اشتغال کند در خصوص کافه اموال و منعه
و نفود و دیونات و مطلوبات که متعلق بامور تجارت او
بوده و دعاوی و منازعات بجا کم مملکتی که در اینجا اقامت
دارد تابع خواهد گردید .

و مثل اینکه مستقیماً به شخص سفیر توجه شکایت نمیشود و در حق اشیائی هم
که بوظایف مأموره و شخص او لازم است بچگونه حکمی بموقع اجرای
که داشته نمیشود و لیکن حکم اعلام میگردد و در حق او صادر خواهد شد بمقتضای
اموال منقول و غیر منقول سفیر که داخل در دایره معافیت او
نیست مجری میگردد

(استیضاح)

باقضای حرمت و رعایتی که بصفت رسمیه سفیر مخصوص است
همیشه لازم است که در هر چیز منفعت صفت رسمیه سفیر ^{حفظ}
شود و غیراگر در اختصاص چیزی بخود سفیر و یا اقامتگاه آن اشخاص
کرده شود مقتضای این است باید بچیزی تغییر کرده شود که منفعت
سفیر در آن ملحوظ بشود . (انتهی)

تدابیریکه در محافظه حقوق اشخاص سازده اتخاذ کرده شود
مخل انتخابیات سفیر نبوده مثلاً در حالتی که براتی بعهده کمی از
مأمورین و بملو مائیک کشیده شود در صورت ادا نشدن
وجه آن کسیکه حامل برات است برای اثبات بی عملیات

لازمه خود در حق کسی که برات بعهده او فرستاده شده لازم است
به برات کنند یکت پروتست نماید .

غیر از این مورد و شرطیکه از امتیازات دیپلماتیک نشأت میکند
سفرهای خارجه در حالات آئینه تابع محکمه های محل میباشد اولاً با وجود
قبول کردن مأموریت حکمدار خارج را باز از اتباع دولتی که در نزد او اقامت
دارد معدود شدن ثانیاً بعد از استیذان و استعفا ی ضمنی یا صریح
از متبوع منقح خود از مأموریت فارغ بودن ثالثاً در حالتی که در حضور
محاکم محلیه شخصه اقامه مراغه و دعوا نموده و برای تأدیه مصارف محکمه
محکوم شده و در این باب به محکمه احضار شدن رابعاً در خصوص دعوا
برای اعلام اخصای خودشان بر علیه ایشان یعنی سفر استیفاء دعوی
شدن خامساً در مقابل دعوای که خودشان اقامه کرده اند از طرف
مدعی علیه برضه او اقامه دعوا شدن .

استمرار

اگر چه در سال ۱۸۵۴ میلادی میسور (در ویه) که از سرحدات هند می باشد
بجایکت در لندن و در پیش شرکت سعدنی بود که شرکای آن مرکب

از ابالی بلجیک و انکلیس بودند بر چند مشارالیه دعوی را که در حق شاه
از محکمه واقع شده بود قبول نموده و کیفر و کیل دعوی فرساده بودند
بعد از آن صفت دیپلوماتیک خود را ادا نموده از رفتن بمحکمه خود را
کرد و مستر (مول) حاکم محکمه مزبور این معافیت را قاعده قبول
و تصدیق کرده ولی ادعا نمود که چون سرکاتب مشارالیه نخستین دعوت
محکمه حاجت نموده بیا علیه نمیتواند که از این معافیت استفاده
نماید . (انتهی)

بریکت از مأمورین دیپلوماتیک مثل انبیا مختار هستند که در حق
ابالی مملکت قائمه دعوا نمایند بهمان درجه مجبور میباشند به تاجی
که از این دعوا مترتب شود اتمثال و تبعیت نمایند .

(فصل سی و دوم)

(در بیان حال و مواقع مأمورین نیم رسمی است)
کافه مأمورین که تابع سفارت هستند مثل سرکاتب و آتش و سایرین
بالتبع داخل در دایره امتیاز و معافیت بوده اگر چه سفیر امتیازات
خود و کسانی که در معیت او هستند میتوانند فرغت نمایند ولیکن چون

مانورین و خدام سفارتخانه و سایر اشخاص که مخصوصاً متعلق با قلمگاه
سفیر هستند باین معافیت و امتیاز نایل میشوند و در حق آنها در صورت
دیگر معامله میشود.

اگر چه بدیهی و آشکار است در مواردیکه متعلق بحیایت است کسیکه
بهمچو جهی استحقاق امتیازات و دیپلماتیکی را ندارد از محاکم محلیه
نمیشوند ولیکن اگر حیایت در سفارت خانه واقع شود استثناء
احضار این اشخاص بجا کم محلیه مجوز نمیشود.

چون با قضا می جنوق دولیه سفارتخانه در بر مملکتی که باشد خارج از
آن محل اعتبار میشود بناء علیه حیاتی که در اینجا واقع شود مثل این است
که در مملکت خود سفیر واقع شده در این حال مجازات جانی بجا کم
مملکت سفیر عائد میشود و اگر حیایت در محلی که خارج از سفارتخانه
واقع شود در آن سکفام ترتیب جزای آن بحکومات محلیه راجع
میکردد.

(استطرد)

در سال ۱۷۹۱ میلادی در شهر (مونیک) که پایتخت دولت

(باویر) است شکارچی (کنت و برلین) سفیر پروسیا در
 یکت هما سخانه خود را اعدام کرد اگر چه سفیر مزبور بجهت مقتول مرقوم
 مطالبه نمود ولیکن حکومت (باویر) اظهار داشت که چون
 مقتضی است کسانی که اصالتاً در معیت سفیر هستند باینکه خدمت
 سفارت و شخص سفیر ربط داشته و تابع احکام قوانین محلیه میباشند
 تمیز نمایند لاجرم حکومت محلیه با عاوه جسد مقتول موافقت ننمود
 کرد. (انتهی)

خدمت سفارتخانه که از امتیازات دیپلماتیک محروم هستند در
 حالتی که جنایتی را مرتکب شوند خواه از ابالی مملکتی که سفیر در آنجا
 اقامت دارد بشوند و خواه از جای دیگر تابع حاکم مملکت میباشند
 (استطراذ)

قرار باینکه بعکس مراتب مزبوره فوق داده شده است مشهور
 گردیده چنانکه در سال ۱۸۱۲ میلادی شکارچی سفیر (باویر)
 که در برلین اقامت داشت در خارج از سفارتخانه بکینه خدمتگاه
 سفیر مزبور را کشت و سفیر قاتل را در سفارتخانه حبس نموده و بجهت

اینکه قاتل مزبور از تبعه دولت پروسیا بود ترتیب خجانی
و تحقیق ماده قتل را حکومت باو بر ترک نمود بناء علیه قاتل مزبور
بمعرفت عساگرد دولت باو بر تحت الحفظ بشهر (مونیک)
فرستاده شد فقط رئیس محکمه (برلین) به کشف و معاینه
جسد میت و استماع شهادت شهود اکتفا نمود. (انتهی)
در هنگام وقوع جنایت از طرف نامورین تابع سفارت و لوای
ترقیب و تعیین مجازات بمحاکم محکمی که در اینجا اقامت دارند
نشد ولیکن بدیت دعوا در محاکم مزبوره اقتصا نمایند.
معافیات و امتیازات نامورین دیپلماتیکی که مرتکب جرم و
قباحت باشند به درجه و مرکز که باشند در این باب معذور
و برای تحقیق و تدقیق دعوای شخص مدعی بمحاکم محلیه مراجعت نمودن
باقضای حقوق ملل معافیات و امتیازات مذکوره ابداً خلی
باین مراجعت نخواهد داشت.

حکومت محلیه برای تحقیق ماده و استماع تقریر و شهادات کافه
اشخاص میتواند بر کس را به محکمه دعوت و احضار نماید بشرط اینکه

استماع این تقریرات منافع پویشیکه دولت متبوعه مدعی علیه
حقیقه اِراش خلل نماید .

زیرا که این تحقیقات برای اقامه دعوای شخصی مدعی در حضور محاکم
خارجه مستناد کاهی میشود مرتعی الاجر بودن این قاعده هم در
حق مواد حقوقیه مقتضی میباشد .

خدمتکار سفیر بجهت قرضی که دارد توقیف و اشیاء او که در خارج
از سفارتخانه است ضبط میشود خلاصه ناسکته بامور و مصالح
متبوع او وارد نیامده است حکومت محلیه او را در مقام یک
شخص عادی حساب میکنند ولیکن اگر بدون بصفت و کالت
سفیر حرکت و معامله نموده خود او بشخصه تعقیب کرده نشد
مسئولیت او امری که او مجری داشته است بسفیر راجع میگردد

(استطاد)

(و ائل) نام مؤلف میگوید که اکثر مؤلفین او عا بنمایند که نباید
باشنا صیغه در معیت سفیر هستند مطلقاً تعرض نمود ولیکن لازم است
قاعده تمیز و تفریق که در حق املاک سفیر اشخاص کرده شده است

در این موضع هم موقع اجرا گذاشته شود چنانکه نباید خدای را که
مربوط به شخص سفیر است متعرض گردیده و باید با قیاسا قاضیگاه سفیر
رعایت کرده شود . .

و لیکن با مورات شخصی که ساینکه عارض صفت دیپلوماتیک نیستند
نباید امتیازات دیپلوماتیک محترم کرده شود . (انتهی)

(فصل سی و سیم)

(در بیان حکم و نفوذ سفیر است با موراتین سفارت که در معیت او میهند)
سفیر نام صریحی از متووع منضم خود نداشته باشد با موراتین سفارت یا متبعه
دولت متووعه خود صلاحیت اجرائی بحکونه حکم را نمی تواند داشت
چنانکه در مملکت عثمانی است . (استطراد)

کاهی حکومت زجزیه یکت سفیر کسیر تا یکدرجه تحدید و توسیع کرده
شده است که حق و صلاحیت قتل داشته باشد چنان که
(مارکی دوزورنی) نام اصل زاده که در لندن در معیت سفیر کسیر
فرانسه بود برای اینکه بحضایت قتل نفس منکب شده بود و سفیر مزبور
چند نفر از معتبرین ابالی فرانسه را جمع پس از رؤیت تصویر دعوی

جنایت حکم بقتل و اعدام او نمود .

این قبیل حالات ، در الوقوع است مخصوصاً در این اوقات که
 بیج دولتی مسانده نمی نماید که سیفر آن جائز این حکم و صلاحت
 باشد . (انتهى)

اگر در ممالک اروپا و امریکای از اتباع سفارت در
 خارج از سفارتخانه یا در داخل مصدر جرم و جنایتی بشود و ظالم
 بعد از سیفر در این باب مرتب بشود عبارت از فقرات ذیل است
 اولاً اگر متهم یا جانی در داخل سفارت خانه باشد او را توقیف
 و یا اینکه در خارج از سفارت خانه بمعرفت حکومت محلیه حبس
 و توقیف شده باشد او را مطالبه نمودن

ثانیاً ماده قباحست و یا جنایت را تحقیق نموده پس از تنظیم
 اعلام و ضبط آن کافیه و سائط لازم را از حکومت محلیه خوا
 ثالثاً شهادت کسانی را که از مأمورین سفارت هستند
 استماع کردن

رابعاً برای اجرای احکام لازم متهم را بجا که در استنبوه خود

خامساً در بسنکام لزوم تدابیر و تشبیهاتی را که برای استحصال
معلومات کامله از طرف محاکم مزبور مطالبه میشود اجرا نمودن
و لیکن بفرجه حکایه ام از مأمورین رسمیه را که در معیت خود میسر
که برای ارتکاب جرم و قباحتی بحکومت محلیه تسلیم نمایند
کار بای مأمورین سفارتخانه را که عائد بمواد حقوقیه باشد سفیر
و متوایه نماید مثل اینکه سفیر علی العموم میتواند وصیت نامه های مأمورین
سفارتخانه را اخذ و اسناد آنها را تصدیق و امضا نموده و
در بسنکام وقوع وفات آنها را ثبت نماید
شمال این حکم خستیا ری که از طرف سفیر بحری میشود در حق اتباع
سازیه که از مأمورین سفارت نباشند مخصوص بقوانین و نظامات
هر مملکت است

(استظاد)

موجب حکم فصل چهل و هشتم قانون مدنی فرانسه اسناد اعلان
واجباً قولدت و وفیات و ازدواج فرانسویها که در محاکم
خارجیه اقامت دارند بامأمورین دیپلماتیک و دیپلماتیک

فراموش داده میشود

در سال ۱۸۳۲ میلادی روز بیست و پنجم از ماه تشرین ثانی بموجب
قراری که داده شد بدون اینکه حکم فصل مزبور منفسخ شود از وی
قوانین آنها گفتگو کرده شده اصول رسوم و وقت و رعایت
مقتضیه آنها در این خصوصیات تجدید و معین گردید (انتهی)
دولتی که سفیر در نزد آن اقامت دارد مجبور نیست که این بنام
علم و خبر را بمقتول معتبر شمارد .

اگر در محاکم دولتی که سفیر در نزد او اقامت دارد برای بعضی
و عادی شهادت یکی از نامورین سفارت اقصا نمایه حاضر
شدن اشخاصی که برای شهادت بمحاکم مذکوره دعوت میشوند
و یا شهادت آنها مطالبه میشود بمعرفت سفیر و یا سرکاتب شسته
شده و بعد با اصول و نظام محاکمه تبلیغ آن توسط وزیر امور
خارج از سفیر مطالبه میشود و این از عادات جاریه حالیه است

(فصل سی و چهارم)

(در بیان رعایت کردن سفیر است بنظامات ضابطه محلیه)

چنانکه مذکور کردید سفر از حاضر شدن بمحاکم ملکیه و جنایت مملکتی که
در اینجا اقامت دارد و معاف است سایر رعایای خارجی علی العموم
که در اینجا اقامت دارند بمحاکم ضابطه آن ملک تابع هستند
شخص سفیر بالطبع نمیتواند تابع محاکم مذکوره بشود .

(استطراد)

اگر اقامتگاه سفیر مشرف بخرابی بوده و در یکت مخاطره قریب
الوقوع مشاهد شود حکومت محلیه حق و صلاحیت ازادارد که
در حق سفیر نه ابر لازم نماید ولیکن سفیر مجبور است وقت
نماید که در داخل سفارتخانه حرکاتی را که خلاف نظام بوده و در خارج
امنیت عمومیّه اخلال کرده و مختل قوانین موضوعه باشد بعمل نیارند
بنام علیه مثل اینکه لازم است بر سفیر استعمال سلاحه ناریه را که مختل
امنیت عمومیّه است در سفارتخانه منع نماید و اگر در داخل
سفارت قمار کرده شود بهمان طور واجب است با قضاای قانون
مملکت داخل شده عن مالی مملکت را باین تسبیل لعبیات در
سفارتخانه ممانعت نماید و نباید مساعده نماید مأمورینی که در

معیت او هستند تجارت اشیاء ممنوعه مشغول شده و به صنعتی که
مخل منافع ابالی اصلینه مملکت است اشتغال دارند . شخص
سفیر خواه در ایام مخصوصه و خواه در اوقات سائره باید بظان
و قوانین پولیس اتباع و اطفال نماید مثل مرور و عبور کردن
کالسکه با در اوقات معینه از جایابی معلوم و غیره .

(استطراد)

بی قید و الا ابالی بودن مانورین دیپلماتیک در مجالسی که اها
مملکت اجرای ماتم و سوگواری و یا اظهار مسرت و شادمانی
نمایند خطا است .

اگر چه این قبیل ماتم و مسرته عائد شخص مانورین دیپلماتیکی
نیست و لیکن محض اینکه ابالی مملکت مکتوب حرمت و رعایت بشود
و بدو نهایتا یک تابع او هستند تنفرا ابالی را دعوت نمایند از
مواد ماتم و مسرت باید خوششان بهم حصه بردارند .

یکی از دود دولت محارب که نامل فتح و ظفر باشد در شهر اجرا
آمین نمایند اگر متبوع سفیر درین محارب به بطرف بوده است

بابطیع آن سفیر نمیتواند در این قبیل مسترات اشتراک کند. (نهی)
و خصوصاً افعال و حرکاتیکه بخلاف نظام از نامورین معتبت سفیر
صفا در می شود چون علی العموم قاعده اینکه سفارتخانه از ممالک متبوع
منفصل و غیر اعتبار کرده میشود و مرعی الاجراست لهذا مجرمی که بواسطه
جنحه حکومت محلیه در خارج سفارتخانه توقیف کرده است باید
بسفارت خانه اعاده و تسلیم نماید .

(فصل سی و پنجم)

(در بیان معافیت سفراست از رسومات و عوارضات)
اگر چه سفیر طبعاً معاف است که در اقامتگاه او عساکر اسکان کنند
و یا آنکه رسوماً بیکه بدل و عوض عسکر باشد از او تحصیل شود ولیکن از
رسوماً بیکه با ملاک طرح میشود معاف نخواهد بود . در واقع
اگر اقامتگاه سفیر از املاک مخصوص یکی از اربابان مملکت باشد
هیچ دلیلی نیست از کافه املاکی که رسوالم بآنها طرح میشود عتیا
داشته باشد . اگر سفیر در خانه سکنا نماید که متعلق
به متبوع منظم او باشد و محض رعایت متبوع او از آن خانه رسومات

مطالبه نمیشود . این قبیل معافیات داخل در امتیازات
 دیپلماتیک نبوده محض آثار لطف و عنایت است .
 (استطراد)

سفارتخانههای دولتهای انگلیس و روس و پروس در پاریس ملک مخصوص
 دول مزبوره بوده و سفارتخانه پروس که در لندن مست ملک
 طلق علیحضرت پادشاه پروس است .

دولتهای فرانسه و پروس برای معاف بودن سفارتخانههای
 خویشان از هر قسم رسومات بالمقابل عقد اتفاق نموده اند . (منتهی)
 باقتضای امتیازات دیپلماتیک که سفیر حائزان است خواه
 سفر خواه مأمورین معیت او از دادن بده و رسوم ملک
 که متوجه دولت میدهد معاف خواهند بود .

ولیکن شبیه اینکه سفیر برای لوازم ذاتیه خود جلب نماید اگر ک
 و سایر رسومات معاف نخواهد گردید .

زیرا که این رسومات بده شخصی بوده در دست هر کس که باشد
 بده حقیقی است که از کافه اشیا گرفته میشود . معتمد معاف

سفر از این قسم رسومات هم از مقتضیات عادات قدیمه است
 حتی در او قاعده ناموریت دایم سفر استخاد کرده شده
 و عادات اینکه کاوه مصارفات و یا یک جزو آن از طرف دولتی
 که بزرگ او فرستاده میشدند داده میشد لغو و ابطال گردیدند
 آنها از رسومات مذکوره اتفاقا گردید فقط چون این قسم معافیت سفر
 از رسومات باعث بعضی سوء استعمالات میشد اکثر دولتها محض
 تحدید و ایراد این معافیت مجبور استخاد بعضی ابر لازم گردیدند
 چنانکه برای آوردن شایسته از ممالکت خارج با قاضیهای سفر
 لازم است سفر را علی التعموم شش ماه مهلت داده میشود و برای
 حواجج یومیه آنها نیز در هر سال مبلغی که کمترین لوازمات است معین
 شده و از دادن آن معاف میکردند اگر مقدار لوازمی که گرفته شود
 از مبلغ معین تجاوز نماید سفير مجبور است که رسومات و کمترین شایسته
 که از قدر معین تجاوز کرده است تأدیه نماید ولیکن اگر در اعتبار
 و بیلباتیکلی علناً سوء استعمال دیده نشود هیچ دولت در گرفتن
 رسومات مذکوره اصرار نمیکند .



در انگلیس در هر سال قد معینی نیست اگر چه سفر اینکه دو بای تخت بستند
 بر آنچه را که خواهند میوانند به ملکات و خال نمایند و لیکن همیشه جمیع
 بستند که بای یک جزئی خبر هم از وزارت خارج بواسطه ^{مقطعه}
 سند استحضال خصت نمایند و حال آنکه در شهر بایکه در هر سال مبلغ
 معینی تخصیص شده است متوجه که با هم سفیر وارد میشود و مقابل
 مکقطعه سند که بهر معنای سفارت مهور و لرزم آنرا مخصوصاً
 شخص سفیر اثبات نماید داده میشود .

معاف بودن از رمومات کمک فقط مخصوص سفر بوده هیچ
 سرکاتب نمیتواند این معافیت را مطالبه نماید مگر اینکه بطور استثنای
 بصفت مصیحت گذاری موقفاً بسفر و کانت کند .

با کتای بر قسم اشیاء که بهر دولت متوجه سفیر مهور بوده خواه
 بواسطه ساعی و فاصده بواسطه پوست بسفر وارد شود
 از بر قبیل اشیاء که باشد هیچ وجهی در کمک باز و معاینه نمیشود
 فی یوم نماید ابر کس که بواسطه راههای آهین سیاحت و دست
 بنمایه تخص خدام سفرانادر الوقوع است و چون این ^{اول} تخص

محل امتیازات دیپلوماتیک است کلیتاً باید ممنوع شود .
 هم چنین سفری که سیاحت نماید در حالتی که تذکره مرور خود را
 ارائه و وقت رسمیت خود را اثبات و اشاعه نمود صند و قهای
 نباید تفحص و معاینه بشود .

سفر امتیازات دیپلومات که مکات معاف است از رسومات
 احتساب که رسوم محلیه است معاف بوده و هر کس هم مطالبه آن
 آن از طرف حکومت محلیه سفر ابادای آن مجبور میباشد .
 و چون رسوم که از مآثرین و عابرین برای محافظه طرق و معابر
 پنهان و راههای سنگت فرش یعنی شوسه و جوبها و جد و لهای گهنگو
 گرفته میشود در مقابل مصارفی است که بآنها کرده شده است
 مأمورین دیپلوماتیک از ادای رسومات مذکور مستثنایند
 هر سفر در نزد دولتی که اقامت دارد باید با امتیازاتیکه اندو
 در حق سفرهای سایر مسموده و از حیثیت رتبه برابر هستند
 قناعت نماید مگر آنکه امتیاز مخصوصی داشته باشد که مستند
 بمقادیر مخصوصه و یا بقاعده معاینه باشد .



(فصل سی و هشتم)

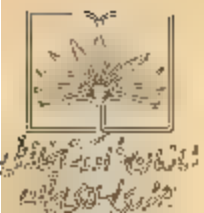
(در بیان اجرای روم و این عبادت در سفارتخانه)
 با قنصلی عادات عمومی که از طور مذنب پرستانان بنظر
 متحد گردیده است و از روی و متداول است که در میان دول
 اروپا منعقد و تأیید شده است اگر این و مذنب سفارت
 از کافه صنوف و درجات هستند در مملکتی که اقامت دارند
 بطور علنی اجرا نشود و یا آنکه هم مذنبان و حقوق اجرای این را
 حاضر نباشند و در حالتی که سفیر دیگر در اینجا باشد که کلیسای او
 میتواند که در اقامتگاههای خوشان بطور نیم علنی بحقوق اجرای
 این خود مظهر شوند .

(استطراد)

از پادشاهان اوستریا (ژوزف) دوم بعد از ساعت
 نمودن با اجرای رسم این که از مذنب پرستانان در
 (وین) بودند اصرار داشت که مفرای حکومت متفق المان
 در کلیسای بای کوچک خود که در اقامتگاههای خوشان داشتند

از اجرای رسم آیین فراغت نمایند . (انتهی)
 اگر چه اینست نمودن کلیسای کوچک در سفارتخانه موقوف
 بامر و رخصت حکمداران است که سفر را ارسال نمایند ولیکن
 اکثر سفر خصوصاً سفر اینکه از درجه دوم و سوم هستند از طرف
 حکمدارانیکه باقامت در نزد آنها مأمور میباشد از اینکار عدم
 ممانعت جرایم آیین خودشان مستفید نمیباشند .
 دول مسیحیه در کافه معابد اینکه با حکومت اسلامی منع کرده
 حقوق ساختن بیک کلیسای کوچک را برای افراد و قوئلها
 خودشان شرط نموده اند .

چون اجرای عبادت مطلقاً در اقامت کاهنهای خودشان
 طبعاً مباح است هر یک از مطلق خارج حق و صلاحیت آزادانه
 در حالتی که باقامت او در مملکتی رخصت داده شد از این مساعده
 جزئیة محروم نمیدارند یعنی کیفیت خارجی که مملکتی آمده در اینجا اقامت
 نمایند باین دند بسبب او نه با اجرای حرمت و صنعت او
 هیچ وجه مانع نمی شوند



و لیکن چون اجرای عبادت بنم علی سببیه که متوقف بوجود یک
 مأمور مخصوص روحانی است باقتضای قرارهای محال عمومی
 مذمبیه و حقوق روم (شاید) که از دائره حریت طبیعی
 اخراج شده و یکت صفت مخصوصه اجرا کند بناء علیه درجه
 رخصت و صلاحیت سفر در خصوص اجرای این در اقامتگاه
 خودشان بالنسبه بر تبه و صفتی است که حاضران میباشند .
 منظریت یک سفر بحقوق اجرای این و مذمب خود در
 کمال آزادی و حریت از لوازم و طایفت مأموره او نخواهد
 اگر مذمبی که سفر تابع آنست در مملکتی که اقامت دارد و غنای
 مجری نمیشود و یا آنکه کلیسای آن مذمب در آن مملکت نباشد
 باید سفر کافه قواعد مرعیه مذمب و ادیان مراعات نمود
 در اقامتگاه خود با اجرای عبادت گفته نماید .
 و چون مختصر بودن محل عبادت سفر آنیکه در مملکتی با عیال خود
 بنا موزیت دایمه هستند با اقامتگاههای آنها مفرون بحقیقت
 نیست بهی است که اینحال برور زمان مبدل بحق و واجب

خواهد گردید .

اجرای آیین نمودن سفرا و سفارتخانه‌های خودشان بطوریم عظمی
 بایک نامور روحانی و تعیین ترتیب خدام کلیسا و ایفای کاتو روم
 مذبتیه که اجرای آن در کلیسا ممکن است صلاحیتش با بنجا
 نیز شمول دارد .

(استظراء)

معهد اکاتو حکومت محلیه حق و صلاحیت آزادارند که عدد
 نامورین روحانیه آنجا را ستمه و تعیین نموده و مخصوصا نگذارند
 از رهبانیکه از ابالی مملکت است در اینجا ناموریت داشته
 باشد . نامور روحانی که مربوط بسفارت باشد از اتباع
 به محاکم محلیه معاف است . (انتهی)

(استظراء)

بیج سفیری حق و صلاحیت آزادارند کلیسائی را که در داخل
 سفارتخانه است در شکل بدیث کلیسا های بزرگ ساخته و در بنجا
 ناقوس و ارغنون استعمال کرده و اجتماعات مذهبی برانمایند (انتهی)

اجرای حقوق رسم آئین در سفارتخانه فقط مخصوص بنفیر مأمورینست
 و است بعلاده اینکه مأمور روحانی در خارج سفارتخانه مأمور نیست
 در اجرای عبادت پیشوای شود از اهل ملتی هم که سفیر مأمور تابع است خواه
 سفیر مأمور مذہب شود خواه نشود همچنین از اربابی مملکت را حکومت
 مجبور نیست که اذن بدد بکلیسای سفارتخانه رفته اجرای رسم
 آئین کنند . (استطراد)

از این قبیل است که حکومت پاپ خبردار شد که در روم مأمور
 روحانی که مخصوص سفارت پروس بود بزبان ایتالی اجرای مضایح
 مذہبیه نماید لاجرم حکومت مشاء الیها بیان داشتعار نمود که زبان
 مذکور را دیگر استعمال نکند و اگر بکنه کلیسای مزبور را کلیتہ لغو
 و مسدود خواهد کرد . (انتہی)

معینا چون دولتها زیاد تر از همه در خیال آزادی حریت هستند
 و مخصوصا در حق ملل خارجه خواه باقتضای عموم و خواه از راه
 مخصوصه در این خصوصیات بآن درجه شدت نمایند .
 (استطراد)

در میان دولتهای فرانسه و فلانک و اسوج و دیمارک و اوستیا
 و سایر دولتها در این خصوص عهدنامه منعقد شده است. (انتهی)
 و حتی اگر اوقات بامور و عالی سفارتخانه اذن داده شده است
 که در خارج اجرای وظیفه نمایند و گاه با اذات اجرا بر رسم آیین بخورن
 مأمورند که در خارج از سفارتخانه از طرف حکومت محلیه خواسته شده است
 بروفت که سفیر محل مأموریت خود را ترک نمود اصول اجرای این
 در صورت نیم غلنی در داخل سفارت با تطبیق زایل میشود اگر سفیر بعضی از
 ایناع و خدمه خود را در سفارت گذاشته باشد و نامحای دیگر ره
 انوقت با اجرای رسم آیین در سفارتخانه مساعد میشود و اگر قلیه بواسطه
 غنیمت سفیر مأموریت آن ختام پذیر میشود اجرای آیین عبادت نیز
 معطل میشود.

و در فلانسان مادر او دیده شده است بیک مأمور دیپلماتیک
 که از درجه آذوقه بوده و بنویسه مصالح سفارت معین شود و حضرت داده شود
 که در اقامتگاه خوا اجرای رسم آیین نماید.
 (استطراذ)



اگر چه مصلحت گذار با و راقا متکاهای خودشان مخصوص مذہب
 و آئین خود یک کلیسای کوچک دارند و اگر چه مثل آنکه از طرف حکومت
 محتاجه مانعی نیست که ایچهای کپرو صغیر در داخل سفارتخانه معبدشان بنه
 مصلحت گذار باینر متوانند که در اقامتگاههای خودشان یک معبد
 کوچک تأسیس و احداث کنند و لیکن اگر دولتها که متوع سفر هستند
 محض عایت بقاعده تصرفیه بانشای معبد مخصوص ساعده نمینایند .
 معتمد اگر ناموریت سفر متوع و فاست متوع منقح او و یا حکمداری که در
 نزد او اقامت دارد حتام پذیر بشود از حیثیت سفارت بیچوجه
 بند لانی مجری نگردیده و از قواعد مرعیه است که بغیر منظر شود بور
 خبری که از طرف حکومت او در عدم ابقای خود در ناموریت سفارت
 مگر آنکه حال که وفات کرده پیش یک حکومت اتحایه بوده باشد
 ایحال نیز حال و موقع موقتی سفر در حکومت محلیه سبب فی تواند بود
 که اجرای رسم آئین تحصیل و منع نماید .

اگر استغفار بشود که آیا برای زوجهای غیر کپرو سایر متعلقین سفر و دیگر
 نامورین دیپلوماتیک که تابع مذہب زوجهای خود نباشند حقوق متلا

آزاد دارند که در افتکاهای خودشان یک یکسای کوچکت تخصیص و
 انشانند یا نه باین سوال این قسم جواب میدهم که اگر چه این حقوق
 و صلاحیت بمقاولات مخصوصه و عادات محلیه و بحسن ارادت حکمدار
 مملکت منوط و مربوط است باز قطعاً شبهه نیست که باین فقره حقیقت
 داده میشود . در این باب در میان دو دولت مقاولات مخصوصه
 قاعده حقیقه نباشد که اساس آنها شود همان مراسم و تشریفات و نیاز
 در حق هر یک مأمورین دیپلماتیک که با خود او بهم رتبه و شان بسته
 مساعد میشود و نیز در حق خود و مأمورین معیت خود حق مطالبه این امتیاز را
 خواهد داشت . (فصل سی و هفتم)

(در بیان حقوق و امتیازات مأمورین دیپلماتیک است)
 (در ممالک دولت های که نزد آنها مأمورین بسته)
 یک سفر که با قیامت در نزد حکمداری و یا در ممالک آن مأمور است
 میتواند بهیت خود را با امتیازات خود در یک صورت مطلقه کمل طلب و ادعا
 نماید اما حکمان بخودن این را که یکسفر در شهرهای دولتهای که مجبور برورازان
 ممالک است مثل یک استیاح عادی و اخصت رسمیه بجای عاری است



محض خطا است بجهت اینکه صفت سفیر معلوم است لهذا بموجب احکام
حقوق ملل حق و صلاحیت آنرا دارد که خود مأمورین معیت او منظر
در عایت شوند و این منظریت آنها بمرست و رعایت ابد ملتینی بحسن ادا
و خستیا حکمدار که از خاک او عبور خواهند کرد نخواهد داشت .
در آشنای مرد و سفیری از مملکت حکمداری که مأمورین نزد او نیست باید اقدام
و اهتمام کرده شود که آن سفیر منظر امتیت کامله بشود .

مثل اینکه یکی از احاد ناس در آشنای مرد در مملکتی باید از هر گونه تجاوزات مصون
و محروم باشد سفیر زحم که برای بقا و امرار منوع مفتخ خود و یا برای رعایت
مصالح ملت سیاحت نماید باید بطریق اولی منظر رعایت و حمایت بشود
زیرا که حفاظت کردن سفیری مثل تحقیر نمودن به دولت و ملت او است
توقیف او و اجرای عادات ظالمانه در حق او اخلال نمودن حقوق نهایتنا
کافه دولتهاست بناء علیه در زمان سابق در حالتی که مأمورین امپراطور آلمان
مدخلیت داشتند الجیبامی (فرانسوای) اول از پادشاهان فرانسه مقبول
گردیدند و پادشاه فرانسه هم از وقوع این امر شکی نمود (شارل کن)
امپراطور آلمان نیز از دادن رضیه امتناع کرد و ناچار پادشاه فرانسه امپراطور

مذکور اعلان حرب نمود و در این اخبار جنک هم محقق بود
 فقط این معافیت است یازده حق سفرائیکه بحال خود از مملکت مرور نمایند
 جاری بوده با عقا و قول (و اصل) نام مؤلف اگر سیاحت کشفیه اعی سوختن
 و از مملکت حکم را بر او خواهد مرود کرد از دخول سفیر بطور آزادی مملکت خود از ایشان
 بوده و از ایقاع فسادات و اجرامی بعضی تبلیغات سفیر به دشمنهای او و یا دشمن
 نمودن ابالی مملکت او در حق خود شبهه نماید بتواند که مرور آن سفیر از
 مملکت خود منع کند بهین قدر باید دقت نماید که در حق سفیر معامله به
 واقع نشود و اگر منع کردن سفیر از مرور مملکت اسباب قویه در دست
 نباشد محض اینکه سوء حرکات سفیر را مخالفت نماید حکومت حق صلوات
 آزادارد که مذاکره سیاحتیه را اتخاذ کند

(استطراد)

در فصل ششم همین کتاب بیان کردیم منبوسوله که فرانسوی الاصل بود
 در سال ۱۸۵۴ از طرف حکومت مجموعه امریکت شهر ما در بد سفیر تعیین
 شده بود از جانب دولت فرانسه با قیامت او در شهر پاریس ساکن شد
 میسو (ماسون) سفیر امریکت که آنوقت در پاریس قیامت داشت

از دولت فرانسه استیضاح کرده علت ترا سوال نمود میسو (درون و لوی)
وزیر امور خارجه فرانسه در مراسله رسمیه موضح اول تشرین ثانی که میسو
ماسون (فرستاد سبب معامله مذکوره را بدین وجه بیان ایضاح
کرده شده سفیر مکیه برای اجرای مأموریت از فرانسه عبور کرده به
محل اقامت خود غزیمت نمایه حکومت امپراطوری در دایره مانفت
بغزیمت ادنیست ولی افوس بواسطه سوابق احوال بکت خارجه
که نظردقت و اشتباه نیست حکومتی را که مأمور بحفظ اسبابش عمومی
میباشند دعوت کرده لهذا باین عبور ساده و توقف و فرنگ
هست اگر غلبت و افکار میسو (سوله) مستقیماً غزیمت بشهر مادیه
میبود از راه فرانسه بغزیمت و بهیچگونه مانفت کرده نمیشد .
اما او در این خیال بود که آمده در فرانسه اقامت بکنند باین مساعده
نمیشد نظر باحوال مذکور بقدر اینکه از حقوق سوال کنند که در قبول
کدام بکت از دوستی مزبور جازم وقت و فرصت داده نشد و
چون بشار الیه از فرانسه وطن اصلی خود بامریکا رفته و اینجارا وطن کرده
و از جانب جمهوری امریکا مأمور سفارت بود بجهت مدد استن و دولت

نامه لازم از دولت فرانسه در نظر رسید که یک شخص عادی محسوب
شده و تابع قانون نیست که در حق عموم مردمی لایحری میباشد

میسوسوله در این باب ضمان داد که جز برای رفتن با و در یدار خاک
فرانس خیال دیگر ندارد تا مبرور و عبور او رخصت داده شده حال در
این مرکز مانده با وجود این موافق تقریر فوق الذکر یک سفیر اور مقام
یک شخص عادی حساب کردن با عقیده مؤلف یک معامله متجاوز از حد است
(انتهی)

امتیاز بلا مانع بازادی عبور و مرور کردن از مملکت سفیرای دولتی میباشد
که در حالت صلح و مسالمت باشد در صورتیکه یک دولت با دولت
آخر در حالت جنگ و نزاع باشد آن دولت مجبور نیست که سفیر
دشمن مساعد کند که در مملکتش بازادی گشت و گذار نماید .

سفیر دولت محارب اگر در دست مذکره امنیت نداشته
باشد نمیتواند بخاک دشمن قدم بگذارد و برگاه مذکره امنیت
نداشته باشد عداوت آنکه مبرور او مانعت شود توقیف هم میکرد

(استطرد)

مارشال (دوئل بزل) سفیر فرانسه مقیم برلن در ۱۷۵۵ میلادی
از یک قریه محکمت بانور که تابع انگلیس و دولت متسا ایها باشد
و محاربه بود در آشنای مرور توقیف کرده بانگلیس فرستاده شد
چون در این باب دولت بانور بحقوق محاربه موافق حرکت
کرده بود و دوائتهای فرانسه در پیروسیار از دولت بانور نکات نگرفته
(انتهی)

یک دولت برای اینکه بحرکت کردن در صورت مشروطه فوق حق
و صلاحیت داشته باشد حالت محاربه را رسماً باید اعلان کند .

(استطراذ)

در سال ۱۷۴۴ میلادی کنت (دهولد رنس) سفیر انگلیس بانور
و نزدیک در عین عبور از مملکت وتریش با اینکه دولت اوتریش با
دولت انگلیس محاربه نداشت معیناً از صاحب منصبان اوتریش
بایراد اینکه دولت انگلیس متفق اعدای اوتریش است سفیر مزبور
توقیف کرد چون این حرکت و مختل احکام حقوق ملل بود و دولت اوتریش
خطای صاحب منصب خود را اقرار و بیان معذرت کرده بود .

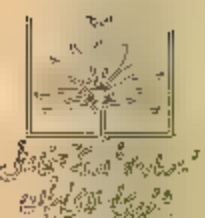
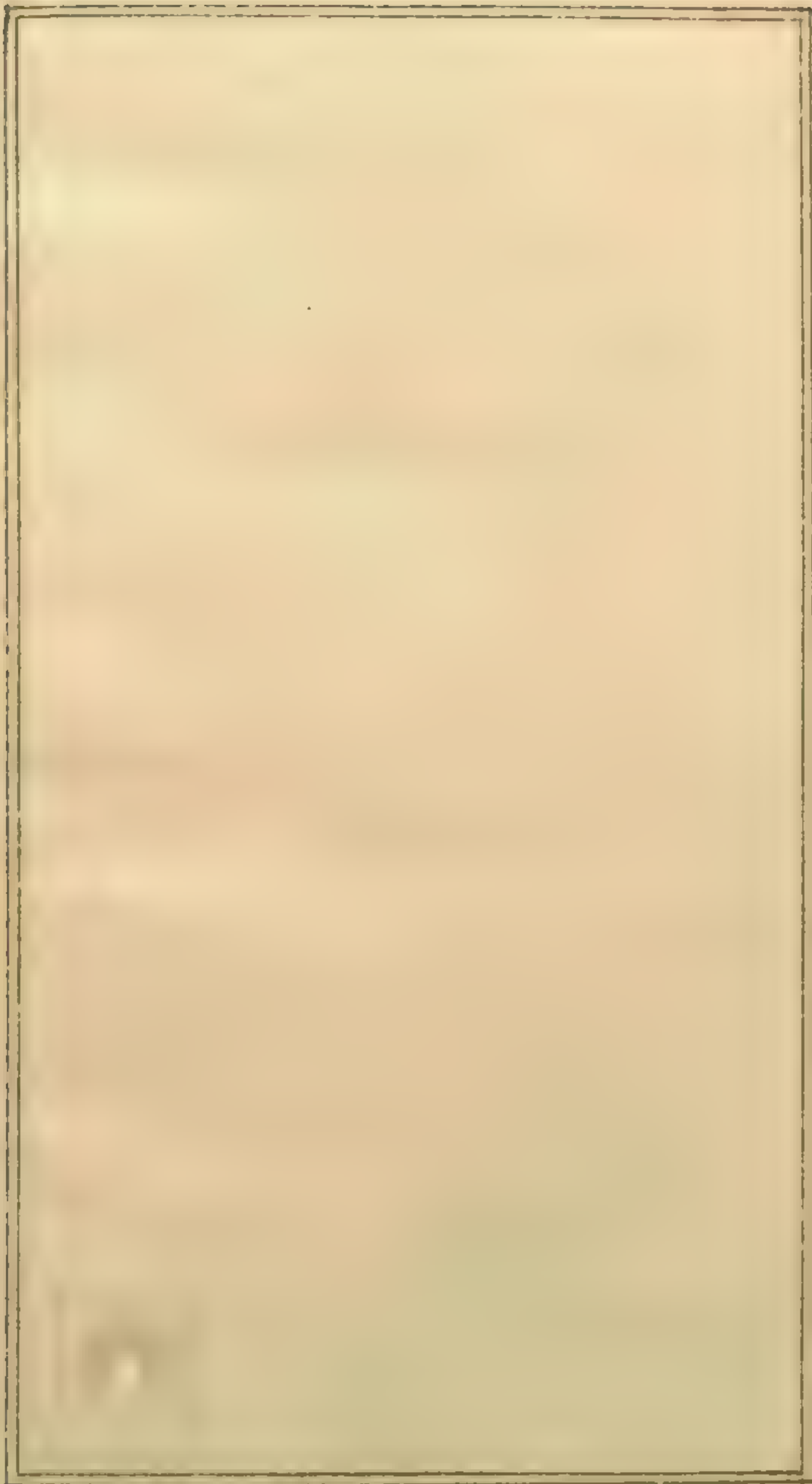
(انتهی)

از مأمورین سفارت بچکدام حق این را ندارند از آشیانی که بفر
خود نموده از عمالکت غیر مورد بند معافیت آنها را از رسوم گمرک
مطالبه بکنند بعضی استثناءات خواه بحسب عادات مخصوصه خواه
بجهت معامله متقابل و یا از طرف دولتهای درجه ثانی که محض
حرمت و رعایت معامله میشود فاعده عمومیه نموده و بهائیس
یکت حقوق سبب کافی تواند شد .

اوایل حال سفر او مأمورین دیپلماتیک که بمأموریت موقت
تعیین میشدند مخارج راه و مصارف ایام اقامت و از خزانه
دولتی که سفیر نزد آن مأمور بود داده میشد در این روزها این فاعده
لغو شده است .

(استطراذ)

در این اواخر سفرهای دولتی با چون و سیام که بزرگ دول فرنگستان
آمده بودند مصارف و مخارج آنها از جانب دول فرنگستان داده شد
تمام شد جلد اول فی شهر شوال ۱۳۰۱
حرره میرزا محمد





سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



۱۰۸۹۵

